

تورنتو

# هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه / ۲۶ آبان ۱۴۰۱ / ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲

بها: ۳۵ دلار

## ۲۰۵

www.hafteh.ca



گردهم آبی ایرانیان: چرا صدایی از یونسف بلند نمی شود

مونترال



گردهم آبی در مونترال: برای بلوچستان و بلوچ: برای ایران و ایرانی

ونکوور



مشکلات ربکا، دختر بچه مهاجر ایرانی در ونکوور

## چرا کانادا این افراد را تحریم کرد



# آرش و شیرین شکور

کارشان رسمی املاک مکنونی و تجاری شما  
در مونترال و حومه



استودیو، یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه  
تاریخ تحویل: زمستان ۲۰۲۳، بهار ۲۰۲۴  
شروع قیمت از: \$295,000+Tax  
محل: De la Savane

پارکینگ سرپوشیده و انباری  
به همراه وسایل برقی آشپزخانه  
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن  
لابی نورگیر و چشم نواز  
باشگاه مجهز و مدرن



یکخوابه، دوخوابه، سه خوابه، پنت هاوس  
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴  
شروع قیمت از: \$345,000+Tax  
محل: LaSalle

پارکینگ سرپوشیده و انباری  
وسایل برقی آشپزخانه+ماشین لباسشویی/خشک کن  
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن  
لابی نورگیر و چشم نواز  
باشگاه مجهز و مدرن



پیش فروش  
ویژه

دوخوابه، سه خوابه  
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴  
شروع قیمت از: \$580,000+Tax  
محل: Pointe Claire

پارکینگ سرپوشیده و روباز  
استخر روباز و سرپوشیده  
تراس مشترک روی سقف  
باشگاه مجهز و مدرن  
پارک کودک

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹





**دکتر شریف**  
**دکتر البزال**  
**دکتر دالیوال**  
**دکتر لیندا عطار**

Dr. Sharif  
 Dr. Albazzal  
 Dr. Dhaliwal  
 Dr. Linda Attar

**تخفیف ویژه برای**

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪  
 بیماران جدید ۱۰٪

**Montreal**

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,  
 Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

**Brossard**

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd  
 Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire  
 soleil-brossard.com



**RE/MAX**  
**3000**

Tranquillité **بیجه منحصر به فرد**

**هایک هارتونیان** MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

**موفقیت ما محصول رضایت شماست**



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروسه رایگان برای خریداران**

**Hayk Hartounian** MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

# کاظم تهرانی

Kazem Partow Tehrani  
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک  
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع  
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،  
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،  
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاغلی چون فروشگاه (دارای cold room)، دفترکار،  
کلینیک، آتلیه و غیره  
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۷۹ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر  
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407



Sutton



# آرزو گتمیری مشاور املاک

**AREZOU GATMIRI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

agatmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

**Cell: (514) 561-3-561**

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010



**Mojgan Rajabi**

Senior financial  
security adviser

- bimeh.ca
- bimeh.ca
- 514-296-7306
- bimeh.ca@gmail.com

# مژگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه  
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



داستان: نویسنده: الیزابت بوون

مترجم: مریم حسینی  
عاشق پلید

داستان دنباله‌دار: بهروز مایلزاده  
ماجراهای من و میکائیل  
بخش ۳

سینما: مصطفی عزیزی

افول انسانیت در سقوط ارزش‌ها  
مروری بر فیلم کانادایی «The Decline» به کارگردانی  
پاتریس لالیبرته

طرح هفته: سیروس یحیی آبادی  
مهسا امینی



خسروشیرانی

بابک یزدی، یکی از رهبران حزب کمونیست  
کارگری:  
در حکومت بعدی مقدسات نخواهیم داشت،  
نه خدا، نه شاه و نه میهن!

۱۲ باهمستان

پگاه نیایی

ایرانیان در تورنتو: چرا صدایی از یونیسف  
بلند نمی‌شود

مهدیس مختاری

اعتراض در مونترال: برای بلوچستان و  
بلوچ؛ برای ایران و ایرانی

شاهین شهسواری

مشکلات ربکا، دختر بچه مهاجر ایرانی در  
ونکوور



آرسام ارانی

کدام یک از مقامات شاخص جمهوری اسلامی  
توسط کانادا تحریم شدند؟  
مقامات تحریم شده چقدر در سرکوب  
معتراضان نقش داشته‌اند؟

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
www.hafteh.ca  
info@hafteh.ca  
news@hafteh.ca  
ad@hafteh.ca  
ISSN 1918-4379 Hafteh

Head Office:  
1980 Sherbrooke St. W.  
Suite: 900  
Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.  
■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورود) نگاه دارید.  
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.  
■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.  
■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گلام  
غافل است از حال مرغان مردخام

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۰۵  
پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۱ / ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲  
بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار  
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:  
پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ  
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

۴۲ تریبون آزاد هفته



علی مهاجرانی

تابوی برهنگی: تزویرهای حاکمان و تردیدهای مردمان

محسن فرهادلو

احمق‌ها با خوشحالی رنج می‌برند  
استفاده از تحریم‌های اقتصادی در بحران‌های  
بین‌المللی

بابک فرزایی

رژیم هوشمند یا...؟

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



یادداشت: احمد زیدآبادی

دردسر بلوک افراطی اسرائیل برای جهان  
غرب

سیاست: گروه ترجمه هفته

تشدید تنش در جامعه ایرانیان تورنتو در  
بجوبحه تلاش برای افشای وابستگی رژیم  
اسلامی

مهاجرت: گروه ترجمه هفته

آیا مونتئرال آمادگی و ظرفیت پذیرش  
مهاجران بیشتر را دارد؟

اقتصاد: آرمین آریان‌پور

زمستان سختی در راه است!

۶۲ آریانا



آریانا: نرگس هاشمی

بسته ماندن مکاتب دختران از صنوف ۶ تا  
۱۲ چرا؟

گزارشی از وضعیت آموزش دختران زیر سلطه  
طالبان

آریانا، داستان: جمیله هاشمی

اشک رئیس جمهور (بخش پایانی)

۵۶ جامعه

سیاست: گروه ترجمه هفته

انتخابات آمریکا برای کانادا چه پیامدهایی  
خواهد داشت؟

سیاست: گروه ترجمه هفته

جمهوری اسلامی چرا نشنال پست را تحریم  
کرد؟

سلامتی: گروه ترجمه هفته

نظام درمانی کبک فلج شده؛ بیماران  
ویزیت نشده به خانه برمی‌گردند

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس‌پور

چیز کیک نیویورک

سخن ستارگان، برای تفنن

سرگرمی: خاطره تحویل‌داری یکتا

طنز و حکایت و سرگرمی

سردبیر: خسرو شمیرانی

سردبیر آنلاین: آرشد مجیبی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته

کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی

عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: سیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی‌محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامتی: دکتر الهام‌گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان‌پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

# آیا مبارزه چاله‌میدانی با دیکتاتوری به سود جنبش آزادیخواهی است؟



ب) گروهی که به دلیل برخوردهای چاله‌میدانی همان گروه قلیل، از بدنه جنبش مبارزاتی - حمایتی حذف می‌شوند نیز تأثیر بسیار مهمی دارند. اتفاقاً همین گروه که در واقع قشر میانی جامعه است، حضورش باعث گسترده و مردمی شدن فعالیت‌ها و راهپیمایی‌ها است و عدم حضورش سبب می‌شود تا دوباره فعالیت‌های خارج از کشور به گروهی کوچک محدود شود. هر دو این روندها چرخه معیوبی را شکل می‌دهد که نتیجه آن محدودتر و غیرخلاق‌تر شدن فعالیت‌ها و در نتیجه کم‌اثربودن آن‌ها در خارج از کشور است. روشن است همان‌طور که راهپیمایی‌های ۵۰ هزار نفری در تورنتو و صد هزار نفری در برلین به معترضان داخل امید و انرژی می‌بخشد، وجود حامیان کم‌شمار روی انگیزه مبارزان خط مقدم نقش مثبت نخواهد داشت.

راه چاره چیست؟ این نکته روشن است که گروه کوچک دارای فرهنگ چاله‌میدانی را نمی‌توان تغییر داد. اما می‌توان آن‌ها را ایزوله کرد و نشان داد که رفتارهایشان در جمع بزرگ مردم و جامعه به هیچ‌وجه پذیرفته نیست. در ایزوله شدن این رفتارها موضع‌گیری چهره‌هایی که این افراد خود را به آن‌ها منتسب می‌کنند، به‌علاوه‌ی برخورد شفاف چهره‌های شاخص اعتراضات تنها راه کم‌اثرتر کردن این رفتارها است.

البته هر کدام از ما مسئولیم به شکلی از اشکال که تنش‌برانگیز نباشد مخالفت خود را با این رفتارها نشان دهیم و گرنه آن‌ها پیروز میدان خواهند شد یا دست کم روند شکست استبداد داخلی را آهسته‌تر می‌کنند.

در هفته‌های اخیر، به موازات گسترش سرکوب‌ها و محدودتر شدن اعتراضات خیابانی در داخل، شاهد رشد برخوردهای چاله‌میدانی در حاشیه‌ی اعتراضات خارج کشور هستیم. در حالی که تا دیروز این چاله‌میدانی‌ها ظاهراً رژیم را نشانه گرفته بودند امروز آشکارا افراد و گروه‌ها و حتی شاخص‌ترین چهره‌های اعتراضات خارج از کشور را هدف گرفته‌اند. شاید در نگاه اول لات‌بازی‌های این گروه کوچک در برابر جمعیت‌های ده‌ها هزار نفری معترضان در خارج از کشور بی‌تأثیر و غیرمهم به نظر بیاید اما واقعیت این است که تجربه فعالیت‌های اجتماعی نشان از اهمیت و تأثیرگذاری جدی و منفی این رفتارها دارد. فرهنگ چاله‌میدانی که استفاده از واژه‌های رکیک و فحش و ناسزا بخشی از آن است دست در دست فرهنگ اتهام‌زنی‌های بی‌پایه و غیر مستند فضایی بوجود می‌آورد که

(۱) به جو عدم اعتماد به افراد فعال دامن می‌زند و آن‌ها را ناگزیر به کناره‌گیری از میدان مبارزه می‌کند و

(۲) دیر یا زود بخشی از بدنه اعتراضات را که این فرهنگ را جدا از فرهنگ جمهوری اسلامی و حاکمان آن نمی‌داند، از حضور در میدان مبارزه فراری می‌دهد. گریزانان این دو دسته دو نتیجه به شدت منفی در پی دارد:

الف) وقتی که افراد فعال سالم به ترک میدان واداشته می‌شوند جای آن‌ها را بخشاً نیروهای ضعیف‌تر و حتی هم‌فرهنگان جمهوری اسلامی می‌گیرند که به دلیل اشتراک در بی‌فرهنگی با رژیم حاکم، به‌هیچ‌وجه در جایگاه رهبری فعالیت‌های مبارزاتی نیستند.

توسل دروغین به اخلاق و معیارهای اخلاقی برای سرکوب زن و مرد و دختر و پسر طی نزدیک به ۴۴ سال واکنشی در جامعه ایجاد کرده که می‌تواند قابل‌درک باشد، به‌ویژه میان نسل جوان و نوجوان. این گروه که از یک‌سو زندگی و آینده خود را با وجود سیستمی به‌شدت فاسد، تباه می‌بیند و از سوی دیگر شاهد جانماز آب‌کشیدن آقایان است برای نشان دادن اعتراض خود گاه به واژه‌های رکیکی پناه می‌برد که عرف و بدنه جامعه آن‌ها را دور از شأن زن و مرد ایرانی می‌داند. اینکه آیا استفاده از این زبان در اعتراضات داخل کشور شایسته است یا خیر بحثی است که شروع شده و احتمالاً ادامه خواهد داشت و باز هم احتمالاً این بحث‌ها تأثیری بر روش برخورد جوانان و استفاده آن‌ها از واژه‌های خاص در بیان اعتراض‌شان تأثیری نخواهد داشت.

اما مشکلی که امروز در برخی از فعالیت‌های اعتراضی در کانادا و اروپا و آمریکا با آن روبرو هستیم این است که گروهی کوچک و پرسروصدا فرهنگ و ادبیات چاله‌میدانی را علیه مخالفان استبداد داخلی به کار می‌گیرد.





## اخبار گزارش‌ها





کمک‌های مالی که فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر کبک، برای مقابله با تورم به کبکی‌ها وعده داده است، حداکثر تا پایان سال به حساب خانواده‌ها واریز خواهد شد با این حال برخی معتقدند که این کمک‌ها مشکلات ناشی از تورم و افزایش هزینه‌های زندگی را به‌ویژه برای خانواده‌های محروم برطرف نخواهد کرد. پس‌از آن که یک اعتبار مالیاتی ۲۷۵ تا ۴۰۰ دلاری در ابتدای سال در اختیار گروه‌های محروم و کم‌برخوردار قرار گرفت و پس‌از آن چک‌های

## میلیون‌ها کبکی از اواخر نوامبر چک‌های ۴۰۰ تا ۶۰۰ دلاری دریافت خواهند کرد

تکمیل نکرده‌اند، تا ۳۰ ژوئن می‌توانند این کار را انجام دهند و علاوه بر کمک‌های جدید، اعتبار مالی بالقوه ۵۰۰ دلاری را که بهار گذشته به واجدان شرایط اعطاشده بود، دریافت نمایند. هشدار دولت: مراقب کلاه‌برداران باشید وزیر دارایی کبک با یادآوری این که شهروندان برای دریافت کمک‌های دولت لازم نیست هیچ اقدامی انجام دهند، خاطرنشان کرد دولت در رابطه با کمک‌های خود، هیچ پیام یا پیامکی برای شهروندان ارسال نخواهد کرد و با آن‌ها تماس نخواهد گرفت بنابراین شهروندان باید مراقب کلاه‌برداران باشند.

۵۰۰ دلاری در بهار گذشته بین خانواده‌های واجد شرایط توزیع شد، اکنون ۶.۵ میلیون مالیات‌دهنده کبکی تا پایان دسامبر کمک‌های مالی جدیدی از سوی دولت دریافت خواهند کرد تا به گفته مقامات بخشی از فشار ناشی از تورم و افزایش هزینه‌های زندگی بر روی آن‌ها کاهش یابد. آن دسته از مالیات‌دهندگان کبکی که اظهارنامه مالیاتی سال ۲۰۲۱ خود را پر کرده‌اند، به‌صورت خودکار و برحسب میزان درآمد خود، کمک‌های دولتی را به‌طور مستقیم یا از طریق چک‌های ۴۰۰ تا ۶۰۰ دلاری دریافت خواهند کرد. اما آن‌هایی که هنوز اظهارنامه مالیاتی خود را

## هشدار ترودو در پی افشای حمایت مالی پکن از برخی نامزدهای انتخابات کانادا

در دموکراسی‌ها و نهادهای کشورمان ادامه خواهیم داد.» طبق گزارش گلوبال نیوز، چین از طریق یک نماینده پارلمان و برخی افراد دیگر، به دست کم ۱۱ نامزد انتخابات فدرال و همچنین به عوامل چینی که در راستای تحقق اهداف و منافع پکن فعالیت می‌کنند، کمک مالی کرده است. چین ضمن رد کامل این گزارش‌ها و بی‌اساس خواندن آن‌ها، مدعی شده که این ایستگاه‌ها صرفاً خدماتی از جمله تمدید گواهینامه رانندگی به اتباع چینی مقیم خارج ارائه می‌کند. منبع: وب‌سایت شبکه خبری رادیو کانادا

این اظهارنظر هشدارآمیز جاستین ترودو پس‌از آن منتشر شد که گلوبال نیوز کانادا از تأمین مالی یک شبکه زیرزمینی نامزدهای انتخابات اخیر کانادا خبر داد. علاوه بر این به‌تازگی مقامات اتاوا از آغاز تحقیق و تفحص درباره یک شبکه مخفی «ایستگاه‌های غیرقانونی پلیس چین» در منطقه تورنتو بزرگ خبر داده بودند. ترودو تأکید کرد: «ما تدابیر مهمی برای تقویت انسجام فرایندها و سیستم‌های انتخاباتی کشورمان اتخاذ کرده‌ایم. ما به تلاش و سرمایه‌گذاری در زمینه مبارزه با مداخلات خارجی در انتخابات،



برخی منابع خبری از وجود علائم و نشانه‌هایی دال بر دخالت عوامل خارجی در انتخابات اخیر کانادا خبر داده و درباره پیامدهای این مسئله به اتاوا هشدار داده‌اند. جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، روز دوشنبه پس‌از انتشار گزارشی افشاگرانه مبنی بر مداخله خارجی در انتخابات اخیر کانادا هشدار داد چین بازی‌های تهاجمی خطرناکی را با دموکراسی و نهادهای کانادایی آغاز کرده است.

## خسرو برهمندی، هنرمند نقاش ایرانی برنده جایزه چارلز بیدل Charles-Biddle

سیاسی را از دانشگاه کبک مونترال UQAM دریافت کرده و رساله‌ای تحت عنوان «غرب خیالی: دیدگاه دیگری در آگاهی سیاسی عرب در سال ۱۹۹۸» منتشر کرده است. الحسینی سپس با هفت هنرمند «سیرک آفتاب» (Cirque du Soleil) آشنا شد و این آشنایی منجر به تشکیل شرکت کبکی معروف «هفت انگشت دست» 7 Doigts de la main شد که در سراسر جهان شناخته‌شده است. جایزه چارلز بیدل بیش از ۱۰ سال است که توسط وزارت مهاجرت، فرانسوی‌سازی و ادغام کبک با همکاری سازمان «فرهنگ برای همه» اعطا می‌شود. چارلز بیدل نوازنده جاز معروف مونترالی آمریکایی تبار بود که در سال ۲۰۰۳ درگذشت. منبع: وب‌سایت شبکه خبری رادیو کانادا

جشنواره Acès Asie را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، یک هنرمند متعهد تجسمی است که آثار خود را در حدود پنجاه نمایشگاه در سراسر جهان به نمایش گذاشته و اساس کار هنری خود را مبارزه با کلیشه‌های نژادی قرار داده است. خسرو برهمندی که متولد تهران است، با سازمان دهی صدها رویداد هنری در سطح ملی و بین‌المللی به دیده شدن و شناخته شدن حدود ۱۲۰۰ هنرمند آسیایی تبار کمک کرده است. کارگردان ۷ انگشت نیز مورد تجلیل قرار گرفت. نصیب الحسینی که از سال ۲۰۰۳ مدیرکل مجموعه سیرک «هفت انگشت» Les 7 doigts است، جایزه چارلز بیدل ۲۰۲۲ در بخش ملی/بین‌المللی را روز دوشنبه دریافت کرد. الحسینی که اصالتاً لبنانی است، دکترای علوم



جایزه چارلز بیدل ۲۰۲۲ در بخش منطقه‌ای هرساله از طرف دولت کبک به مهاجرانی اعطا می‌شود که در زمینه توسعه فرهنگی و هنری استان زیبا نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. این جایزه ارزشمند امسال به خسرو برهمندی هنرمند نقاش برجسته ایرانی رسید. این جایزه به همراه یک بورسیه تحصیلی ۵۰۰۰ دلاری، بعدازظهر روز دوشنبه در مرکز مونترال PHI به مناسبت آغاز هفته روابط بین فرهنگی کبک به آقای برهمندی اهدا شد. خسرو برهمندی که سابقه دو دهه مدیریت

## ایرانیان در تورنتو: چرا صدایی از یونیسف بلند نمی‌شود



او می‌گوید جمهوری اسلامی هر کاری برای بقایش انجام می‌دهد یکی از فجیع‌ترین آن‌ها هم کشتار کودکان است که بر اساس آماري که سازمان‌های حقوق بشری اعلام کردند ۵۰ نفر حداقل کودک بودند. ما معترض هستیم و از جامعه جهانی می‌خواهیم صدای اعتراض ما را بشنوند او به‌ویژه از سازمان یونیسف یاد کرد که کجاست چرا با این هم کشته‌شده کودک در ایران صدایی از او در نمی‌آید او در پایان اشاره کرد که تا دادخواهی همراه هموطنانمان می‌مانیم. از بخش‌های جالب‌توجه امروز اجرای پرفورمنس دختر جوان دیگری بود که طنابی و نوشته‌ای بر گردن داشت که نوشته بود من نیکا شاکرمی ۱۶ ساله بودم و توجه بسیاری از عابران به تصویر تی‌شرت‌هایی که دور دختر پهن و نوشته‌شده بود جلب شد. جوانان زیادی در گردهمایی امروز با در دست داشتن تصاویر کودکان آرزوی ایرانی آزاد کردند. مراسم با پخش آهنگ‌هایی که معروف به آهنگ‌های انقلابی شدند در ساعت ۵ و نیم به پایان رسید.

Where is unicef

Hey hey ho ho islamic regime must go

Democracy for iran

و تماماً یونیسف را مخاطب قرار داده بود. در ادامه اسامی کودکانی که در این روزها جان خودشان را از دست دادند خوانده و بعد به احترامشان یک دقیقه سکوت اعلام شد. در بین شرکت‌کنندگان کیمیا دختر ۱۷ ساله‌ای که از مدرسه آمده بود و از قبل مطلبی را برای حمایت از کودکان ایران حاضر کرده بود نشان می‌داد که این همراهی ایرانیان کانادا سن و سال نمی‌شناسد. نغمه هم که از برگزاری کنندگان گردهمایی امروز بود متن را به زبان فارسی خواند از کشتار جمهوری اسلامی که به شکل گسترده و فجیعانه‌ای کودکان این سرزمین را از بین بردند، گفت و باز هم از یونیسف عکس‌العمل بیشتری درخواست کرد.

کیارش عالی‌پور از فعالان حقوق بشری هم در گفت‌وگو با خبرنگار هفته اعلام کرد برای اینکه صدای بی‌صدایان باشیم دور هم جمع می‌شویم.

گردهمایی دیگری از ایرانیان ساکن تورنتو ساعت ۳ و نیم روز جمعه دهم نوامبر مقابل cbc media برگزار شد.

به گزارش خبرنگار هفته، این گردهمایی در اعتراض به سکوت یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) نسبت به کشتار، دستگیری و شکنجه کودکان توسط رژیم جمهوری اسلامی ترتیب داده شده بود. بنابراین بیشتر پوسترها و عکس‌ها از کودکان کشته‌شده جریانات اعتراض‌ها بود.

شعارهای داده‌شده در این گردهمایی هم حول این اعتراض بود، اینکه سازمان یونیسف تنها به دادن بیانیه‌ای اکتفا کرده در حالی که سطح جنایات و کشتار جمهوری اسلامی در مورد کودکان و حتی کودکان زیر ۱۸ سال آمار تکان‌دهنده و بی‌سابقه‌ای است.

شعارها اغلب با هدف شنیده شدن جامعه جهانی به زبان انگلیسی داده می‌شد:

Childrens right, humain rights

Justice for iran

Unicef children is bleeding



## گردهمایی در تورنتو برای حمایت از مردم بلوچستان



کرده. او به هر چه بیشتر شدن تعداد جوانان در گردهمایی کانادا برای حمایت از اعتراضات در ایران اشاره کرد.

نیما معتقد است که با شعار «زن زندگی آزادی» ایرانی‌ها هویت از دست‌رفته‌ای که ۴۳ سال جمهوری اسلامی از آن‌ها گرفته را پس گرفته‌اند.

او از همه درخواست کرد که هشتگ جمعه میلیونی را دنبال کنند، هشتگی که قرار است صدای تمامی بلوچ‌هایی باشد که همگی می‌خواهند روز جمعه به دعوت فعالان بلوچ راهی زاهدان شوند تا گردهمایی میلیونی برگزار کنند.

در میدان ملتستمن چیزی بیش از ۲ ساعت شعارهای یکدست و یک‌صدایی مثل «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم» «از تورنتو تا زاهدان جانم فدای ایران» «مزدور صادراتی اخراج باید گردد» «کردستان، زاهدان، چشم‌چراغ ایران» و نام مهسا امینی نامی که آغازگر تمام این اعتراض‌ها بود همراه با صدای طبل، طنین‌انداز شد. امروز تمام ایرانی‌ها امیدوار به آزادی ایران در آینده‌ای نزدیک هستند.

ولی در مورد شهدای زاهدان و خدانور لجه‌ای و این خطه همیشه محروم و مظلوم صحبت کرد و یکی از اشعار شاملو را به یاد خدانور خواند و دستان بسته‌ام آزاد نبود تا هر چشم‌انداز را به جان در برکشم، هر نغمه و هر چشمه و هر پرنده... و از همبستگی جامعه ایرانی کانادایی و ضرورت آن در این دوره سخت و گذار صحبت کرد.

آسترکی در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار هفته از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی که در این مدت از سوی دولت کانادا به سران و نهادهای جمهوری اسلامی اعمال شده ابراز خوشحالی کرد و این حرکت‌ها را مرهون حضور فعال نهادهای مختلفی مثل انجمن پرواز ps752 یا انجمن آزادی عدالت برای ایران و دیگر نهادها و افراد فعال ایرانی در کانادا دانست به‌عنوان مثال از اقدام جامعه پزشکان برای ممنوعیت ورود ناصر سیم فروش پزشک معتمد جمهوری اسلامی گفت و امیدوار بود این حرکت‌ها ادامه پیدا کند.

نیما از دیگر شرکت‌کنندگان این گردهمایی و عضو کمپین نه به اعدام هم گفت کانادا جزو اولین کشورهای بوده که بر اساس اعلامیه حقوق بشر از ایران و این اعتراض‌ها حمایت

در هفته‌ای که گذشت شاهد چندین گردهمایی ایرانیان ساکن تورنتو در حمایت از خیزش اعتراضی ایران بودیم.

نهم نوامبر گردهمایی که به دعوت گروه مستقل عاشقان ایران در میدان ملتستمن ساعت ۱۸ عصر با هدف زنده نگه‌داشتن نام شهدای زاهدان و گذشتن ۴۰ روز از قتل‌عام فجیع در این خطه از ایران برگزار شد. در چند جای میدان شاهد دست‌های بسته‌ای به میله و لیوان آبی جلوی آن بودیم که نمادی از تصویر ناراحت‌کننده دستگیری جوان بلوچ، خدا نور لجه‌ای بود.

به گزارش خبرنگار هفته، در بین شرکت‌کنندگان چند نفری سخنرانی‌های کوتاهی انجام دادند. از شرکت‌کنندگان و حامیان همیشگی این تجمعات رضا مریدی، فعال سیاسی و وزیر اسبق علوم انتاریو بود. مریدی هم به اهمیت این گردهمایی‌ها برای همدردی و همراهی با مردم ایران اشاره کرد. او گفت امروز تعداد زیادی از هم‌وطنان ما برای همدردی با مردم داغ‌دیده زاهدان کنار هم آمدند.

از بین سخنرانان ابراهیم آسترکی، فعال سیاسی و دانش‌آموخته رشته علوم سیاسی از دانشگاه یورک و عضو حزب نیودموکرات منطقه نورث

## تحصن در مونترال برای اعتراض به اعدام و «نهال»ی که کم شد

با موزیک و عشق به خاکش آب می‌رساند.» برای رضا آذریپور، صاحب نهال که از اعضای دگرباش کامیونیتی ایرانی در مونترال است و بیست و اندی سال می‌شود که ترک وطن کرده نهال بوی جان! بوی ایران! بوی خانواده! می‌داد و البته برایش تعلق خاطر بود که به هر دلیلی مهاجرت و دوری از وطن را آسوده‌تر می‌کرد. رضا آذر پور که طبعی لطیف و شاعرانه دارد و دنیا و اتفاقاتش را با همان نگاه تماشا می‌کند درباره از دست دادن نهالش به خبرنگار هفته گفت: من نهال سال‌های ازدست‌رفته کودکی‌ام را با خود از ایران آورده بودم همان نهال درونم را و حالا نهال گم‌شده، مثل کودکی‌ام در جایی از تاریخ! من انقلاب نهال خودم را می‌کنم و می‌خواهم هر کس نهال درون سال‌های ازدست‌رفته خودش را پیدا کند و برای آن انقلاب کند. نهال من از دست رفت همان‌طور که نهال‌های زیادی تاکنون ازدست‌رفته‌اند، حال باید نهال‌های زنده را دریابیم و حمایتشان کنیم.

حواشی هم کم نداشت با اتفاقی که در لحظات پایانی برنامه حین جمع‌آوری وسایل افتاد شوک بزرگی به گروه نهال خونین داد و همه اتفاقات آن روز را کامل کرد. آن‌ها متوجه شدند که نهال ناپدید شده! البته چند ساعتی را برای پرس‌وجو گذراندند و نهایتاً متوجه شدند فرد ناشناسی از بیرون آمده و گلدان را با خود داخل ماشینش گذاشته و رفته، درحالی‌که هر کدام از اعضا فکر کرده بودند با اطلاع قبلی این کار انجام شده است. گم‌شدن نهال برای گروه نهال خونین و البته صاحبش لحظات سختی بود و قرار شد به‌زودی از دوربین مداربسته دانشگاه مک گیل این اتفاق بازبینی شود.

یکی از برگزارکنندگان می‌گوید: «شاید با شنیدن این خبر، این موضوع به ذهن متبادر شود که آن گلدان نهال لیמושیرین مانند هر گلدان دیگر است و می‌تواند به راحتی جایگزین شود. اما این‌طور نیست! بذر و خاک این نهال از ایران آمده بود و صاحبش هر بار



در تحصن «نه به اعدام» که روز سوم نوامبر توسط گروه هنرمندان مستقل ایرانی انجام شد، گروه نهال خونین نیز به کمک هنرمندان مستقل آمدند و نهال، سمبل آزادی ایرانیان را در اختیار دوستان خود گذاشتند و با طناب داری که دور گلدان بسته بودند به تحصن خود و اعتراض به اعدام‌ها در ایران رنگ و معنایی عمیق و شاعرانه بخشیدند.

به گزارش خبرنگار هفته، این تحصن که البته

## اعتراض در مونترال: برای بلوچستان و بلوچ؛ برای ایران و ایرانی

ایرانی برگزار شد با هدف یادبود و سوگواری به مناسبت چهلمین روز کشتار مردم بی‌دفاع استان سیستان و بلوچستان به‌ویژه یاد و نام خدانور لجعی، شهروند بی‌دفاعی که توسط نیروهای امنیتی به وجه تراژیک کشته شد. در این مراسم حضور ایرانیان مونترالی رنگ خاصی به خیابان داده بود چراکه هرکدامشان پوستری از قربانیان را به دست داشتند و عده‌ای روی زمین نشسته بودند درحالی‌که پوستر خدانور لجعی روبه رویشان بود و عدد چهل را با شمع روی زمین به نمایش گذاشته بودند. اما اتفاقی که به ملودرام شدن این مراسم افزود، این بود که یکی از هنرمندان با دستانی طناب پیچ و بسته‌شده به میله‌ای، روی زمین نشسته بود درحالی‌که یک لیوان آب روبه رویش با فاصله گذاشته بودند. همین صحنه کافی بود تا رهگذران لحظه‌ای بایستند و از اطرافیان پرسند داستان از چه قرار است؟! همچنین پخش موزیک و تصاویر کشته‌شدگان توسط ویدیو پروژکتور، از جمله بخش‌های این برنامه بود.



بعدازظهر چهارشنبه نهم نوامبر در تقاطع ژان منس و مزونو بود، به همت انجمن زنان ایرانی در مونترال، کمیته یادمان و جمعی از دانشجویان

تجمع ایرانیان مونترالی به مناسبت چهلمین روز کشتار معترضان زاهدان چهارشنبه نهم نوامبر برگزار شد. به گزارش خبرنگار هفته، این تجمع که



## گردهمایی پلاکارد نویسی ایرانیان مونترال به یاد زاهدان و خاش برگزار شد



بیشتر شرکت کنندگان هم به این درخواست پاسخ مثبت داده بودند.

همچنین گروه «زن، زندگی، آزادی» در یک ایده پردازی خلاقانه بر یک نوار کاغذی بلند، شعار زن، زندگی، آزادی را به انگلیسی به صورت خط چین درآورده بودند و از شرکت کنندگان خواستند در صورت تمایل اسامی قربانیان را روی هر خط آن بنویسند. در پایان نوار کاغذی بلند با اسامی قربانیان به شعار زن، زندگی، آزادی شکل و جلوه داد و تصویر زیبایی را خلق کرد.

اگرچه این روزها که حال و هوای مونترال کاملاً پاییزی شده و امروز هم دمای هوا حدود ۱۰ درجه را نشان می‌داد همراه با یک باد سرد اما ایرانیان مونترال از این رویداد استقبال کردند و نام معترضان کشته شده به دست جمهوری اسلامی به ویژه در خاش و زاهدان را گرامی داشتند.

برنامه‌گذاران همچنین در بیانیه خودشان از شرکت کنندگان خواسته بودند هر کدام عکس‌هایی از قربانیان را روی یک فوم بچسبانند و با خود همراه بیاورند که البته

تجمع و همکاری پلاکارد نویسی و تصویرسازی به یاد قربانیان و قهرمانان دربند، بعدازظهر شنبه ۱۲ نوامبر برگزار شد.

این رویداد بعدازظهر شنبه ۱۲ نوامبر به مدت دو ساعت در پارک پرتغال با همت گروه «زن، زندگی، آزادی» برگزار شد.

برگزارکنندگان هدف و شعار این رویداد را «اتحاد و همدلی، رمز پیروزی است» عنوان کرده بودند.



پرشین سیرکل تقدیم می‌کند

رسیا



سی چهره؛ جدیدترین کتاب  
دکتر عباس میلانی



اروپا - سوئد:  
نشر باران

Storgatan 768 lgh 1301  
Tel: 706011204

آمریکا:  
پارس

1434 Westwood, #1  
Tel: 310-441-1015

تورنتو:  
سرای بامداد

7181 Yonge, #127  
Tel: 647-680-6462

کانادا:  
پرشین سیرکل

30 Kem Rd, #104  
Tel: 647-225-9200

خرید آنلاین: [www.milanibooks.com](http://www.milanibooks.com)

Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel

sahar.samadaei@gmail.com

Cell: 514.625.2525

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

مونترال

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.  
Real Estate Agency

882 - 1 Pl. du Commerce,  
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1

clo L'Agence



EQUIPE  
AMY ASSAAD  
QUALITE IMMOBILIERE AGEE 3 QUARTIERS REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان  
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا  
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی



10% PREMIER DES COURTIER  
AU CANADA  
AVEC ROYAL LEPAGE

در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد

مانیا نیازی



AMY ASSAAD  
INFO@AMYASSAAD.CA  
514 884 8000

MANYA NIAZI  
MANYA@AMYASSAAD.CA  
514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1489 AV. 381KUR, MONTRÉAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

Sutton

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ  
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام

Minoo Eslami Real estate broker  
meslami@sutton.com

514 967 5743



آرسام ارانی

## مقامات تحریم شده چقدر در سرکوب معارضان نقش داشته‌اند؟



کدام‌یک از مقامات شاخص جمهوری اسلامی  
توسط کانادا تحریم شدند؟

پرونده  
هفته



صغری خدادادی

### صغری خدادادی؛ سرکوب در زندان قرچک

در میان تحریم‌شدگان نام دو زن به چشم می‌خورد؛ یکی لیلا واثقی و دیگری صغری خدادادی. صغری خدادادی متولد سال ۱۳۵۰ اهل اصفهان و مدیر زندان زنان است. او ۵۱ سال سن دارد و ۲۷ سال از زندگی‌اش در زندان گذشته است. احتمالاً او به لحاظ رفتاری، همتای اسلامی شخصیت «پرستار رچد» در فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» باشد که خودش معتقد است به لحاظ روانی روی زندانیان کار می‌کند اما در حقیقت روان‌زندانان را نابود می‌کند. از مشکلات شدید روانی خدادادی همین بس که در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس گفته «من زندان را خیلی دوست دارم!»

او که سال‌هاست در سازمان زندان‌ها مشغول است، نامش در روزهای اخیر به خاطر فرستادن گارد ویژه زندان به بند زنان بر سر زبان افتاد و احتمالاً دلیل تحریم او نیز همین اقدام ضد حقوق بشری باشد.

ماجرای این‌قرار بود که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ زنان زندان قرچک نیز شعارهایی داده بودند و خدادادی برای تنبیه زندانیان گارد ویژه را بند می‌فرستد که با مقاومت زندانیان مواجه می‌شوند اما آن‌گونه که در روایت زنان مطرح‌شده، همگی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. طبق گزارش‌ها مریم ابراهیم‌وند، صبا کردافشاری، فروغ تقی‌پور، پرستو معینی و مادرش زهرا صفایی، سهیلا حجاب مضروب شده بودند.

زندانیان قرچک می‌گویند در دوره مدیریت او فشارهای عقیدتی بر آن‌ها افزایش یافته است و حتی چادر برای آن‌ها الزامی می‌شود.

ژیلا بنی‌یعقوب به نقل از یکی از زندانیان زن گفته «صغری خدادادی رییس جدید زندان قرچک ورامین چند روز پیش به بند زندانیان سیاسی رفته و ضمن توهین فراوان به زندانیان گفته که من وضع اینجا را تغییر می‌دهم و همه باید چادرمشکی بپوشید.»

هم‌زمان با اعتراضات در داخل ایران، در خارج نیز اتفاقاتی رخ داده است و در اقدامی بی‌سابقه در عمده کشورهایی که ایرانیان حضور دارند، جمعیت زیادی در حمایت از معترضان به خیابان آمدند؛ از جمله تجمع برلین و تورنتو و سوئد که جمعیت بسیار عظیمی حضور داشتند؛ اما این تجمعات تنها کاری نبود که در خارج از ایران انجام شد و تلاش آن‌ها برای افزایش فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی اقدام مهم‌تری بود که انجام شد و آثار مهمی هم داشت و به‌واسطه همین فشارها بود که نشست غیررسمی سازمان ملل نیز با محور سرکوب خشونت‌آمیز معترضان در ایران انجام شد یا در نمونه دیگر درخواست حذف ایران از «کمیسون مقام زن سازمان ملل» نیز مطرح شد.

علاوه بر نهادهای بین‌المللی، کشورهای مختلف نیز تصمیم گرفتند افرادی را که به زعم آن‌ها در سرکوب‌ها در ایران نقش داشتند، تحریم کنند. مهم‌ترین تحریم‌ها در آمریکا و کانادا انجام شد.

تحریم‌های آمریکا پیش‌ازین هم سابقه داشت اما این نوع تحریم در کانادا که به‌صورت دسته‌جمعی افرادی برای سفر به این کشور منع شوند و در لیست تحریم قرار بگیرند، اقدام تازه‌ای بود که بیش از هر چیز محصول پیگیری‌های ایرانیان مقیم کانادا بود؛ چنانچه ناصر سیم‌فروش پزشک اورولوژیست به همین دلیل حتی نتوانست برای دریافت جایزه انجمن جهانی اورولوژی در کانادا حضور یابد. اما به جز سیم‌فروش، چهره‌های دیگری در لیست تحریم‌های جدید کانادا بودند. در این گزارش سابقه همین چهره‌ها بررسی شد است.

آن‌چنان که در بیانیه وزارت خارجه کانادا آمده است، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، محمد کرمی، صغری خدادادی، عزت‌الله ضرغامی، سیدمجید میراحمدی و عباسعلی کدخدایی را در این فهرست قرار داده است. علاوه بر این‌ها طی ماه گذشته محمدجواد ظریف، امیر حاتمی، حسین شریعتمداری، سعید مرتضوی، عبدالرضا رحمانی فضلی، سالار آبنوش، قاسم رضایی، منوچهر امان‌اللهی، کیومرث حیدری، غلامرضا ضیایی، علی رضوانی، سیداحمد خاتمی، لیلا واثقی، پیمان جلیلی، علی لاریجانی، محمدباقر ذوالقدر و ابوالفضل شکارچی نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته بودند.

برخی چهره‌ها چون حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس، عزت‌الله ضرغامی رئیس پیشین صداوسیما و وزیر کنونی میراث فرهنگی، عباسعلی کدخدایی سخنگوی پیشین شورای نگهبان، امیر حاتمی وزیر پیشین دفاع ایران، حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان، سعید مرتضوی دادستان پیشین تهران، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور دولت روحانی، کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش، سیداحمد خاتمی امام‌جمعه موقت تهران، پیمان جلیلی رئیس صداوسیما جمهوری اسلامی، علی لاریجانی رئیس پیشین مجلس ایران و محمدباقر ذوالقدر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بیش از سایرین شناخته‌شده هستند اما سایر تحریم‌شدگان هرچند سمت‌های کلیدی هم داشته‌اند چندان معروف نیستند یا دست‌کم نامشان برای افراد غیرسیاسی زیاد به گوش نخورده است.



او جالب است بدانید که وقتی به این پست منصوب شد، توییت‌های متعددی از فعالان سیاسی با سابقه در ایران منتشر شد که نوشته بودند در تمام عمر فعالیت سیاسی‌شان حتی نام میراحمدی به گوششان نخورده است! همین جمله یعنی میراحمدی از مخفیانه‌ترین نهادهای نظامی به وزارت کشور آورده شد.

احتمالاً تیم امنیتی سردار احمد وحیدی در وزارت کشور همان سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی می‌کرد که احتمال بروز اعتراضات گسترده در ایران وجود دارد، به همین دلیل با رأی اعتماد مجلس به سردار وحیدی، بخش عمده مدیران وزارت کشور و استانداران منصوب‌شده را نظامیان سپاه تشکیل دادند. میراحمدی هم یکی از همین چهره‌ها بود که البته هیچ تخصصی در بخش احزاب و نهادهای اجتماعی نداشت و هم‌اکنون دبیر «شاک» یا شورای امنیت کشور است که یکی از نهادهای مهم تصمیم‌گیر در مسائل امنیتی کشور است. تحریم میراحمدی یک معنا می‌دهد؛ آن‌هم اینکه مجوز شلیک گلوله جنگی به معترضان از مجموعه‌ای صادر شده که او دبیر آن بوده است.

میراحمدی مدتی معاون سرمایه انسانی وزارت دفاع در دوران وزارت احمد وحیدی بود. او همچنین سابقه جانشینی معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح، جانشینی رئیس سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع، ریاست اداره اطلاعات سپاه پاسداران، جانشینی فرمانده نیروی مقاومت بسیج و ریاست اداره عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران را دارد.



سردار سالار آبنوش

### سردار سالار آبنوش؛ طراح عملیات بسیج برای سرکوب معترضان

سالار آبنوش از فرماندهان بازنشسته سپاه است که پیش‌از این به‌عنوان «معاون عملیات سازمان بسیج» مشغول بوده است. این یعنی تمام عملیات‌هایی که بسیج در شهرها انجام می‌دهد با دستور او صورت می‌گیرد.

او در ۱۳۹۸ در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس از شهر کبودآهنگ هم

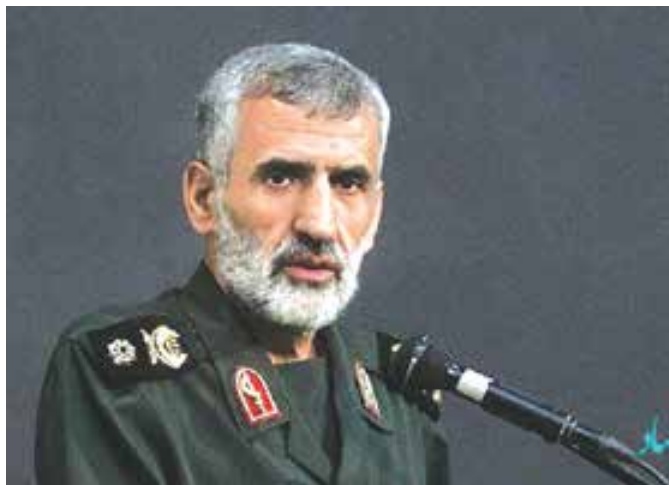


لیلا واثقی

### لیلا واثقی؛ به فرمان من شلیک کنید!

در جریان اعتراضات سال ۱۳۹۸ یک نام بسیار شنیده شد؛ لیلا واثقی. این نام به دلیل بر سر زبان‌ها افتاده بود که وقتی معترضان پشت در فرمانداری قلعه حسن خان شعار می‌دادند، او فرمان شلیک مستقیم داده بود! این فرمان از آن جهت عجیب بود که اگر افراد کل فرمانداری جایی دورافتاده همچون قلعه حسن خان (شهر قدس) را هم تصرف می‌کردند، اتفاقی رخ نمی‌داد؛ چه آنکه آنجا نه مرکز نظامی خاصی بود نه اطلاعات ویژه امنیتی خاصی آنجا بود؛ با این حال لیلا واثقی در جریان اعتراضات در آن وضعیت فرمان شلیک صادر کرده بود!

لیلا واثقی برادرزاده یکی از فرماندهان نظامی است که به خاطر همان روابط خانوادگی توانست در جمهوری اسلامی پست بگیرد. او یک‌بار هم در سال ۱۴۰۰ توسط آمریکا تحریم شد و همان تحریم باعث شد بار دیگر نامش به‌عنوان فردی که قرار است به او پست مدیریتی بدهند، مطرح شد.



سیدمجید میراحمدی

### سیدمجید میراحمدی؛ فقط گلوله جنگی بزنید!

سیدمجید میراحمدی معاون سیاسی امنیتی وزارت کشور است. درباره

یکی از دستوره‌های نیروی انتظامی در جریان اعتراضات، خرد کردن شیشه خانه‌ها و ماشین‌های شهروندان بود. پس از اقدام نیروهای نظامی، صداوسیما در مصاحبه‌های مختلف این اقدامات را به گردن معترضان انداخته است. استفاده از ارادل و اوباش با لباس رسمی یگان ویژه یکی دیگر از اقداماتی بود که گفته شده ایده قاسم رضایی بوده است.



منوچهر امان‌اللهی

#### منوچهر امان‌اللهی؛ نظامی خشن در شهر کرد

یکی از مناطقی که اعتراضات در آن بسیار گسترده و به تبع آن سرکوب‌ها گسترده‌تر بود، استان چهارمحال و بختیاری و مرکز آن شهر کرد بود. با این وصف عجیب نبود که منوچهر امان‌اللهی فرمانده نیروی انتظامی چهارمحال و بختیاری یکی از تحریم‌شدگان باشد.

نقش او در سرکوب‌ها آن قدر ویژه بود که حتی معترضان در واکنش به اقداماتش، آدرس خانه او را منتشر کردند.

در جریان اعتراضات مردم شهر کرد به وضعیت آب و بحران بی‌آبی هم سرکوب گسترده‌ای انجام شده بود. این اعتراضات قبل از قیام مردم در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده بود اما به دلیل سرکوب معترضان، نیروی انتظامی توانسته بود آن تجمعات را پایان دهد اما بار دیگر که اعتراضات پس از قتل مهسا امینی در کل کشور به یکدیگر پیوست، بار دیگر سرکوب‌ها آغاز شد.



غلامرضا ضیایی

#### غلامرضا ضیایی؛ سرکوب زندانیان با من!

شرکت کرد اما در شهر خودش هم اقبالی نیافت و فتح‌الله توسلی به مجلس راه یافت. مدتی هم نام سردار آبنوش به عنوان گزینه احتمالی استانداری قزوین مطرح شده بود اما از آنجا هم بازماند و اعلائی به جای او انتخاب شد.

آبنوش در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ به عنوان مشاور فرمانده بسیج به خدمت بازگشت و ایده سرکوب معترضان توسط لباس شخصی‌های بسیج توسط او مطرح شده است.

در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، بخش عمده سرکوب توسط لباس شخصی‌های بسیجی انجام شده است و حتی کودکان زیر هجده سال نیز توسط این نهاد استخدام شده بودند.



قاسم رضایی

#### قاسم رضایی؛ برخورد خشن یادتان نرود!

قاسم رضایی هم‌اکنون جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است. سابقه او سابقه نیروی انتظامی نیست و همچون هم‌تایانش از سپاه به نهادهای دیگر رفته است.

در جریان اعتراضات سال ۸۸ رضایی معاون عملیات نیروی انتظامی بود که در آن مقطع، نام او در سرکوب معترضان بسیار شنیده می‌شد. از آن پس به فرماندهی مرزبانی منصوب شد و بعد از آن به عنوان جانشین فرمانده کل منصوب شد.

رضایی به برخورد خشن با متهمان مشهور است. گفته می‌شود ایده چرخاندن متهمان در سطح شهر ایده قاسم رضایی است. از اظهارات عجیب رضایی اینکه دستور داده بود دست و پای افرادی که قمه دارند، توسط پلیس باید شکسته شود: «باید کاری کنید که قمه را ببندازند، یعنی دست نداشته باشند. اگر این افراد را در صحنه درگیری بازداشت کردید و من ببینم اینجا سالم و ایساده‌اند، باید پاسخ دهید که چرا سالم‌اند. اگر در صحنه درگیری قمه دستش بوده، من باید ببینم که دستش شکسته است. باید دستشان شکسته و نیم‌تنه آن‌ها افتاده باشد. اگر قداره کشیدند باید قلم پایشان را بشکنید.»

در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ و سرکوب شدید معترضان که طبق اعلام نهادهای حقوق بشری تاکنون بیش از ۳۰۰ جان باخته و هزاران مجروح بر جای گذاشته، عمده ضربات توسط نیروهای رسمی نظامی به شهروندان وارد شده است.



### علی رضوانی؛ منم بازجو- خبرنگار

در میان خبرنگاران صداوسیما دو چهره به‌عنوان بازجو-خبرنگار مشهور هستند؛ یکی آمنه سادات ذبیح‌پور و دیگری علی رضوانی. نام علی رضوانی در لیست تحریم‌های کانادا دیده می‌شود.

علی رضوانی مجری و خبرنگار بخش خبری تلویزیون است که با مصاحبه‌هایش با زندانیان سیاسی معروف است؛ مصاحبه‌هایی که بیشتر به‌عنوان اعترافات تلویزیونی شناخته می‌شود.

او معمولاً با چهره‌هایی مصاحبه می‌کند که به جز نهاد بازداشت‌کننده، حتی سایر نهادهای امنیتی به آن‌ها دسترسی ندارند؛ مثلاً درحالی‌که هیچکس نمی‌داند حتی روح‌الله زم کجا دستگیر و نگهداری می‌شد، علی رضوانی تنها خبرنگاری بود که برای مصاحبه با او حضور داشت.

رضوانی کارش را با خبرنگاری در حوزه نظامی و اخبار نیروی انتظامی آغاز کرده و سپس به‌عنوان خبرنگار امنیتی برنامه تولید کرده است. در جریان اعتراضات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ او در برنامه‌های مختلف برای معترضان پرونده‌سازی می‌کرد؛ چنانچه یکی از مهم‌ترین خبرسازی او درباره تخریب اموال عمومی بود؛ چنانچه نیروهای نظامی ابتدا اقدام به شکستن شیشه خودروها و پنجره خانه‌ها می‌کردند و پس از آن علی رضوانی در گزارش‌هایی اعلام می‌کرد که اموال عمومی توسط مردم تخریب شده است. در چند مورد که فیلم تخریب‌ها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، کاملاً مشخص بود که این برنامه‌ها با هدف افزایش سرکوب و توجیه افزایش خشونت ساخته می‌شود.

برخی چهره‌ها بسیار گمنام هستند اما نقش آن‌ها در سرکوب معترضان از چهره‌های سرشناس هم بسیار بیشتر است؛ نمونه چنین چهره‌هایی غلامرضا ضیایی است که مدتی رئیس زندان اوین بود و مدتی هم ریاست زندان رجایی‌شهر کرج را بر عهده داشت. او مدتی هم رئیس بازداشتگاه کهریزک بود. در تمام این مجموعه‌ها، زندانیان سیاسی و عقیدتی بسیاری حضور داشتند، به همین دلیل نقش ضیایی اهمیت ویژه‌ای دارد.

در جریان اعتراضات به افزایش قیمت بنزین، غلامرضا ضیایی به اتهام سرکوب خشن زندانیان معترض توسط اتحادیه اروپا تحریم شده بود و دارای‌هایش در اروپا مسدود و از سفر به کشورهای اروپایی منع شد. او در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ هم بار دیگر تحریم شد.

ضیایی به برخورد خشن با زندانیان سیاسی معروف است. نرگس محمدی زندانی سیاسی درباره برخورد ضیایی با خودش چنین گفته است: «وقتی به اتاق رئیس زندان برده شدم، فهمیدم ملاقات با وکیل دروغ است از دفتر او بیرون آمدم اما آقای ضیایی با تمام قدرتش بازوهایم را گرفت و آن‌چنان به کنج راهرو کشاند که شوکه شده بودم، هر بار به سمت در می‌رفتم با هجوم وی و مردهای همراهش به این طرف و آن‌طرف پرتاب می‌شدم، خودم را به در خروجی رساندم و دوباره به من حمله‌ور شدند. درحالی‌که بازوهایم را گرفته بود و به عقب می‌کشید دستم را به در کوبیدم که شیشه‌های در خرد شد و دستانم را برید و خون از آن‌ها جاری شد. آقای ضیایی دستم را گرفته بود و به سمت بالای پله‌ها می‌کشید تا به اتاق خودش برود و من مقاومت می‌کردم که دیگر به اتاق نروم و از ساختمان خارج شده و به بند برگردم. آن‌چنان دستانم را با قدرت به سمت بالا می‌کشید که کتفم صدای بلندی داد و من خواهش می‌کردم که دستانم دارد می‌شکند و از جا کنده می‌شوند و دستانم را که خونریزی می‌کرد ول کنند.»

فرهاد میثمی و محمد حبیبی دیگر زندانیان سیاسی زندانیان هم از برخورد خشن ضیایی انتقاد کرده بودند. به گفته آن‌ها به خاطر حاضر نشدن در مراسم اجباری صبحگاه، ابتدا از ملاقات با خانواده‌هایشان محروم شدند و پس از آن هم فرهاد میثمی به زندان رجایی‌شهر منتقل شد.

مجید توکلی فعال دانشجویی سابق که هشت سال در زندان به سر برده، گفته «سال ۸۶ وقتی غلامرضا ضیایی رئیس بند ۸ زندان اوین بود، او را به همراه چند وکیل بند مورد ضرب و شتم قرار داده است. بطوریکه تمام بدنش زخمی شده و یک هفته در بستر مانده است.»

سایت زیتون که خاطرات زندانیان سیاسی را نقل می‌کند، درباره غلامرضا ضیایی چنین نوشته است: «غلامرضا ضیایی از زمان انتساب به‌عنوان رئیس زندان اوین، محدودیت‌های بسیاری را علیه زندانیان وضع کرده است. محدودشدن تماس‌های تلفنی، کاهش ملاقات‌های حضوری، لغو ملاقات مادران زندانی با فرزندان‌شان و ممنوعیت ورود کتاب و نشریات به زندان، تنها گوشه‌ای از فشارهایی است که او در این مدت بر زندانیان سیاسی و عقیدتی اعمال کرده است.»





## فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه  
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه  
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از  
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

<https://www.sunlife.ca/beriba.alizadeh>

438-345-5066

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

**معصومه علیمحمدی**  
مشاور رسمی  
مهاجرت

info@icpimmigration.com  
icpimmigrationtocanada  
icpimmigrationtocanada  
@ICPimmigrationTOCANADA  
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants  
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration  
عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICCC CCIC  
Canadian Immigration Consultants and Chartered Consultants  
Collège International des Consultants en Immigration et Citoyenneté  
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran  
Office: 021-2288-1684  
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت  
فیلی با دفتر ما در مونترال  
تماس حاصل فرمایید.

Montreal  
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044  
WhatsApp: 514-778-9011  
Address: 1117 Ste. Catherine West,  
511# , Montreal, Qc. H3B 1H9

## EXPERTFX

Bureau de Change  
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6  
info@expertfx.ca www.expertfx.ca  
(514) 844 - 4492

## Residential Real Estate Broker

شهره شهریان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- ♦ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ♦ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ♦ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- ♦ هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210  
shahrianrealtor@gmail.com

خسرو شمیرانی

گفت‌وگویی درباره انقلاب «زن زندگی آزادی»،  
آینده ایران و مواضع حزب کمونیست کارگری



بابک یزدی، یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری:  
در حکومت بعدی مقدسات نخواهیم داشت،  
نه خدا، نه شاه و نه میهن!

گفت‌وگوی ویژه  
مهاجرت



» بابک یزدی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در گفت‌وگو با هفته: ستون فقرات اصلی این انقلاب طبقه کارگر است.

دبیر واحد شرق کانادا و یکی از مطرح‌ترین چهره‌های حزب کمونیست کارگری است. علاوه بر این بابک یزدی از بنیانگذاران «سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران و کانون خاوران» و مدیر اجرایی کانون خاوران نیز است. حزب کمونیست کارگری و اعضای آن در اعتراضات در کانادا در رابطه با جنبش «زن زندگی آزادی» نقش پررنگی داشته‌اند. می‌خواهیم در «هفته» یک سلسله گفت‌وگو با فعالان از خط‌های و رنگ‌های مختلف سیاسی داشته باشیم و طی این گفت‌وگوها به زوایای مختلف جنبش اعتراضی مردمی در داخل ایران بپردازیم: تعریفی از جنبش، رهبری و آینده‌ی آن پس از پایان جمهوری اسلامی. اولین گفت‌وگوی ما از این سلسله با آقای بابک یزدی از حزب کمونیست کارگری انجام شده است که در زیر تقدیم می‌شود.

بابک یزدی یکی از فعالان سیاسی و چهره‌های شناخته شده در تورنتو است. دیدگاه‌ها و گذشته‌ی او که به قلم خودش در کتابی تحت عنوان «بابک یزدی، از حجتیه تا کمونیسم کارگری» منتشر شده است حرکت او از منتهی الیه راست به منتهی الیه چپ را نشان می‌دهد. این کتاب توسط انتشارات کانون خاوران در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است. بابک یزدی به گفته خودش «در سنین کودکی از جلسات حجتیه که نهادی بهایی ستیز بود شرکت می‌کرده» سال‌ها با شریعتی و سازمان مجاهدین همراه شده و بعد هم به تفکر چپ رسیده و در این بخش نیز از فدایی به راه کارگر و از آنجا به حزب کمونیست کارگری. بابک یزدی که یک ضددین دوآتشه است، تقریباً ده سال بعد از شکل‌گیری حزب کمونیست کارگری (۱۹۹۱)، در سال ۲۰۰۰ به این حزب پیوست. او درحال حاضر یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب، عضو دفتر سیاسی،

حزب درعین‌حالی که برای هر وجه از اصلاحات در وضعیت معیشتی کارگر و زن و کودک و کلا انسان در این دنیا می‌جنگد، هدفش انقلاب اجتماعی و زیرورو کردن مناسبات ناعادلانه موجود است. این را خوانندگان شما می‌توانند در هر عرصه از فعالیت اعضا و کادراهایش ببینند. حزب کوهی از ادبیات منسجم دارد که این اعتراضات را سمت‌وسو می‌دهد. حزب کمونیست کارگری، حزبی از نظر فرهنگی غرب‌گراست و دستاوردهای سیاسی و فرهنگی مردم در غرب را ارج می‌گذارد، ضد ناسیونالیسم است و به اسلام‌میس و فرهنگ کپک‌زده و ضد زن شرقی کوچک‌ترین باجی نمی‌دهد. یک وجه مهم این حزب علنی‌ت آن و شفافیت در مبارزه سیاسی و حزبی است. اولین حزبی است که کنگره‌هایش را علنی برگزار کرده، نسبت به مسائل مختلف پلاتفرم‌ها و مواضع روشنی دارد و رهبری آن در

در آن مقطع را شروع کرد، سپس برنامه‌ی «یک دنیای بهتر» را که یک سند بسیار معتبر برنامه‌ای و سیاسی است تدوین کرد که چراغ راهنمای بسیاری جنبش‌های اجتماعی و حق‌طلبانه بوده است. طیف گسترده‌ای از کادرها و فعالین کمونیست در این حزب گرد آمدند و فعالیت‌های همه‌جانبه سیاسی را علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، و علیه انواع و اقسام بی‌حقوقی‌ها در ایران شروع کردند. نهادهای مختلفی در دفاع از حقوق کودکان، پناهندگان، زنان، علیه اعدام و سنگسار، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری از کارگران ایران، علیه اسلام سیاسی، علیه مامشات دول غربی با جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی، علیه نسبیت فرهنگی، به همت کادراهای حزب در خارج شکل گرفت. این‌ها جنبه‌هایی از یک حزب سیاسی و اجتماعی و نه ایدئولوژیک بوده است. این

**آقای بابک یزدی گرامی ما می‌خواهیم در این گفت‌وگو درباره جنبش حاضر، اهداف و آینده آن صحبت کنیم اما اجازه بدهید با یک سوال ساده شروع کنیم: حزب کمونیست کارگری از کجا آمده و چه می‌گوید؟**

پیشینه حزب برمی‌گردد به مباحث مارکسیسم انقلابی از سال ۵۷ به بعد و نقد چپی که در اهداف اصلی‌اش همسو با جنبشی بود که خمینی سببش بود و عملاً جناح چپ این جنبش محسوب می‌شد. جنبشی که خودکفائی، استقلال، و ضدیت با آمریکا و امپریالیسم هویتش بود. با تشکیل حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۱، یعنی در بحبوحه سقوط بلوک شرق و دیوار برلین، این حزب و اساساً منصور حکمت بنیان‌گذار حزب تعرض و تئوریک منسجمی علیه هیاهوی ضدکمونیستی



دسترس جامعه است.

به شهادت فعالیت پیگیر فعالین این حزب و ادبیات، مصوبات و کمپین‌هایش، این حزب اولین حزب سیاسی، اجتماعی و مطرح در ایران است که علیه اعدام کمپین‌های وسیع جهانی راه انداخته و اعدام را «قتل عمد دولتی» می‌داند و بسیاری را از اعدام نجات داده و هزینه اعدام را برای جمهوری اسلامی بالا برده است. با فعالیت‌های پیگیرش به سنگسار به‌طور دو فاکتو در ایران پایان داده است. از طریق فدراسیون پناهندگان ایرانی در خارج از دیپورت هزاران پناهنده جلوگیری کرده. دادگاه‌های شریعه را در انترپو با فعالیت‌هایش به تعطیلی کشانده. صدای زندانیان سیاسی را در سطح جهان بلند کرده، حقوق کودک را مقدم بر هر خرافه‌ای می‌داند و کارزارهای وسیعی در دفاع از کودک سازمان داده و حجاب کودک را ممنوع اعلام کرده است، بیش از دو دهه قبل اعلام کرده است که انقلاب در ایران وجه ضد مذهبی و خصلت زنانه قوی دارد و از طریق انقلاب زنانه صدای انقلاب آتی و زنانه را سال‌هاست بلندتر کرده است. این حزب از روز اول اهداف جنبش اصلاحات رژیم را افشا کرده و مطرح کرد که این رژیم اصلاح بشو نیست و کلیت آن باید سرنگون شود. کمپین جهانی دفاع از کارگران اعتصابی نفت در زمستان ۱۹۹۶ یکی از بزرگ‌ترین کمپین‌های جهانی بود که طبقه کارگر و مبارزات و خواست‌هایش را به گوش جهانیان رساند و حمایت صدها اتحادیه بزرگ و کوچک در سراسر جهان را جلب کرد. همین‌طور کارزارهای متعددی علیه بی حقوقی مهاجرین افغانستانی در ایران سازمان داده است.

حزب ضمن اینکه در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کند ولی به‌عنوان یک حزب کارگری و به‌عنوان حزبی که معتقد است جنبش کارگری ستون فقرات اصلی انقلاب در ایران خواهد بود فعالیت در میان بخش‌های مختلف کارگران از فعالیت‌های شبانه‌روزی آن بوده است. ارتباط نزدیکی با مراکز مهم اعتراض و اعتصاب داشته و تأثیرات قابل‌توجهی در خواست‌ها و اشکال مبارزه آن‌ها داشته است.

**این اولین مصاحبه «هفته» با یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری است و طبیعتاً سوالات بسیار وجود دارد**

**من به شما قول می‌دهم حکومت بعدی هر چه که باشد کمترین آن سکولار و حتی لائیک خواهد بود و مذهب باید امری کاملاً خصوصی باشد و مذهب رسمی هم نخواهیم داشت. مقدسات نخواهیم داشت، نه خدا، نه شاه و نه میهن!**

**پس قبل از اینکه به جنبش و انقلاب جاری در ایران برسیم یکی دو سوال دیگر درباره حزب پیرسوم و بعد سراغ موضوع اصلی می‌رویم. موافقید؟**

حتماً و خوشحال خواهم شد.

**شما می‌گویید فرهنگ حزب «غربی» است؛ با توجه به اینکه حزب کمونیست کارگری یک حزب مارکسیست لنینیست است. تکلیف دیکتاتوری پرولتاریا چه می‌شود؟ طبیعتاً دیکتاتوری پرولتاریا ربطی به فرهنگ غرب ندارد. آیا حزب از دیکتاتوری پرولتاریا خداحافظی کرده است؟**

سوال شما دو قسمت دارد. اول غربی بودن فرهنگ حزب: ما براین باوریم که فرهنگ پیشرو غربی نه تنها از جان لاک و ژان ژاک روسو و دانتون و هیوم و رهبران انقلاب فرانسه، بلکه از مارکس و انگلس و روزا لوکزامبورگ و ... هم نشأت گرفته است. آزادی‌های لیبرالی، دست آوردهای مدنی، حقوق زنان و کودکان و حیوانات و ... همه از غرب سرچشمه گرفته است. در مورد «مارکسیست لنینیست» بودن حزب کمونیست کارگری، ما یک حزب

مارکسیستی هستیم، و لنین را هم به عنوان یک رهبر کمونیست که مارکسیسم را در زمان حیاتش در روسیه پراتیک کرد و کشورش را بنیان گذاشت قبول داریم.

دوم دیکتاتوری پرولتاریا: در مورد دیکتاتوری پرولتاریا برداشت‌های غلطی در جامعه وجود دارد و فوری خیلی‌ها را به یاد دیکتاتوری‌های شاه، و صدام و قذافی و پینوشه و سرهنگ‌ها و حکومت‌های نظامی می‌اندازد، (که اتفاقاً اکثرشان از دست نشانده‌ها و طرفداران حکومت‌های غربی بودند) و این بیشتر نتیجه تبلیغات رسانه‌های اصلی و بزرگ بورژوازی در غرب است. مارکس می‌گوید تا زمانی که طبقات وجود دارد دیکتاتوری هم وجود دارد و هر طبقه‌ای که حکومت می‌کند برنامه و سیاست خود را دیکته می‌کند. دیکتاتوری پرولتاریا به معنی دیکته کردن برنامه عمل طبقه کارگر و سیاست کارگری و این طبقه است. در دموکرات‌ترین حکومت‌های غربی هم برنامه عمل حزب و یا احزاب بورژوازی حاکم دیکته می‌شود. انتخابات در سیستم‌های پارلمانی همیشه بر سر انتخاب و چگونگی اداره سیستم سرمایه‌داری و بازتولید آن است. تاکنون شما در هیچ پارلمانی انتخابات بر سر سوسیالیسم و یا سرمایه‌داری ندیده‌اید. البته هیچ‌کدام هم نمی‌گویند ما حزب بورژواها و طبقه حاکم هستیم و قرار است نظام سرمایه‌داری و استثمار را بازسازی و باز تولید کنیم. به این معنا دیکتاتوری پرولتاریا هم برنامه‌ی عمل و سیاست طبقه کارگر را پیاده می‌کند. همزمان بیشترین آزادی‌های بدون قید و شرط و تحزب و تشکل را هم باید داشته باشد. حزب ما از اولین جریان‌های است که به آزادی بدون قید و شرط عقیده، بیان، تحزب و تشکل باور داشته و تا حدودی هم در جامعه اینرا جا انداخته است. در ضمن اگر منظور از دیکتاتوری پرولتاریا حکومت‌هایی مانند کره شمالی و چین و بلوک شرق سابق است، ما سال‌ها قبل از سقوط شوروی آنها را به عنوان سرمایه‌داری دولتی نقد کردیم. و نزدیک به هزار صفحه هم (سه جلد تحت عنوان بولتن‌های شوروی) در این‌مورد ادبیات داریم. دیکتاتوری پرولتاریا به معنی پیاده کردن برنامه عمل، سیاست، و راه حل نجات جامعه از منظر و موضع طبقه کارگر است. و حاوی بیشترین آزادی‌ها خواهد بود.

حقوق بیشتر صنفی مبارزه می‌کند، محدود کند. طبقه کارگر راه حل کل جامعه را دارد و از جمله راه حل برای همه ی این جوانان و دانشجویان.

### تحلیل حزب کمونیست کارگری از انقلاب جاری چیست؟

از مدت‌ها قبل حزب کمونیست کارگری در تحلیل‌های سیاسی خود روشن کرده بود که جامعه ایران آستان انقلاب است. جامعه ایران در موقعیتی نبود که بتواند این وضعیت را تحمل کند. جامعه‌ای که در سال ۵۷ انقلاب کرده بود که به آزادی و رفاه و عدالت برسد، اما به ناگهان خود را در وضعیتی به مراتب بدتر از سال‌های قبل از انقلاب دید و یک لحظه آرام نگرفت. از اعتراضات سال ۱۳۷۱ در مشهد به بعد، این جامعه یکریز در اعتراض بود و بخصوص با عروج جنبش سرنگونی در تیرماه ۷۸، این اعتراضات وارد مرحله دیگری شد. هر اعتراضی را این حزب اعتراض به جمهوری اسلامی خواند که هدف اصلی آن سرنگونی رژیم است. ما همان زمان گفتیم که رأی به خاتمی در واقع رأی نه به رژیم بود. اعتراض به بستن روزنامه سلام، فقط بهانه بود. اعتراض معروف به «رأی من کو؟» در واقع بهانه‌ای بود که هدف اصلی اش سرنگونی رژیم بود. و همچنین اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ همه هدفشان سرنگونی رژیم بودند. حزب با تمام قدرت در این انقلاب شرکت کرده و فعالین، اعضا و کادرهایش در همه اعتراضات در ایران و در خارج کشور فعالانه شرکت می‌کنند.

**امروز در ایران می‌بینیم که جامعه وقتی جانش به لب می‌رسد و راهی به جز سرنگونی سیستم حاکم نمی‌بیند، خیلی صریح و بدون رودربایستی آن را در قالب شعارها و خواسته‌هایش مطرح می‌کند و شعار ایجابی‌اش را هم خودش پیدا و مطرح می‌کند: زن زندگی آزادی. شعاری که هر سه وجه آن دست رد زدن به سیاست‌های رژیم حاکم است. با این وجود آیا باور دارید که جامعه همیشه سرنگونی می‌خواسته؟ اگر اینطور بوده چرا مثلاً می‌گفته «رای من کجاست» یا اینکه به صورت میلیونی به یک آخوند لبخندزن**

در مورد حجاب باید امری انتخابی باشد البته برای افراد بزرگ سال. اگر ما در قدرت سهمی داشته باشیم حجاب کودکان را ممنوع خواهیم کرد. امیدوارم حامد هم تا آن موقع حزب سیاسی مورد نظر خودش را انتخاب کرده باشد. من این ظرفیت، توانائی و صداقت را در او می‌بینم.

فراری دادیم.

**نکته دیگر اینکه شما می‌گویید طبقه کارگر ستون فقرات اصلی انقلاب است. اگر از انقلاب فعلی صحبت می‌کنید به نظر می‌آید دختران و پسران جوان ستون اصلی باشند که هنوز حتی به سن دانشگاه نرسیده‌اند و شعارهایشان هم هیچ ارتباط مستقیمی با شعارهای کارگری ندارد. نظر شما چیست؟**

اولاً ۹۰ درصد این دختران و پسران و جوانان و دانشجویان فرزندان طبقه کارگر و زحمت‌کشان هستند. یا از مزدگیران دیگر مانند معلم و پرستار و کارمند که به کارگران نزدیک‌ترند تا سرمایه‌داران. از این مهمتر بیش از ۹۰ درصد خواسته‌ها و شعارهای آنها هم از نظر کمونیسم کارگری خواسته‌های کارگری است.

همانطور که قبلاً اشاره شد برنامه عملی و سیاست کارگری راه حل طبقه کارگر برای کل جامعه است و نه فقط طبقه کارگر. حزب ما از اول مطرح کرده است که مسئله زنان، مسئله حجاب، مسئله جوانان، مسئله بی‌حقوقی و تبعیض جنسیتی و ... همه از مسئله کارگران است. طبقه کارگر از نظر ما به عنوان صاحب جامعه باید قد علم کند و قدرت سیاسی را در دست بگیرد و نه اینکه خودش را به یک صنف مزدبگیر که فقط برای

شما در بالا کارنامه مفصلی از فعالیت‌های «حزب» ارائه کردید. با توجه به این همه تلاش، حزب باید یک نیروی مطرح در ایران باشد. در جنبش جاری در ایران ما اثری از حزب کمونیست کارگری نمی‌بینیم. آیا من اشتباه می‌کنم؟ حضور شما در ایران کجا دیده می‌شود؟

در شرایط فعلی ما به خاطر توازن قوا و مسائل امنیتی به هیچ وجه درست نمی‌دانیم که فعالین خود را که داخل کشور هستند علنی کنیم. ولی رژیم خیلی از رهبران کارگری را که دستگیر کرده از اتهاماتشان عضویت در حزب ما بوده و ما هم بلافاصله تکذیب کرده‌ایم. اینکه فلان رهبر و فعال کارگری عضو یا هوادار حزب است یا خیر ما تا سرنگونی رژیم چنین مواردی را نمی‌توانیم رد یا تأیید کنیم. ولی سیاست تعیین بخشیدن به رهبران عملی و کارگری را حزب ما و مشخصاً حمید تقوایی لیدر حزب سالها پیش مطرح کرده و در حال حاضر صدها رهبر کارگری شناخته شده و علنی مشغول سازماندهی هستند. جنبش‌های معلمان و بازنشستگان و پرستاران و ... آنها خیلی از سیاست‌های حزب ما را عملاً پیاده کرده و پیش برده‌اند. اعلام اینکه چقدر فعالین آنها با حزب ما ارتباط مستقیم دارند و یا خیر طبیعتاً به بعد از سرنگونی رژیم موکول می‌شود. البته جنبش مبارزه علیه اعدام و لغو عملی سنگسار در ایران را خود رژیم هم به شکل‌هایی به ما ربط داده است. خط و سیاست حزب در بیشتر جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور ملموس هست ولی اعضا و فعالین علنی نیستند.

در خارج کشور اما ما نمونه‌هایی داشته و داریم که می‌توانیم رسماً اشاره کنیم. از به تعطیل کشاندن دادگاه‌های شریعه در همین انتاریو که ده‌ها ساعت آرشیو فیلم کنفرانس‌ها و میتینگ‌های آن فقط نزد من موجود هست، تا سازماندهی اعتراض علیه کنفرانس برلین و سازماندهی اعتراضات علیه وابستگان رژیم از دو-خردادی‌های سابق تا سروش، و جلوی سفارت و کنسولگری‌های رژیم و سازماندهی علیه عاشورای دولتی و ... را ما در پرونده خود داریم. یک مورد فقط در تورنتو در هوای ۳۰ درجه زیر صفر ما با اینکه ۱۴ نفر دستگیری دادیم ولی سفیر رژیم را از در پشتی و عقب هتل شرایتون

از داخل خود رژیم رای می‌داده؟ آیا فکر نمی‌کنید شما یک شعار استراتژیک داشتید که شاید حتی درست هم بوده باشد اما شعار ازلی و ابدی شما تازه پس از سی‌وچند سال شعار جامعه شده است؟

ما براین باوریم که حتی رای بالای بیست میلیون به خاتمی رای علیه کلیت نظام بود. مردم همیشه به دنبال راه حل‌های آسان بودند و لزوما خواهان انقلاب نبودند. سعی می‌کردند از اختلاف دو جناح رژیم استفاده کنند تا بتوانند این اختلافات را بیشتر کنند و حتی شاید بتوانند به بخشی از خواسته‌هایشان برسند. مردم خیلی خوب می‌دانستند که بحث «گفتگوی تمدن‌ها» از طرف آخوندی مانند خاتمی بیشتر از یک جوک نیست ولی از همین هم استفاده می‌کردند. مردم نسبت به موقعیت و شرایط، شعارها را هم عوض می‌کردند. بطور مثال شعار «رای من کو؟» در کمتر از چند روز به «موسوی بهانه است، کل رژیم نشانه است» تبدیل شد. ولی مردم در هر مرحله تجربه‌های آموختند و در نهایت متوجه شدند که اتفاقا ما درست می‌گفتیم و برای نجاتشان راهی جز انقلاب ندارند. از نظر ما و به روایت ما شعار «زن، زندگی، آزادی» هم کاملا شعاری سوسیالیستی است. انقلاب جشن کمونیست هاست و ما دوران ما فرا رسیده است.

شما می‌گویید: «مردم نسبت به موقعیت و شرایط شعارها را هم عوض می‌کردند». آیا این دقیقا وظیفه یک سازمان سیاسی نیست که بسته به شرایط شعار مناسب را طرح کند و مردم را حول آن شعار و نه آنچه ایده‌آل خودش است سازماندهی کند؟ اگر این را بپذیریم معنی‌اش می‌شود اینکه حزب کمونیست کارگری مثل بسیاری دیگر از سازمان‌ها سیاسی نه پیشرو و سازمانده حرکات سیاسی مردمی بلکه در بهترین حالت دنباله‌رو مردم و در بدترین حالت غریبه با مردم بوده است. نظر شما چیست؟

شما به درستی اشاره کردید و من هم باور دارم که هر جریان سیاسی مسئول عملکرد و مواضع و نظرات سیاسی خودش است. از همین منظر من

در خارج اما ما نمونه‌هایی داشته و داریم که می‌توانیم رسماً اشاره کنیم. از به تعطیل کشاندن دادگاه‌های شریعه در همین انتاریو تا کنفرانس برلین و سازماندهی اعتراضات علیه وابستگان رژیم از دو-خردادی‌های سابق تا سروش، و جلوی سفارت‌های رژیم و سازماندهی علیه عاشورای دولتی ... را ما در پرونده خود داریم.

می‌توانم بگویم حزب کمونیست کارگری از سال ۵۷ که یک جریان کوچک و چند نفره بود یعنی اتحاد مبارزان کمونیست، تا حالا که به یک حزب بزرگ سیاسی مهم، مطرح و تقریباً اجتماعی تبدیل شده از کل تاریخ مواضع، سیاست‌ها، تئوری‌ها و نظرات سیاسی خود دفاع می‌کند. البته درباره جریان‌های سیاسی دیگر درست است که رژیم اسلامی اعضای آنها زندان و شکنجه و بخشا اعدام کرد، و یکی از دلایل کم شدن و نابودی و یا تحلیل رفتنشان گردید. ولی یک دلیل دیگر که اقبال مردمی به آنها ضعیف است سیاست خود این احزاب و گروه‌ها است.

حزب ما اتفاقاً یکی از معدود جریان‌هایی بود که زیر بار اصلاحات نرفت. ما از سال‌ها قبل، از انقلاب آتی دفاع کردیم. همانطور که یک جریان سیاسی پیشرو باید همیشه حداقل یک یا چند گام از مردم عادی جلوتر باشد، ما چنین بودیم. همیشه در صحنه بودیم و مواضع درست را در زمان و مکان گرفتیم و یکی از دلایل رشد و اجتماعی شدن ما همین مواضع درست ما بوده است. بطورمثال زمانی که بالای ۸۰ درصد جریان‌های سیاسی از چپ و راست طرفدار اعدام انقلابی بودند ما گفتیم: «اعدام قتل عمد دولتی است» و یا آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی را ما زمانی اعلام کردیم که خیلی‌ها طرفدار آزادی نیروهای انقلابی، چپ و خلقی و ممنوع کردن جریان‌های راست بودند! ما ده‌ها شعار دیگر هم در این

سالها داشته ایم که در مسیر و امتداد سرنگونی رژیم و انقلاب مردم بوده است. به طور مثال حکومت انسانی برای جامعه ای انسانی یکی از این شعارها بود. آپوزیسیون آپوزیسیون نشویم یکی دیگر ...

بنابراین حزب کمونیست کارگری در این مورد هم تقریباً جلو تر از بقیه جریان‌های سیاسی بوده و به هیچ فرد و جریانی خودش را بدهکار نمی‌داند.

از نظر حزب شما برای پیروزی انقلاب «زن زندگی آزادی» چه باید کرد؟

این جویبارهای ده‌ها نفره، صدها نفره، و هزاران نفره کم کم باید به رودهای بزرگ ده‌ها هزار و صدها هزار و در نهایت میلیونی تبدیل گردند و رود عظیم و خروشان انقلاب مردم را به دریای آزادی آن‌ها وصل کند. و این یعنی اعتصابات و اعتراضات همگانی و سراسری که مقدمات آن در حال شکل‌گیری است. در خارج کشور تلاش ما فشار به دول غربی برای بایکوت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مانند حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی باید منزوی و بایکوت شود و این راه را بر سرنگونی حکومت در داخل کشور بازتر می‌کند.

ما معتقدیم که انقلاب جاری در ایران نسبت به خیزش‌های قبلی بسیار عمیق‌تر و اجتماعی است و با شعار زیبایی زن زندگی آزادی و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، و در نهایت اعتصابات و اعتراضات سراسری و عمومی می‌رود که بساط حکومت را در هم بپیچد و رژیم اسلامی را به گورستان تاریخ بسپارد.

آیا با سرنگونی رژیم، ایران به سرنوشت مصر و یا تونس دچار نخواهد شد؟

کمترین احتمال این است که سرنوشت مبارزه در ایران شبیه انقلاب‌های بهار عربی باشد. در ایران مبارزات قدرتمند و جنبش‌های جاافتاده‌ای در دو دهه گذشته شکل گرفته، خواست‌های روشنی دارد، رهبران رادیکال و شناخته‌شده‌ای دارد، بشدت علیه اسلام و جنبش اسلامی است، مسئله زن مسئله‌ای اساسی است، توقعات مردم از زندگی بسیار بالا است و حزبی مانند حزب کمونیست کارگری نقش قابل‌توجهی در شکل دادن به فرهنگ رادیکال و انسانی داشته و همچنان این نقش را به‌طور قابل‌توجهی بازی



## به عنوان یکی از رهبران بالقوه جنبش و انقلاب جاری می بینید؟

همانطور که در پاسخ به سوال قبلی گفتیم در دل انقلاب رهبرانی هم ساخته می شوند که قبل از آن قابل تصور نیست.

حامد از دوستان عزیز من است و تا کنون نقش بسیار مهمی را در جنبش خارج کشور ایفا کرده است. ما در چند حرکت بزرگی که او و خانواده های پرواز فراخوان دادند هم در تورنتو و هم در برلین در کنار آنها بودیم و فراخوان هایمان را هم در حمایت از آنها و در کنار آنها دادیم. برای شنبه ۱۹ نوامبر هم رسماً کمیته خارج حزب ما بطور سراسری از حرکت آنها حمایت کرده است. من امیدوارم حامد اسماعیلیون بتواند همین طور ادامه دهد. اما حامد خودش هم ادعای رهبری سیاسی را ندارد و در کلیپی این مسئله را به خوبی باز کرده است که احزاب سیاسی باید نقش رهبران سیاسی را بازی کنند. امیدوارم حامد هم تا آن موقع حزب سیاسی مورد نظر خودش را انتخاب کرده باشد. من این ظرفیت، توانائی و صداقت را در او می بینم.

در پایان بهتر است به این مورد مهم هم اشاره کنم که در قرن بیست و یکم و در جهان مدرن و متمدن و امروزی، اگر نه تنها، بلکه یکی از مهمترین ابزار دخالت در سیاست احزاب سیاسی هستند. رژیم فعلی و گذشته احزاب را ممنوع، فعالین آنها را زندان و شکنجه و بعضاً اعدام کردند. و بقیه هم مجبور به فرار از کشور شدند. در فردای سرنگوی رژیم تحزب و تشکل آزاد خواهد بود و احزاب در چنین شرایطی رشدی سریع خواهند کرد. همانطور که شما در کانادا موقع انتخابات به احزاب سیاسی رای می دهید، در ایران هم در فردای سرنگونی رژیم، خیلی از مردم از راست تا چپ حزب سیاسی خود را انتخاب خواهند کرد و احزاب رشد خواهند کرد و مردم در سیاست به احزاب سیاسی رای خواهند داد. ما بیشترین سعی خودمان را خواهیم کرد که نماینده آزادی خواهی و عدالت اجتماعی در جامعه باشیم و چپ جامعه یعنی آزادی خواهان و عدالت جویان را نمایندگی و سازماندهی کنیم.

آقای بابک یزدی گرامی از طرف «هفته» از شما سپاسگزاری می کنم.

حجاب کودکان را ممنوع خواهیم کرد.

**در پاسخ به سوالی در بالا اشاره کردید که جنبش رهبران رادیکال و شناخته شده ای دارد. می توانید چند تن از این رهبران را نام ببرید؟ بیشتر منظور این است که بدانیم شما چه کس یا کسانی را رهبر این انقلاب می بینید.**

ما در جنبش کارگری رهبرانی مانند جعفر عظیم زاده، اسماعیل بخشی، محمود صالحی، جوانمیر مرادی، رضا شهابی و ... را داریم در جنبش معلمان اسماعیل عبدی، رسول بدآغی، هاشم خواستار و ... که سال های سال بخشی از جنبش و اعتراضات داخل را رهبری کرده اند. و همینطور دیگر جنبش ها. البته همانطور که شعارها و حرکت ها در دل انقلاب زاده می شود به باور من رهبران بیشتری نیز در دل انقلاب متولد خواهند شد.

ما سپیده قلیان ها و توماج صالحی ها و ده ها شخصیت زن و مرد معترض دیگر را هم در زندان داریم که از نظر ما بخشی از طبقه کارگر و بخشی از رهبران جامعه در آینده هستند.

## وظایف خود را در حال حاضر چه می دانید؟

ما سعی می کنیم نماینده اتحاد مردم علیه جمهوری اسلامی باشیم. از شعارهای فرقه ای و تفرقه افکنانه خودداری می کنیم، دورنمای روشنی مقابل مردم قرار می دهیم، در سطح جهانی سیاست بایکوت جمهوری اسلامی را دنبال می کنیم و در داخل تلاش می کنیم تشکل های مختلف انقلاب از جمله شوراهای سازمان دهی اعتراضات و شوراهای مختلف کارگران و دانشجویان و معلمان و سایر بخش های جامعه شکل بگیرد که ضامن مهمی برای تقویت انقلاب و دخیل شدن مردم در سرنوشتشان بدون آقابالاسر خواهد بود.

**حامد اسماعیلیون تا به امروز نقشی بی بدیل در همراه ساختن نیروهای مردمی خارج از کشور داشته و در داخل هم تاثیرگذاری اش گرچه اندک ولی ملموس است. آیا حامد اسماعیلیون را**

می کند. این فاکتورها فضای بسیار امیدبخشی برای مسیر این انقلاب و آینده جامعه ایران نشان می دهد. اینکه اشکال مشخص انقلاب در ادامه چه خواهد بود ما غیب گو نیستیم و خیلی چیزها هم قابل پیش بینی نیست ولی فاکتورهای اساسی اوضاع امیدوار کننده ای را نشان می دهد و خوشبختانه حمایت افکار عمومی وسیع جهان را هم با خود دارد. ما امید زیادی داریم که این انقلاب به خوشی، شادی، رفاه، آسایش، خوشبختی و آزادی مردم منتهی شود.

## آیا واقعا این انقلاب علیه اسلام است یا علیه اسلام سیاسی؟ مثلاً حضور زنان محجبه (گرچه به طور محدود) در دفاع از زن زندگی آزادی را چطور توضیح می دهید؟

انقلاب علیه سیستم حاکمی است که نام خودش را «جمهوری اسلامی» گذاشته. اما خیلی از مردم مذهبی هم اتفاقاً کم کم متوجه شده اند که این رژیم واقعا اسلامی است و اسلام از خود محمد و علی تا بن لادن و خامنه ای و حماس و حزب الله و بوکوحرام و ... همه در رزومه شان چیزی جز قتل و جنایت و خونریزی نداشته اند. مسلمان خوب زیاد داریم ولی اسلام خوب را باید در موزه ها به دنبال گشت! فردای سرنگونی رژیم به نظر من مانند انقلاب کبیر فرانسه خواهد شد که کشیش بودن ننگ و عار و تا حدودی حتی جرم بود. در ایران هنوز رژیم سقوط نکرده، جنبش «عمامه پرانی» اوج گرفته. طبیعتاً اینکه بعد از پیروزی انقلاب چه بر سر آنها بیاید را جامعه باید تصمیم بگیرد. ما به عنوان یک حزب سیاسی مسئول وظیفه داریم از حقوق همه شهروندان جامعه دفاع کنیم. و به قول منصور حکمت (که ۲۵ سال پیش گفته) اگر آخوندی عقل داشته باشد از الان باید به ما پناه برد! من به شما قول می دهم حکومت بعدی هر چه که باشد کمترین آن سکولار و حتی لائیک خواهد بود و مذهب باید امری کاملاً خصوصی باشد و مذهب رسمی هم نخواهیم داشت. مقدسات نخواهیم داشت، نه خدا، نه شاه و نه مهین! در مورد حجاب باید امری انتخابی باشد البته برای افراد بزرگ سال. ما از زنان با حجابی هم که برای سرنگونی رژیم مبارزه می کنند استقبال می کنیم. در فردای سرنگونی رژیم اگر ما در قدرت سهمیم باشیم



## چرا مهاجران با اقامت دائم کانادا می‌توانند استخدام نیروهای مسلح شوند؟

ارتش از میان دارندگان اقامت دائم استخدام می‌شوند گرچه این گزینش تحت شرایط خاصی در دستور کار خواهد بود. این متخصصین پس از آموزش بدون هزینه بر اساس استانداردهای ارتش کانادا همانند آموزش (SMFA) برای خلبانان، که منجر به اخذ گواهی رسمی اتمام دوره و اخذ مهارت مورد تأیید از طرف ارتش خواهد شد نه تنها زمینه استخدام آنان را مهیا می‌کند بلکه حتی در صورت نداشتن اقامت دائم کانادا، می‌تواند پروسه بررسی درخواست اقامت دائم را نیز به میزان قابل توجهی تسریع بخشد.

تا کنون تنها این متقاضیان برای استخدام در ارتش از داشتن شهروندی کانادا معاف بودند. لازم به ذکر است که تاکنون در تاریخ استخدامی ارتش تنها ۱۵ متقاضی از این طریق به اقامت دائم رسیده و به استخدام ارتش درآمده‌اند.

هم‌اکنون شرط استخدام متقاضیان در نیروهای مسلح کانادا داشتن سن بالای ۱۸ با مدرک دیپلم متوسطه و یا پایه دهم دبیرستان و یا (۱۶ سال با رضایت والدین) برای شروع با درجه افسری در ابتدا است.

بدیهی است با ایجاد تغییر سیاست استخدامی و برداشتن شرط شهروندی این شرایط برای دارندگان اقامت دائم کانادا نیز کاربرد خواهد داشت. انتظار می‌رود اعلام رسمی و به اجرا درآمدن قطعی این سیاست بزودی صورت بگیرد.

است، پیشنهاد تغییر سیاست استخدام ارتش و راه‌یابی مقیمان دائم برای استخدام در ارتش را در مجلس مطرح کرد. ارتش کانادا (CAF)، در پایان آوریل سال جاری از بررسی‌های انجام‌شده اعلام کرد که هنوز آماده چشم‌پوشی از الزام شهروندی برای استخدام نیست. این مخالفت در حالی اعلام شد که بر اساس گزارش منتشرشده توسط تورنتو استار، ارتش حتی برای تأمین توان عادی ۱۰۰۰۰ پرسنل موردنیاز در زمان صلح نیز، هم‌اکنون با تعداد ۱۲۰۰۰ کمبود نیروی رزمی روبروست.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های دولت سهمیه گزینش مهاجرین به این کشور تا سال ۲۰۲۵ به میزان ۵۰۰۰۰ مهاجر افزایش خواهد یافت و از طرفی دیگر بر اساس سرشماری انجام‌شده در سال ۲۰۲۱، از هر ۴ نفر در کانادا یک نفر دارای اقامت دائم در این کشور بوده است به نظر بسیار منطقی است که دارندگان اقامت دائم نیز در صورت علاقه‌مندی بتوانند به استخدام نیروهای مسلح کانادا درآیند.

اکثر مهاجرین تازه‌وارد در سن جوانی به کانادا مهاجرت می‌کنند و بهترین گزینه جذب نیرو برای ارتش هستند. این موجب خواهد شد که تنها شهروندان کانادا مسئولیت تأمین امنیت کشور را بر عهده نداشته باشند و دارندگان اقامت دائم نیز با احساس تعلق بتوانند در این مهم سهمیم باشند.

هم‌اکنون ساختار استخدامی ارتش بدین ترتیب است که کمتر از ۱۲٪ از پرسنل نیروهای مسلح کانادا را اقلیت‌ها، ۱۶ درصد را زنان و سه چهارم مابقی را مردان سفیدپوست تشکیل می‌دهند. بدیهی است با سیاست جدید، ساختار استخدامی ارتش دچار تغییرات قابل توجهی در سال‌های آینده خواهد شد. البته ناگفته نماند که ارتش کانادا همیشه دارای برنامه‌هایی برای استخدام متخصصین خارجی در رشته‌های خاصی بوده است که می‌تواند شرط داشتن شهروندی کانادا را در به استخدام درآمدن مقیمان دائم که دارای تخصص‌های خاصی هستند را از میان بردارد.

به‌عنوان مثال جذب خلبانان آموزش‌دیده و یا پزشکان

ارتش کانادا در شرف ایجاد تغییرات اساسی در سیاست استخدام نیرو است. یکی از این تغییرات اساسی استخدام دارندگان اقامت دائم است که به‌زودی واجد شرایط پیوستن به نیروهای مسلح کانادا (CAF) خواهند شد. این خبر مهم به‌صورت غیرمنتظره‌ای قبل از روز ۱۱ نوامبر که روز بزرگداشت کشته‌شدگان نیروهای مسلح کانادا در جنگ اول جهانی که هرساله برگزار می‌شود، اعلام شد. هرسال روز ۱۱ نوامبر، در ساعت ۱۱ صبح، کانادایی‌ها گرد هم می‌آیند تا کمک‌ها و فداکاری‌های اعضای نیروهای مسلح را به یاد آورند. این سنت بزرگداشت هرساله ۱۱ صبح، ماه یازدهم هرسال که یادآور ساعت و روز اعلام پایان رسمی جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ بوده است. این روز در بیشتر استان‌های کانادا روز تعطیل رسمی محسوب می‌گردد. کانادایی‌ها اغلب در مراسم‌های رسمی محلی شرکت می‌کنند تا یاد و خاطره کسانی را که خدمت کردند، یاد کنند. برخی دیگر فقط دو دقیقه در ساعت ۱۱ صبح وقت می‌گذارند تا از هر کاری که انجام می‌دهند دست بکشند و به احترام سکوت می‌کنند.

این تغییر سیاست دولت و ارتش برای استخدام مقیمان دائم در کانادا از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا دارندگان اقامت دائم هیچ‌گاه تا زمان دریافت شهروندی اجازه پیوستن به نیروهای مسلح و ارتش کانادا را نداشتند. مقیمان دائم کانادا، به دلیل مسائل مربوط به مجوزهای امنیتی، اجازه ورود به CAF را نداشتند.

انتظار می‌رود وزارت دفاع ملی (DND) در روزهای آینده در مورد تغییر این سیاست اعلامیه رسمی صادر کند.

سؤال اصلی این است که این تغییر سیاست به چه دلیل است؟ چرا ساکنین دائم کانادا از این پس واجد شرایط استخدام در نیروهای مسلح خواهند شد؟ در ماه مارچ ۲۰۲۲، آنیتا آناند، وزیر دفاع کانادا گفت از آنجایی که نیاز به افزایش نیروهای مسلح کانادا به‌ویژه با توجه به تهاجم روسیه به اوکراین الزامی

تماس با نویسنده: معصومه علی‌محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل [info@icpimmigration.com](mailto:info@icpimmigration.com) و وبسایت [www.icpimmigration.com](http://www.icpimmigration.com) در تماس باشید. این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی. پی ICP Immigration حمایت شده است.

71 تخفیف ویژه برای خوانندگان مجله‌ی هفته  
با استفاده از کد تخفیف زیر در وبسایت پرستوک

HaftehMag  
PARASTOOK.COM



WhatsApp (647) 227 8077  
Facebook Instagram TikTok Parastook.Book



Advanced Computer خدمات کامپیوتری  
بامدیریت بک‌ی‌زی

تعمیر ✂️ فروش 📦  
نصب ⚙️ آموزش 📺  
ویروس‌یابی 🛡️

(416) 226-6939 (416) 471-7138  
babakyazdi2@gmail.com advancecomputer@rogers.com  
6012A Yonge St. North York ON. M2M 3V9

## کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»  
را می‌توانید از کتاب‌فروشی سرای بامداد تهیه نمایید.



Tel: (647) 680-6462  
7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON L3T 0C7

## کتاب فروشی پگاه

کتاب «جادوی عصاره گیاهان»  
را می‌توانید از کتاب‌فروشی پگاه تهیه نمایید.



Tel: (416) 223-0850  
5513 Yonge St, North York, ON M2N 5S3





در این شب‌ها  
تباغچه‌م سرشک  
خوانش: مریم حسینی

ادبیات  
فرهنگ  
هنر سینما

نویسنده: الیزابت بوون  
مترجم: مریم حسینی



## عاشق پلید

نقد داستان:

داستان کوتاه: عاشق پلید. نویسنده: الیزابت بوون. مترجم: مریم حسینی در «عاشق پلید» نویسنده داستان را با شرح رویدادگاه آغاز می‌کند. وقتی کتلین، قهرمان داستان کلید را با فشار در قفل در خانه فرو می‌کند و به‌سختی در قفل می‌چرخاند، خواننده می‌تواند حس کند که این در سال‌هاست که باز نشده است. وقتی کتلین وارد خانه می‌شود، خواننده می‌بیند که خانه غبارآلود است و پنجره‌ها مدت طولانی لمس نشده‌اند. خواننده می‌تواند همراه با کتلین شکل همه اشیاء موجود در خانه را ببیند و رایحه کهنه و مانده درون عمارت را حس کند و با تجربه کتلین ارتباط برقرار کند. شکاف‌هایی که در دیوار خانه کتلین می‌بینیم، همان شکاف‌هایی است که ظرف سال‌ها و تحت فشارهای جنگ بر جسم خود او وارد شده است و نماد یک زمان بحران‌زده و یک ذهن آسیب‌دیده است. کتلین نامه‌ای پیدا می‌کند که او را به یاد قول و قراری می‌اندازد که سال‌ها پیش با عاشق خود گذاشته و او همین امروز به دیدن او می‌آید. گذشته و آینده با هم تلفیق می‌شوند و کتلین ناگهان دچار وحشت می‌شود. حس وحشت به خاطر وجود نامه‌ای است که تازه نوشته‌شده درحالی‌که شرح و توصیف خانه نشان می‌دهد که خانه سال‌ها متروک بوده است. داستان «عاشق پلید» پیامدهای زیان باری را به تصویر می‌کشد که زن‌هایی که به ایدئولوژی حاکم بر جامعه و ارزش‌های آن پایبند هستند، ناگزیر با آن روبه‌رو می‌شوند.

Citation: Darwood, N. (2016). 'The violent destruction of solid things': Elizabeth Bowen's wartime short stories.

در بهترین زمان‌های کاری هم، چندان در محل کار دیده نشده بود و خانم دروور هیچ‌وقت خیلی به او اعتماد نکرده بود. بمباران قبلی در ساختمان چند شکاف ایجاد کرده بود. خانم دروور با دلواپسی به ترک‌ها چشم دوخت. کاری نمی‌شد کرد-

پرتوی از نور شکسته شده در وسط حال افتاده بود. خانم دروور بی‌حرکت ایستاد و به میز وسط حال خیره شد - نامه‌ای روی میز بود که به نشانی او ارسال شده بود.

ابتدا اندیشید پس حتمن سرایدار بازگشته است. یا این‌که چه طور ممکن است کسی با این‌که دیده است خانه تخلیه‌شده، نامه‌ای به داخل صندوق انداخته باشد؟ پاکت، حاوی آگهی یا خبری نبود. قبض هم نبود. وانگهی، دفتر پستی همه مرسولاتی را که به نام او ارسال می‌شد، به نشانی‌اش در روستا می‌فرستاد. سرایدار (حتی اگر بازگشته باشد) نمی‌دانسته که او امروز به لندن می‌آید - او تصمیم گرفته بود که سرزده بیاید - بنابراین غفلت سرایدار که نامه را این‌طور میان گردوخاک رها کرده بود تا او بیاید، آزارش می‌داد. با آزرده‌گی نامه را برداشت. نامه تمبر نخورده بود. پس نمی‌توانست مهم باشد یا شاید آن‌ها می‌دانستند... سریع نامه را با خود به طبقه بالا برد بدون این‌که بایستد و به نوشته‌نگاهی بیاندازد... رفت تا اینکه به روشنایی رسید. اتاق به باغ خانه و

تا جایی که او می‌توانست ببیند، بازمانده بود. پس او به‌سرعت وارد اتاق شد و پنجره بزرگ اتاق را باز کرد. حال که این زن ملول به اطراف خود می‌نگریست، با دیدن هر آن چه به چشم می‌آمد، بیش از آنچه انتظار داشت سرگشته و مبهوت می‌گشت و رد و اثری از عادت‌های طولانی در زندگی پیشین خود می‌یافت: لکه زرد سیگار روی مرمر سفید دور بخاری، حلقه به‌جامانده از یک گلدان بر روی سطح میز تحریر، کبودی روی کاغذدیواری، همان‌جا که هر وقت در محکم و کامل باز می‌شد، دستگیره چینی در همیشه به دیوار برخورد می‌کرد. پیانو، وقتی‌که روی زمین کشیده می‌شد تا به انبار برده شود، روی کف‌پوش آثاری پنجول مانند به‌جا گذاشته بود. بالینکه گردوغبار زیادی وارد اتاق نشده بود، روی همه اشیاء را یک لایه از جنس دیگر پوشانده بود. چون تنها منفذ موجود در اتاق لوله بخاری بود، کل اتاق پذیرایی بوی اجاق سرد می‌داد. خانم دروور بسته‌هایش را روی میز تحریر گذاشت و اتاق را ترک کرد تا به طبقه بالا برود. چیزهایی که او لازم داشت در قفسه‌ای در اتاق خواب بود.

خیلی مشتاق بود که ببیند خانه در چه وضعیتی است - سرایدار نیمه وقتی که با بعضی همسایه‌ها مشترک‌ن استخدام کرده بود، این هفته برای گذراندن تعطیلات رفته و هنوز بازنگشته بود. سرایدار حتی

خانم دروور دم‌دم‌های غروب روزی که در لندن سپری کرده بود، به خانه متروک خود سری زد تا تعداد زیادی وسایلی را که دیگر موردنیاز نبودند، پیدا کند و بیرون بریزد. برخی از این وسایل متعلق به خودش بودند و برخی به خانواده‌اش تعلق داشتند که حال به زندگی روستایی خود عادت کرده بودند. اواخر ماه اوت بود. روزی مه‌آلود و بارانی. در این لحظه درختان پائین پیاده‌رو در زیر شعاع‌های طلایی و مرطوب خورشید گریزان بعدازظهر می‌درخشیدند. دودکش‌های شکسته و دیواره‌های کوتاه پشت‌بام‌ها در برابر یک دسته ابر جدید که به رنگ مرکب تیره روی هم توده می‌شد، قد برافراخته بودند. در خیابانی که روزی برایش آشنا بود، مانند همه راه‌های بی‌استفاده، غربتی ناآشنا رسوب کرده بود. تنها ساکن خیابان گریه‌ای بود که بدنش را لابه‌لای زرده‌ها فرو می‌برد، ولی چشم هیچ انسانی متوجه بازگشت خانم دروور نشد. خانم دروور چند بسته را زیر بازوانش جابه‌جا کرد و به آهستگی کلیدش را در قفل محکم خانه فروبرد و با فشار چرخاند، بعد در را که تاب برداشته بود، با زانویش به عقب راند. وقتی پا به درون گذاشت، باد مرده‌ای به صورتش وزید و از او استقبال کرد.

پشت دری پنجره‌های راه‌پله انداخته شده بود و نوری از آن‌ها به داخل حال راه نمی‌یافت. فقط لای یک در،

باغ‌های خانه‌های مجاور مشرف بود: خورشید رفته بود؛ وقتی ابرها نوک تیز می‌کردند و پائین می‌آمدند، درختان و چمن‌های حاشیه به تیرگی می‌گراییدند. بی‌میلی او برای دوباره نگاه انداختن به نامه برای این بود که حس می‌کرد کسی به نحوی اهانت‌آمیز برایش مزاحمت ایجاد کرده است. اگرچه، در هوای متشنج پیش از بارش باران، نامه را خواند. چند سطر بیشتر نبود.

کتلین عزیز: نباید فراموش کرده باشی که امروز سالگرد آشنایی ماست، و همان روزی است که با هم قرار گذاشتیم. سال‌ها آهسته یا سریع سپری شده‌اند. با توجه به این‌که هیچ تغییری در قول و قرار ما صورت نگرفته، می‌توانم روی تو حساب کنم و مطمئن باشم که سر وعده خود هستی. وقتی دیدم لندن را ترک کردی خیلی متأسف شدم ولی خوشحال بودم که سر وقت بازخواهی گشت. پس می‌توانی در همان ساعتی که قرار گذاشتیم، منتظرم باشی. تا آن موقع... ک

خانم دروور به تاریخ تعیین شده نگاهی انداخت: امروز بود. نامه را روی تخت انداخت، بعد آن را برداشت و دوباره به نوشته نگاه کرد. لب‌هایش در زیر باقیمانده اثر رژ لب به سبیدی می‌گرایید. حس کرد چهره‌اش بسیار تغییر کرده، به سمت آینه رفت، یک‌تکه از آن را تمیز کرد و سریع و پنهانی نگاهی به خود انداخت. در مقابل خودزنی چهل‌وچهارساله را دید که چشمانش از زیر لبه کلاهی که کمی با بی‌دقتی پائین کشیده شده بود، خیره بیرون را می‌نگریست. بعد از آن که چای و عصرانه مختصرش را صرف کرده و فروشگاه را ترک گفته بود، دیگر به صورتش پودر زده بود. مرواریدهایی که شوهرش در مراسم عروسی به او هدیه داده بود، به سستی از اطراف گردنش که حالا دیگر لاغرتر شده بود، روی یقه‌هفت بلوزش می‌آویخت. همان بلوز صورتی‌رنگی که خواهرش پانزده سال گذشته برایش بافته بود و وقتی دور آتش نشسته بودند به او داده بود. طبیعی‌ترین واکنشی که خانم دروور می‌توانست نشان دهد این بود که تشویش خود را کنترل کند و واقعیت را بپذیرد. از زمان تولد سومین پسرش به بیماری نسبتن جدی‌ای مبتلا شده بود و عضله گوشه چپ دهانش به‌طور متناوب می‌لرزید. ولی باوجود این لرزش، او همواره توانسته بود پرنرژ و آرام رفتار کند.

با همان سرعتی که به‌صورت خود در آینه نگاه کرده بود، نگاهش را برگرداند و به سمت قفسه‌ای پیش رفت که وسایل در آن قرار داشت. قفل قفسه را باز کرد. روپوش را کنار زد و نشست تا داخل قفسه را بگردد. ولی وقتی باران شروع به باریدن کرد از روی شانه خود به نامه که روی تخت خالی افتاده بود خیره شد و دیگر نتوانست سر برگرداند. در پشت لایه‌ای از

باران، ساعت کلیسا که ساکن مانده بود، شش ضربه نواخت. تک تک ضربه‌ها را با هراس شمرد که به کندی پیش می‌رفتند و به تشویش وی می‌افزودند. با خود گفت: «خدای من... زمان موعود فرا رسید. چه ساعتی؟ چطور می‌توانم؟ پس از بیست‌وپنج سال...» وقتی که دختر جوان در باغ با سرباز صحبت می‌کرد، نتوانسته بود چهره سرباز را به‌طور کامل ببیند. تاریک بود. زیر یک درخت با هم خداحافظی کردند. اکنون و پس از آن خداحافظی، احساس می‌کرد در این لحظه بسیار حساس نمی‌تواند چهره او را محسوس کند، انگار اصلن هرگز او را ندیده بوده است، حضور او را در این چند دقیقه آخر در ذهنش مرور کرد. او همیشه دستش را نه‌چندان پرمهر بر روی یکی از دگمه‌های روی سینه یونیفورمش قرار می‌داد و با فشاری دردآلود می‌فشرد. همه این سال‌ها خانم دروور ناچار بوده این اثر بریدگی ایجادشده در اثر فشار دگمه یونیفورم او را بر کف دست خود حمل کند. چون پایان مدت مرخصی فرارسیده بود و سربازان باید به فرانسه بازمی‌گشتند، کتلین می‌توانست امیدوار باشد که او قبلاً لندن را ترک کرده است. ماه اوت سال ۱۹۱۶ بود. سرباز که کتلین او را نبوسیده بود و او از خود دور کرده بود در حال رفتن به کتلین خیره شده بود که با نگاه‌های وحشت‌زده رفتن او را دنبال می‌کرد. سرباز دورتر و دورتر می‌شد تا این‌که کتلین دیگر نتوانست چشم‌های او را ببیند و به جای چشم‌های او دو تالو شبح‌گون روی صورتش می‌درخشید. کتلین روی خود را برگرداند و از بالا به چمن نگریست. از درون شاخه‌های درختان دید که پنجره اتاق پذیرایی روشن است. نفس عمیقی کشید و آرزوی لحظه‌ای را کرد که می‌توانست به بازوان امن مادر و خواهرش پناه ببرد و گریه‌کنان بپرسد: «چه باید بکنم؟ حال که او رفته است، چه باید بکنم؟» نامزدش که دید او سعی می‌کند نفس‌هایش را آرام کند بی‌احساس پرسید: «سردت است؟»

- «می‌خواهی راه به این دوری بروی؟»

- «نه به آن دوری که تو فکر می‌کنی.»

- «سرد نمی‌آورم.»

او گفت: الان مجبور نیستی سر بیاوری. بعدن خواهی فهمید. خواهی دانست که ما چه گفتیم.

- «ولی همین‌طور بود، فرض کن، منظورم این است که فرض کن.»

او گفت: «پیش تو بازخواهم گشت. دیر یا زود. فراموش نکن. لازم نیست هیچ کاری کنی. فقط صبر کن.»

فقط اندکی بیش از یک دقیقه بعد، توانست از این افکار رها شود و از روی چمن‌ها به سمت خانه فرار کرد. وقتی از داخل پنجره به مادر و خواهر خود نگریست که در آن لحظه نمی‌توانستند او را مشاهده

کنند، احساس کرد که یک قول و وعده غیرطبیعی بین او و باقی افراد بشر فاصله انداخته است. هر کار دیگری غیر از این انجام داده بود نمی‌توانست باعث گردد که او این‌گونه خود را جدانشده، از دست رفته و عهد شکسته احساس کند. هرگز نمی‌توانست پیمانی منحوس تر و شیطانی تر با کسی بسته باشد.

وقتی چند ماه بعد از این واقعه، خبر رسید که نامزدش مفقودشده است و احتمال می‌رفت که کشته شده باشد، کتلین همان کاری را کرد که به نظرش درست می‌آمد. خانواده‌اش نه‌تنها از او حمایت کردند بلکه به خاطر شهامتش از او تقدیر هم کردند. آن‌ها نمی‌توانستند فکر کنند که دخترشان شوهر خیلی خوبی را ازدست‌داده است و برای رفتن مردی تأسف بخورند که هیچ‌چیز در موردش نمی‌دانستند. امیدوار بودند که طرف یکی دو سال کتلین بتواند خودش را تسکین دهد و اگر مسئله فقط تسکین دادن بود، همه‌چیز می‌توانست خیلی درست‌تر پیش برود. ولی مشکل او که فقط زیر اندکی غصه پنهان شده بود، نوعی جدا شدن کامل از همه‌چیز بود. او تصمیم گرفت به مردانی که بعد از آن عاشقش می‌شوند پاسخ منفی ندهد ولی دیگر کسی عاشق او نشد. سال‌ها گذشت و او دیگر نتوانست نظر مردی را به خود جلب کند و وقتی به سی‌سالگی نزدیک شد، دیگر به‌قدر کافی بالغ شده بود که بتواند نگرانی خانواده‌اش را در این مورد درک کند و در آن سهیم شود. اندک‌اندک رنجان و پریشان شد و متعجب گشت چرا این‌طور شده است. در سی‌ودو سالگی وقتی ویلیام دروور به او تقاضای ازدواج داد، خیالش کاملن آسوده شد. کتلین با آقای دروور ازدواج کرد و آن دو نفر در منطقه آرام و پردرختی در کنسینگتون ساکن شدند. در این خانه سال‌های زیادی را سپری کرد، فرزندانش به دنیا آمدند، و همگی در کنار هم به خوشی زندگی کردند تا اینکه بمباران جنگ دوم آن‌ها را از این منطقه بیرون راند. همه حرکات و اقدامات کتلین محدود شد به خانم دروور و همه باقیمانده‌های اعتقادات قدیمی‌اش را کنار گذاشت.

اوضاع هر طور که بود، خواه نویسنده نامه مرده بود یا زنده، فقط قصد داشت او را تهدید کند. خانم دروور تا چند دقیقه همان‌طور پشت به اتاق خالی زانو زده بود و قدرت حرکت نداشت. بعد روی سینه‌اش برخواست تا روی صندلی‌ای که مقابل دیوار قرار داشت، بنشیند. بی‌استفاده ماندن اتاق خواب پیشینش، کل فضای خانه‌اش در لندن که پس از ازدواج در آن ساکن بود مانند فنجانی ترک خورده بود که حافظه با آن قدرت اطمینان‌بخش خود یا از آن تبخیر شده بود و یا نشسته و بیرون ریخته بود. حال این خانه یک بحران برایش در پی داشت— نویسنده این نامه درست در همین لحظه بحرانی دانسته،



شد، سنگ‌فروش خیس خیابان در برابرش برق می‌زد. خانه‌های خالی مقابل خیابان با چشم‌های معیوب و خیره، نگاه‌های او را دنبال می‌کردند. به سمت شاه‌راه و تاکسی پیش می‌رفت و سعی می‌کرد به پشت سرش نگاه نکند. درواقع، سکوت آن‌قدر سنگین بود. گویی نه‌ری از سکوت در لندن جاری شده که همراه با آسیب‌های وارده در جنگ، تابستان امسال را داغ‌تر و عمیق‌تر می‌کرد. که او می‌توانست صدای گام هر عابری را بشنود. وقتی تا انتهای خیابان رفت و به میدانی رسید که مردم در آن در حال رفت‌وآمد بودند، متوجه شد که راه رفتنش عادی نیست. در سمت دیگر میدان که باز بود، دو اتوبوس بی‌توجه به هم از کنار یکدیگر عبور کردند: چند زن، یک کالسکه بچه، چند دوچرخه‌سوار، مردی که با حمل یک چرخ‌دستی علامتی را ابلاغ می‌کرد در رفت‌وآمد بودند. بار دیگر همان روند عادی زندگی ادامه داشت. در غروب این روز فقط یک تاکسی دیده می‌شد—ولی این تاکسی، با این‌که صندلی‌های خالی خود را نمایش می‌داد، چنان می‌نمود که گویی هشیارانه منتظر آمدن او بوده است. هرآینه، وقتی کتلتین نفس‌زنان نزدیک شد و دست خود را روی در گذاشت، راننده بدون این‌که به اطراف نگاه کند موتور تاکسی را روشن کرد. وقتی کتلتین وارد تاکسی می‌شد، ساعت هفت ضربه نواخت. تاکسی رو به جاده اصلی پیش رفت: برای بازگشتن به خانه، لازم بود تاکسی دور بزند. کتلتین روی صندلی عقب تاکسی نشسته بود و تاکسی پیش از آن‌که از او بخواهند، دور زده بود. کتلتین متعجب بود که راننده چطور می‌دانست بدون آن‌که به او بگویند، به کجا باید برود. کتلتین به سمت جلو خم شد و به صفحه‌ای که بین سر او و سر راننده فاصله می‌انداخت، چنگ زد. راننده ترمز شدیدی کرد که به سان توقف بود. به عقب برگشت، و صفحه شیشه‌ای را عقب زد: تکان ماشین باعث شد خانم دروور به سمت جلو پرتاب شود طوری که صورتش تقریباً با شیشه برخورد کرد. از درون دهانه‌ای که به فاصله‌ای کمتر از شش اینچ بین راننده و مسافر قرار داشت، آن دو می‌توانستند تا ابد چشم در چشم هم بدوزند. پیش از آن‌که خانم دروور قادر باشد جیغ بکشد، چند لحظه با دهان باز مبهوت ماند. بعد از آن آزاد و راحت جیغ کشید و به این کار ادامه داد و تا توانست با داستان پوشیده در دستکش به شیشه‌های اطراف تاکسی کوپید درحالی‌که تاکسی بی‌رحمانه سرعت می‌گرفت و او را به سمت خیابان‌های خلوت مناطق دورافتاده پیش می‌برد.

جهت دریافت لینک شنیداری این داستان به سایت هفته مراجعه کنید.

تاکسی می‌گیرم. تاکسی خیلی زود نمی‌رسد. وقتی بیاید صدای موتورش را از اینجا می‌شنوم و آرام از درون هال رد می‌شوم و پایین می‌روم. الان تلفن می‌زنم... ولی نه: تلفن قطع است... تقلا کرد گره‌ای را که اشتباه بسته بود، باز کند.

فکر گریز... او هیچ‌وقت با من مهربان نبوده است، نه واقعاً. اصلن به خاطر نمی‌آورم که هیچ‌وقت با من به مهربانی رفتار کرده باشد. به قول مادر، او هیچ‌گاه به من توجه نداشت، بلکه همیشه به من حمله می‌کرد، آن چه بین ما وجود داشت، فقط همین بود، نه عشق. او عاشق من نبود، انسان خوبی هم نبود. چه کرد که من آن قول را به او دادم؟ نمی‌توانم به خاطر بیاورم. ولی کتلتین به خاطر آورد، می‌توانست علت آن را دریابد.

با همان شدت حاد و دهشتناکی که این بیست‌وپنج سال را مانند دود محو کرده بود موضوع را به خاطر آورد و توده باقیمانده در دگمه بر کف دستش را جستجو کرد. کتلتین نه تنها همه حرف‌هایی را که او زده بود و کارهایی که کرده بود، بلکه همه حالت‌های تردید و دودلی خود در طول آن هفته از ماه اوت را به خاطر آورد. من خودم نبودم—در آن زمان همه همین را به من می‌گفتند. کتلتین به خاطر آورد. ولی بخشی از حافظه‌اش مانند قطره اسیدی که بر تصویری فروافتد، سوخته و خالی شده بود: تحت هیچ شرایطی قادر نبود چهره او را به یاد بیاورد.

پس فرقی نمی‌کند او کجا به انتظار نشسته باشد تا مرا ببیند، به‌رحال من قادر نخواهم بود او را بشناسم. برای فرار از کسی که چهره‌اش را نمی‌شناسی و انتظار دیدنش را نداری، فرصتی نخواهی داشت.

تنها کاری که می‌توانست بکند این بود که پیش از نواختن ضربه‌های ساعت، هر ساعتی که می‌خواست باشد، خودش را به یک تاکسی برساند. باید سریع به پائین خیابان می‌رسید و به آن سمت میدان می‌رفت که به جاده اصلی ملحق می‌شد. در این صورت می‌توانست با اطمینان با تاکسی به خانه بازگردد و از راننده تاکسی بخواهد که با او وارد خانه شود تا بسته‌ها را از داخل اتاق‌ها بردارند. فکر همراهی راننده تاکسی باعث شد که او بی‌پروا گردد و تصمیم قطعی بگیرد. در را باز کرد. به بالای پلکان رفت و گوش داد که ببیند صدایی از طبقه پائین شنیده می‌شود یا نه. هیچ چیز نشنید. ولی درحالی‌که هیچ صدایی به گوش نمی‌رسید، هوای کهنه موجود در راه پله جریان یافت و به صورتش خورد. این جریان هوا از جانب زیرزمین می‌وزید: از زیر جایی که دری یا پنجره‌ای توسط شخصی که تصمیم گرفته بود در آن لحظه از خانه بیرون برود، باز شده بود.

باران بند آمده بود. وقتی خانم دروور با قدم‌های کوتاه از در اصلی خانه خارج و وارد خیابان خالی

به او ضربه وارد می‌کرد. در این غروب، خالی بودن خانه، سال‌های سال صدا و رفت‌وآمد و حرکت را به فراموشی می‌سپرد. از درون پنجره‌های بسته فقط صدای باران را می‌شنید که بر پشت‌بام خانه‌های اطراف فرود می‌آمد. برای تجدیدقوا، به خود گفت که آمادگی این کار را دارد. چند ثانیه چشم‌های خود را بست و به خود گفت که انتظار این نامه را می‌کشیده است. ولی باز وقتی چشمانش را گشود دید که نامه همان جا روی میز است.

اجازه نمی‌داد که ذهنش با این اندیشه درگیر شود که نامه چطور وارد خانه شده و در آن جا قرار گرفته است. چه کسی از اهالی لندن می‌دانسته که او قصد داشته است امروز به خانه سر بزند؟ اگر چه، بدیهی است که افرادی از این موضوع خبر داشته‌اند. سربدار، اگر هم بازگشته باشد دلیلی نداشته که انتظار آمدن او را داشته باشد. سربدار می‌توانست نامه را در جیب خودش بگذارد و در زمان مناسب با پست برای او بفرستد. هیچ علامت دیگری وجود نداشت که نشان دهد سربدار وارد خانه شده است، ولی اگر او نیامده پس چه کسی...؟

نامه‌هایی که به درون خانه‌های متروک افکنده می‌شوند به سمت میز هال قدم نمی‌زنند یا پرواز نمی‌کنند و با اطمینان این‌که کسی آن‌ها را خواهد یافت، بر روی گردو خاک میزهای خالی جا خوش نمی‌کنند. دست یک انسان باید این کار را انجام داده باشد، ولی هیچ‌کس به جز سربدار کلید آن خانه را نداشته است. در این شرایط کتلتین نمی‌توانست دقت کند که بدون داشتن کلید هم می‌توان به یک خانه وارد شد. حتی ممکن بود که او در این لحظه تنها نباشد. ممکن بود کسی در طبقه پایین انتظار او را بکشد. انتظار او را بکشد؟ تا کی؟ تا زمان «قرار ملاقات». حداقل می‌توانست مطمئن باشد که قرار سر ساعت ۶ نبوده. ساعت قبلن شش ضربه نواخته بود.

از روی صندلی بلند شد، به سمت در رفت و در را قفل کرد.

مسئله این بود که چطور خارج شود. پرواز کند؟ نه، این کار نه باید به قطارش می‌رسید. به‌عنوان زنی که خانواده‌اش همواره به‌طور مطلق به او اتکا و اطمینان داشتند، دوست نداشت بدون وسایلی که برای بردنشان آمده بود به دهکده‌اش و به‌سوی شوهرش، پسران کوچکش، و خواهرش بازگردد. کار خود در قفسه‌ها را سر گرفت و تعدادی اشیاء را سریع، گاهی با دقت و گاهی با بی‌نظمی و ناشیانه بسته‌بندی کرد. حمل این بسته‌ها همراه با وسایلی که خریداری کرده بود بسیار دشوار بود. یعنی باید یک تاکسی خبر می‌کرد. وقتی به تاکسی فکر کرد دلش آرام شد و نفسش سر جا آمد. فکر کرد: تلفن می‌زنم و

محمدرضا شفیعی کدکنی  
(م. سرشک)



## درین شبها

تمام نفرت و نفرین این ایام غارت را  
ز آواز تو دریابند.  
تو غمگین تر سرود حسرت و چاووش این ایام،  
تو بارانی ترین ابری که می‌گرید  
به باغ مزدک و زرتشت،  
تو عصیانی ترین خشمی که می‌جوشد  
ز جام و ساغر خیام.  
درین شبها  
که گل از برگ و  
برگ از باد و  
باد از ابر و  
ابر از خویش می‌ترسد  
و پنهان می‌کند هر چشمه‌ای سر و سرودش را  
درین آفاق ظلمانی  
چنین بیدار و دریاوار  
تویی تنها که می‌خوانی.  
جهت دریافت لینک شنیداری این شعر به سایت هفته مراجعه کنید.

درین شبها  
که گل از برگ و  
برگ از باد و  
باد از ابر می‌ترسد  
درین شبها  
که هر آینه با تصویر بیگانه‌ست  
و پنهان می‌کند هر چشمه‌ای سر و سرودش را  
چنین بیدار و دریاوار  
تویی تنها که می‌خوانی.  
تویی تنها که می‌خوانی  
رثای قتل‌عام و خون پامال تبار آن شهیدان را  
تویی تنها که می‌فهمی  
زبان و رمز آواز چگور نامیدان را.  
بر آن شاخ بلندای نغمه‌ساز باغ بی‌برگی  
بمان تا بشنوند از شور آوازت  
درختانی که اینک در جوانه‌های خرد باغ در خواباند  
بمان تا دشت‌های روشن آینه‌ها،  
گل‌های جوباران



## آقای ارجمندی

آقای ارجمندی مرد خوبی بود، اولین بار که تازه اسباب‌کشی کرده بودیم به محله‌ی جدید توی صف نونوایی دیدمش، مرد مسن و جا افتاده‌ایی بود با موهای مرتب و صورت اصلاح‌کرده، یه کت چارخونه و شلوار قهوه‌ایی، اولش فکر کردم معلمه ولی بعدتر فهمیدم دیونه‌اس. سعید می‌گفت مهندس ذوب آهن بوده، آرش می‌گفت عاشق بوده، هرچی که بود آدم خوبی بود، آروم و بی آزار، همیشه سرش پایین بود و گاهی با خودش چیزی زمزمه می‌کرد، اگه دل و دماغ داشت و بچه‌ها اذیتش نمی‌کردن داستان‌های فشنگی داشت برای تعریف‌کردن، اما بچه‌ها اذیتش می‌کردن! بعضی وقتا یه تیکه کاغذ می‌چسبوندن پایین کتتش با یه عبارت خنده دار مثل «این خر بفروش می‌رسد» یا «داداش مرگ من یواش»

جوان‌ترها توی صف نونوایی معمولا سر به سرش می‌داشتن و دستش می‌نداختن، آقای ارجمندی معمولا وسیله‌ای بود برای ارسال پیام خوشمزگی‌های اون‌ها به دخترای توی صف. آقای ارجمندی گوسفندی بود که هرروز توی صف نون، توسط پسرا جلوی پای دخترا ذبح می‌شد، مشق بیرحمی نسل تو سری خورده‌ایی بود که تفریحش آدمخواری بود. مسکن دردهای فروخورده‌ی روحی‌مون شاید...

یه روز با بچه‌ها سر کوچه ایستاده بودیم و حرف می‌زدیم، از دور آقای ارجمندی رو دیدم که چند تا بچه دوره‌ش کرده بودن، بچه‌ها کاغذ و قلم به دست مثلا سعی می‌کردن ازش امضاء بگیرن یا حرف‌هاش رو یادداشت می‌کردن، دو سه تای دیگه شده بودن بادیگارد‌های آقای ارجمندی و بقیه رو هل می‌دادن یا الکی بیسیم می‌زدن به قبر عمه‌هاشون، آقای ارجمندی هم اون وسط مثل نگین احاطه شده بود، با همون کت سبز چارخونه و شلوار قهوه‌ای، گاهی هم می‌ایستاد و روی کاغذ بچه‌ها چیزی می‌نوشت! صحنه‌ی خیلی مضحک و مسخره‌ای شده بود، ملت می‌خندیدن، هرکی رد می‌شد و صحنه رو می‌دید یه مکث می‌کرد و می‌خندید، تعداد بچه‌ها هم هی زیاد و زیادتر می‌شد،

بچه‌ها که از کنارمون گذشتن کنجکاو شدم ببینم امضاء آقای ارجمندی چه شکلیه، کاغذ یکی از بچه‌ها رو گرفتم و نگاه کردم، با تعجب دیدم یه خط شعر!

«تفنگت را زمین بگذار

که من بیزارم از دیدار این خونبار ناهنجار!»

وقتی رفت یه تیکه کاغذ چسبیده به انتهای کت چارخونه‌اش با باد می‌رقصید...

# ماجراهای من و میکائیل

## بخش ۳

دیشب بیخوابی زده بود به کلم، هی توی راهرو قدم می‌زدم و فکرای الکی می‌کردم که یه دفعه گفتم خوب چه کاریه برم یه سر بیرون بنزین بزنم بیام هم هوام عوض بشه هم فردا الکی وقتم توی پمپ بنزین هدر نره!

ساعت حدود یک بعد از نصف شب بود، راه افتادم، وسطای راه یادم افتاد! ماشین رو نیاوردم دوباره برگشتم ایندفعه با ماشین! رفتم پمپ بنزین، خیلی خلوت بود یعنی اصلا هیچ کس نبود نازل بنزین رو که برداشتم دیدم یه یارو هیکل میزونه اومد نزدیک ماشین! یه بارونی بلند تنش بود و یه کلاه لبه‌دار و یه عینک دودی! یکم جا خوردم اما اهمیت ندادم، دیدم تکیه داد به ماشین و روش رو کرد سمت مغازه، پیش خودم گفتم این یارو حتما دیونه‌اس، بش گفتم هی آقا کاری داری؟ برگشت عینکش رو برداشت و خیره شد تو چشمام دیدم میکائیل! گفتم خبر مرگت زهره ترک شدم، کجایی تو؟ گفت خیلی سرم شلوغ شده این روزا، چند بار کمونه کردم بیام سمت اما به موت قسم وقت نشد! گفتم بابا شما که راحتید بخدا دهن ما سرویس شده، گفت بذار بیای بالا میفهمی چه خر تو الاغیه اون بالا!

گفتم چکار داری الان؟ اینجا چکار می‌کنی؟

گفت منتظر دوستم از مغازه بیاد بیرون بریم دنبال کارمون! گفتم دوستت! گفت دوست که نه ولی بهرحال، میشناسیش آپولو!

چشام گرد شد گفتم آپولو؟ ناخداگاه از دهنم پرید کدوم آپولو؟ میکائیل فلفور گفت آپولو ابمنگل می‌شناسیش! و زد زیر خنده! گفتم شوخی می‌کنی؟ گفت نه به حضرت عباس! گفتم آپولو آخه! اون که خداست که! گفت نه بابا خدا کجا بود اما بچه باحالیه اهل دله، گفتم چکارش داری؟ گفت من کاریش ندارم اسرافیل داره یه خط موسیقی مخصوص کار می‌کنه یه جاییش لنگه یه چنگه! دوباره خندید! ادامه داد ظاهرا اون چنگ رو فقط آپولو داره، منم که مامور تدارکاتم منو فرستادن چنگ آپولو رو ببرم برا اسرافیل!

گفتم وع! دمت گرم بابا!

میکائیل گفت بنزینت سر ریز نکنه! گفتم نترس سنسور داره! گفت اوه چه غلط!

گفتم حالا گرفتی چنگو؟ گفت نه آپولو یه دقیقه رفت تو مغازه یه سیگار بگیره بیاد تا باهم بریم! از دور دیدم یه پسره خوشتیپ از مغازه اومد بیرون، میکائیل گفت اومد! وقتی نزدیک شد میکائیل بش گفت آپولو بیا معرفیت کنم به رفیقم! بعدش هم دستشو گذاشت رو کمر آپولو و گفت آپولو - بهروز، بهروز آپولو! اومدم دوباره دستمو دراز کنم دست بدم میکائیل یه اشاره کرد یعنی لازم نیست!

میکائیل گفت خوب بهروز جان می‌بینمت ما الان باید بریم، خدافظی کردیم و رفتن!

رفتم توی مغازه که پول بنزین رو بدم یارو پول یه پاکت سیگار و یه بسته چیپس هم پام حساب کرد، گفتم اینا چیه؟ مغازه دار گفت دوستتون گفت همه رو شما حساب می‌کنین!

پول رو دادم اومدم بیرون، تا خود صبح بیدار بودم ... /ادامه دارد



# افول انسانیت در سقوط ارزش‌ها

مروری بر فیلم کانادایی «The Decline» به کارگردانی پاتریس لالیبرته

» نمایی از فیلم افول (سقوط)



کبک کانادا ایجاد کرده است و چند نفر با او قرار می‌گذارند و با چشمانی بسته به این کلونی می‌روند همه چیز خوب و خوش است تا این که بر اثر انفجار یکی از اعضا می‌میرد و بحث بر سر تماس با پلیس و شرح ماجرا آغاز می‌شود اما آن مخالفت می‌کند زیرا تماس با پلیس همان و از هم‌پاشیدن کلونی او همان برای خاتمه دادن به بحث جسد را آتش می‌زند و با آتش زدن جسد به جای این که آبی روی آتش بریزد و ماجرا را آرام کند خشم بقیه را برمی‌انگیزد و آتش شعله‌ور می‌شود.

به عبارت دیگر مضمون و تم فیلم پاسخ به این سؤال است که آیا می‌شود تمدنی کوچک را در دل تمدنی بزرگ شکل داد یا دیکتاتوری در کلونی‌های کوچک سریع کار را به جنایت و از هم پاشاندن کلونی می‌کشاند. از حیث تحلیل سید فیلیدی سه‌پرده‌ای فیلم به خوبی ساخته شده است در نیم‌ساعت اول ماجرا با گروه آشنا می‌شویم.

و تمام آن چه باید در پرده‌ی اول بدانیم تا در پرده‌ی میانه به کارمان بیاید خواهیم دانست. حرف‌های که سر میز شام ردوبدل می‌شود و در نخستین نشست گروه پیرامون پس از شام بر گرد آتش، اطلاعات زیادی درباره شخصیت‌ها به ما می‌دهد.

با آنتوان (با بازی گیل لورین) و خانواده‌اش و دغدغه‌های ذهنی و عینی‌شان قبلاً در همان سکانس اول آشنا شده‌ایم، «آلن» را آن قدر که لازم است قبل از چرخش نهایی بشناسیم می‌شناسیم و حالا با راشل (با بازی ماری-اویلین لسارد) و بقیه اعضای گروه آشنا می‌شویم. راشل نماد فیمنیستی داستان است او که از قدرت بدنی و رزمی خوبی برخوردار است و زمانی در ارتش فعالیت می‌کرده و به علت این که در وضعیت‌های اضطراری دچار ترس و تردید شدید می‌شده است از ارتش بیرون آمده و حالا با قدرت بدنی بالا و تکنیک‌هایی نظامی مردان گروه را به مبارزه می‌طلبند نخست با سباستین (با بازی گیوم سیر) روبه‌رو می‌شود و در فضایی پر از خنده و شوخی او را که هیکل نسبتاً تنومند اما غیرورزشی دارد به زمین می‌زند

که در سال گذشته میلادی بسیار مطرح شد و حتا به فارسی هم زیرنویس و دوبله شده است، به زبان فرانسه، زبان اصلی فیلم، «Jusqu'au déclin» که می‌شود مثلاً «آستانه‌ی افول» و به زبان انگلیسی «The Decline» که می‌توان «زوال» یا «کاهش» ترجمه کرد اما معلوم نیست چرا در زبان فارسی نام آن شده است «سقوط» و تنها در برخی از منابع به «افول» ترجمه شده است. به هر حال فیلم «افول» یا «سقوط» هر چند فیلمی در ژانر و گونه‌ی جنایی و حادثه‌ای محسوب می‌شود اما نمی‌توان از مضامین آخرالزمانی و محیط‌زیست‌گرایانه و فمینیستی آن صرف نظر کرد. نویسندگان فیلم‌نامه این اثر «چارلز دیون» و «تیکلاس کریف» که به همراه کارگردان «پاتریس لالیبرته» آن را نگاشته‌اند نیم‌نگاهی به این مفاهیم دارند اما مضمون اصلی فیلم چیز دیگری است.

چکیده و لاگ‌لاین یا پیش‌فرض «افول» را می‌توان این‌گونه بیان کرد. «جهان به دلیل تغییرات آب‌وهوایی دچار بحران شده است و این بحران روزبه‌روز بیشتر می‌شود. در این بین برخی می‌خواهند با ایجاد کلونی‌های کوچک انسانی به کشاورزی و شکار بپردازند و ادامه‌ی حیات دهند شخصی به نام آلن (با بازی رئال باس Réal Bossé) یکی از این کلونی‌ها نزدیک مونترآل در استان

لالیبرته علاوه بر کارگردانی نویسنده، تهیه‌کننده، فیلم‌بردار و بازیگر کانادایی نیز است. این فیلم او که به فارسی با نام «افول» یا «سقوط» معروف است با زیرنویس فارسی نیز منتشر شده است.

صنعت فیلم‌سازی کانادا، دست‌کم در بخش انگلیسی‌زبان، زیر سایه‌ی صنعت غول‌آسای کشور جنوبی‌اش «ایالات متحده» نتوانسته است رشد چندانی بکند و چه در زمینه‌ی بازیگری و چه در زمینه‌ی کارگردانی اگر استعداد‌های درخشانی هم ظهور کرده‌اند جذب سینمای هالیوود شده‌اند و اگر در جهان شناخته شده‌اند نه به دلیل فیلم‌هایی که در کانادا بازی کرده‌اند یا ساخته‌اند که بیشتر به دلیل فیلم‌های هالیوودی‌شان می‌شناسیم اما بخش فرانسوی‌زبان کانادا حکایت دیگری دارد و توانسته است به‌عنوان سینمایی شاخص خود در جهان عرضه کند و نوایمی مانند «زاویه دولان» که از کودکی به نقش‌آفرینی در فیلم‌های فرانسوی‌زبان کانادایی شهرت پیدا کرد. در کنار دولان که در ۲۰۰۹ وقتی هنوز بیست سالش نشده بود با فیلم «من مادرم را کشتم» مشهور شد کارگردان جوان دیگری به نام پاتریس لالیبرته نیز نامش سر زبان‌ها افتاد هر چند تاکنون به اندازه‌ی «دولان» مشهور نشده است آخرین فیلمی که ساخته است «Very Nice Day» است اما نام فیلم ماقبل آخر او،



پاتریس لالیبرته کارگردان



پوستر فیلم

حادثه‌های خوش‌تان می‌آید بی‌شک فیلم را با لذت تا پایان پی‌می‌گیرید و ارزش دیدن دارد اما زیاد دنبال مفاهیم عمیق در آن نگردید.

**درباره اسپانسر**  
**خانه کتاب**  
**پرستوک**  
**ارسال سریع به**  
**سراسر آمریکای**  
**شمالی**

۱۰ درصد تخفیف ویژه برای خوانندگان مجله‌ی هفته با استفاده از کد تخفیف HaftehMag در وب‌گاه پرستوک

نشانی وب‌گاه: Parastook.com  
 حساب اینستاگرامی: parastook.book  
 تلفن واتساپی: ۶۴۷۲۲۷۸۰۷۷

**درباره نویسنده:**  
**مصطفی عزیززی،**  
**کارگردان، تهیه‌کننده**  
**و نویسنده سینمایی**  
**است.**

درواقع تمام آن‌چه را رشته بود پنبه می‌کند. اگر تمدن و نظم موجود نظم خوبی بود که جهان چرا به لبه پرتگاه رسیده است چطور می‌شود از یک خرده نظام جنایت‌کار به یک کلان‌نظام جنایت‌کار پناه برد. درواقع محیط‌زیست‌گرایی و فیمینست داخل فیلم شعار و توخالی می‌شود با این نوع پایان‌بندی ما با فیلم حادثه‌ای و جنایی روبه‌رو شدیم که کمی آبرنگ محیط‌زیستی و برابری صوری بین زن و مرد که تنها خود را در عضله نشان می‌دهد روبه‌رو هستیم. چطور ممکن است زنی هوادار محیط‌زیست گلخانه‌ای را به آتش بکشد؟ ممکن است اگر فیلم را سه مرد نوشته باشند و یکی از آن‌ها هم کارگردانی‌اش کرده باشد!

اگر فیلم می‌خواست فراتر از گونه و ژانر حادثه‌ای پیش‌برود و فیلم آخرالزمانی بسازد که با امید تمام شود باید کلونی بزرگ‌تری را ترسیم می‌کرد که درنهایت گروهی که عمیقاً به محیط زیست و انسانیت و برابری زن و مرد اعتقاد دارد بر بخش منفی پیروز می‌شدند و تلاش می‌کردند «خرده تمدن» خود را بنا کنند. اما در شکل فعلی فقط پوششی روشنفکرانه روی محتوایی واپس‌گرایانه کشیده شده است. هرچند فیلم از نظر بودجه فیلم فقیری محسوب می‌شود برای همین تعداد افراد کم است و جلوه‌های ویژه ساده است و مثلاً گلخانه بسیار کوچک است که حتی تأمین مواد غذایی همین چند نفر را که برای آموزش دیدن آمده‌اند ندارد. به‌هرحال فیلم به‌عنوان فیلم حادثه‌ای با ساختاری کلاسیک و مضمونی عادی، فیلم متوسط خوبی است و اگر از فیلم‌های

و بعد نوبت و دیوید (با بازی مارک بوپره) می‌شود که با «راشل» زورآزمایی کند. دیوید برخلاف سباستین اندام ورزیده آماده‌ی دارد اما به‌هرحال او هم شکست می‌خورد. در هنگام شکست دیوید نگاهی بین او و «آلن» ردوبدل می‌شود که حاکی از نگاه نگران آلن و تا حدودی آشفته آلن است و کافی‌ست که متوجه شویم بین «آلن» و «دیوید» رابطه‌ای وجود داشته باشد که بین «آلن» و سایر اعضای گروه نیست. با محل داستان و فضای کلی حاکم بر زمانه داستان فیلم آشنا شده‌ایم. اتفاقات بعدی همین‌طور بر شناخت ما می‌افزاید و موجب می‌شود با فضا اُخت شویم و علی‌رغم برف و بورانش نوعی گرمی صمیمی انسانی را در آن کشف کنیم و با شخصیت‌های مختلف هم بیشتر آشنا شده و هم‌دلی و هم‌ذات‌پنداری‌های مختلف شکل می‌گیرد. همه‌چیز آماده است تا با چرخشی تازه در نقطه‌ی عطف اول در پایان پرده اول اتفاق بیفتد. عملاً در پرده‌ی دوم آنچه در پرده نخست بنا شده بود فرومی‌ریزد و ما با شخصیت دوگانه‌ی «آلن» آشنا می‌شویم و آن‌چه آموزش داده‌شده بود حالا در عمل باید خود را نشان دهد. تمام عوامل حفاظتی در واقع تله‌ای می‌شود برای افراد گروه و «دیوید» هم نشان می‌دهد مسلح است و مأمور جاسازی شده‌ای «آلن» در گروه است. به دلایل مختلف همه کشته می‌شوند. چه توسط تله‌ها چه به دست «دیوید» و «آلن» اما در نبرد نهایی بین «راشل» و «آلن»، راشل می‌تواند بر ترس و اضطراب درونی خودش غلبه کند و بر «آلن» پیروز شود اما به‌جای این که او را بکشد دستگیر می‌کند و می‌برد تا به پلیس تحویل بدهد و متمدنانه محاکمه شود و این

# طرح هفته

## مهسا امینی







## فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک  
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی  
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6

VANTAGE

همراه با شما در خرید آگاهانه  
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

## آتوسا تنگستانی فر

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8290 Boul. Décarie # 150  
Montreal, QC H4P 2P5



## بهروز باباخانی

### Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،  
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق  
در زمینه تهیه وام مسکن  
در استان کبک

Mortgage Broker &  
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



## محمد تائبی

مشاور بیمه

• Mohammad Taebi

Personal-lines Damage Insurance Broker, MIA

- بیمه منزل
- بیمه موتور
- بیمه اتومبیل
- بیمه مالکان خانه در برابر  
کلاهبرداری

بهترین بیمه‌نامه را از  
بین شرکت‌های مختلف بیمه می‌خواهید؟

با من تماس بگیرید!



514-866-BIME 800-361-1321 Ext:321



Mohammad.Taebi@jgfortin.com

AVIVA leclerc echelon insurance L'Union économique INFICO Intact



## استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند: ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
- شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
- مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی متمدول
- ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

**باحقوق عالی** (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services  
Please contact Ms. Anna Lee  
514-690-7005  
Resumes to:  
4familycareservices@gmail.com

**ROYAL LEPAGE**  
**Du QUARTIER**  
AGENCE IMMOBILIÈRE

## نازک سلیمانپور

مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

- ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
- مشاوره رایگان برای خریداران
- همکاری با تیم حرفه ای جهت اخذ وام مسکن

**(438) 872-7373**



### Nazak Soleimanpour

Courtier Immobilier Résidentiel  
Residential Real Estate Broker

✉ soleimanpournazak@royalpage.ca

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3



## وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما  
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

## مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک  
مسکونی، تجاری و صنعتی  
خرید و فروش بیزنس ها  
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره  
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارنی دوست

(514) 996-1065

helia\_realtorIntl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER  
LONDONO  
REALTY GROUP INC

Proxim

بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

داروخانه پروکسیم شادی کبک

در خیابان سن لوران



PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما  
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه  
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تأثیری ندارد.

علی مهاجرانی

## تابوی برهنگی:

# تزویرهای حاکمان و تردیدهای مردمان

تنه زنان برهنه است. در بسیاری از کشورهای اروپایی حضور برهنه در حمام بخار رفتاری عادی و اجتماعی است.

هیچ کدام از موارد ذکر شده در بالا به هیچ شکل نه غیر عادیست نه حمل بر بی‌اخلاقی.

اتصال پوشیدگی به اخلاق و پافشاری به تحمیل آن به جامعه به‌عنوان یک اصل اخلاقی، آنهم به حکم زور، ناشی از خطاهایی فکری و استدلالی است (حتی اگر اغراض سیاسی حکمرانان را در نظر نگیریم) که در زیر تلاش خواهیم کرد بیشتر توضیح دهیم.

### ۱- متغیر بودن مرزهای برهنگی و سازوکارهای تقنین آن:

تعریف برهنگی چیست و از چه دستگاہی استخراج می‌شود. آیا برهنگی میزانی ثابت و قطعی از عدم پوشیدگیست که در تعریفی مطلق و مستقل از فرهنگ عمومی در زمان و جغرافیایی خاص، با حکم فقیهان و شارعان تعریف می‌شود؟

چه کسی تعیین می‌کند که چه میزان از عدم پوشیدگی برهنگیست و سزاوار تعزیر؟ چگونه است که حتی در بین معتقدین به یک دین، پوشیدگی از پوشاندن تمام بدن حتی دست و صورت شروع می‌شود و تا به نماز ایستادن با موی ناپوشیده بعضی از مسلمانان پیش می‌رود؟

با دقت در رفتارهای اجتماعات مختلف می‌توان دید که این تنها حس قضاوت جمعی است که به افراد الگوی پوشش مورد پذیرش اکثریت را انتقال می‌دهد. مثالی که نشان می‌دهد که در فضایی آزاد حتی قانون به نفع برهنگی منجر به برهنگی فراتر از مرزهای مقبول فرهنگ عمومی نمی‌شود به‌خوبی این مفهوم را عینی می‌کند:

در استان انتاریو در کانادا برهنه بودن بالاتنه زنان منع قانونی ندارد. زنان و مردان در واقع مقید به قانونی یکسان برای پوششند. دیدن مردانی که با بالاتنه‌ی برهنه در روزهای تابستان در خیابان بودند و راه بروند بسیار عادیست. اما زنان به حدی از این حد از برهنگی پرهیز می‌کنند که با اطمینان

به اشکال مختلف و از افراد مختلف در این مدت شنیده‌ایم که معترضان را مورد تحقیر و تخطیه قرار می‌دهند با نسبت دادن تمام خواسته‌هایشان به شهوت برهنگی. از آن فردی که گفته بود که امروز روسری را سر چوب می‌کنند و فردا شورشان را. و این یکی که اخیراً گفته امروز سلف را مختلط می‌کنند و فردا استخرها را.

در مقابل دیده‌ام کسانی در تبرئه خود و معترضین از این اتهام تلاش در به حاشیه بردن طلب آزادی پوشش و عمده کردن اعتراض به دیگر بحران‌هایی که کشور به آن مبتلاست می‌کنند: بیکاری، فقر، فساد، دزدی، ...

من معتقدم به هیچ دلیلی احتیاج به توضیح دادن و توجیه کردن مخالفت ما با الگوی حکومتی پوشیدگی نیست.

هیچکس احتیاج ندارد شرمنده باشد از اینکه بخواهد با کسانی که دوست می‌دارد از هر جنسی که باشند از شنایی در استخری یا آرامشی در یک حمام بخار لذت ببرد.

هیچ‌کس به دلیل سلیقه متفاوت در میزان پوشیدگی در موضع اخلاقی فرودست قرار ندارد که برای نجات خود از آن موضع فرودست نیازمند کتمان درخواستش در آزادی انتخاب پوشش شود. حتی اگر آن میزان از پوشش در دید گروهی تعبیر به برهنگی شود.

من برای جوانانی که بی‌اعتنا به این جو سازی‌ها بر آزادی پوشش و روابط انسانی خود اصرار می‌ورزند و دست در دست هم دیوارهای تفکیک جنسیتی غذاخوری دانشگاه‌ها را خراب می‌کنند احترام قائلم.

هیچ قداست ذاتی در پوشیدگی وجود ندارد که انسان‌ها را به نسبت پوشیده بودنشان در مراتب اخلاقی مختلف قرار دهد.

این مفهوم با نگاهی دقیق‌تر به گوناگونی پوشدگی در فرهنگ‌های مختلف که همگی دستگاہ اخلاقی و ارزشی مختص به خود را دارند واضح‌تر می‌شود:

بومیان کشورهای مختلف در نواحی بسیار گرم با برهنگی به‌عنوان اصلی پذیرفته‌شده و عادی در جوامعشان زندگی می‌کنند. در لباس محلی هند میان

تربیون  
آزاد  
هفته

شنل سلاطین، عبای آخوندی و کشیشی، دکلته و بیکینی فرنگی ...

این تغییرات متناسب تغییرات فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند تا جایی که پای ادیان و مذاهبی به میان می‌آید که خود را نماینده یگانه و مستقیم تنها خدای کائنات می‌دانند. خدایی که در آسمان‌ها نشسته و تنها و تنها از روزنه این نمایندگان انحصاری‌اش با زمین در ارتباط است.

پوشش در اسلام مصون از سایر تظاهرات مردسالارانه نمی‌ماند و به‌عنوان یکی از ابزارهای استقرار و استحکام رابطه مالک و مملوکی مرد و زن مورد استفاده قرار می‌گیرد. بی‌شک می‌توان تصور کرد که چگونه حاکمان تمامیت‌خواه مایلند ابزار لازم برای اعمال قدرت مطلق خود را از حوزه موضوعات قابل مباحثه و تغییر خارج کنند و در لیست محکمت‌ها و مسلمات اخلاقی غیرقابل بحث و تغییر قرار دهند.

### ۳- تناقض حاکمان دینی در ادعای نمایندگی کردن دینی که ذات انسان را الهی می‌داند از یک‌سو و اصرار بر بیراهه رفتن خلایق اگر حاکمان آن‌ها را به حال خود رها کنند از سوی دیگر:

برای پوشش اغراض معطوف به قدرت مطلق (شاید اقلیتی هم از روی باور واقعی) عده‌ای ادعا می‌کنند که قانون‌گذاری و سختگیری در اجرای قانون‌های پوشش به‌عنوان اصلی اخلاقی وظیفه حاکمیت است به‌عنوان متولی سعادت اجتماعی.

سؤال این می‌شود که چگونه است که انسانی که در جهان‌بینی آن‌ها روح خدا در او دمیده شده است بدون شلاق حاکمان هیچ بختی برای یافتن راه سعادت نخواهد داشت؟

### ۴- وظایف حاکمیت:

سفسطه الزام دیکته شدن اصول اخلاقی، منافع ملی، ... از حاکمیت به جامعه همواره برای توجیه کردن خشونت حاکمیت‌های تمامیت‌خواه در برابر جوامع آزادی‌طلب استفاده شده است.

در تعریفی صحیح هر الگویی از حاکمیت چیزی جز تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری نیست الا اینکه در توافقی بین اکثریت مردم به عده‌ای برای زمانی مشخص مأموریت داده شود که مأمور اجرای منویات اکثریت با مراقبت از حقوق اقلیت شوند. این دو اصل: عمل به خواسته اکثریت (دموکراسی و آزادی) و حفظ حقوق انسانی اقلیت (عدالت و آزادی) است که تضمین‌کننده استقرار و تداوم حکمرانی مسئول و پاسخگوست.

و به خلایق نازل شوند؟ اگر چنین است تغییر مداوم اصول اخلاقی در طول زمان و در عرض جغرافیا چگونه توضیح داده می‌شود؟

اگر مهمان حبیب خداست و هر انسانی بنا بر حکم مطلق کائنات موظف است همیشه در خانه خود را بر مسافران از غریبه و آشنا باز نگه دارد، چگونه است که امروز این رفتار نه تنها مرسوم نیست که بیشتر عجیب و حتی غیرعقلانه است؟ آیا این‌طور نیست که تبلیغ پذیرش بی‌قیدوشرط هر در-راه‌مانده‌ای به‌عنوان مهمان که حبیب خداست به روزگاری برمی‌گردد که سفر فرایندی بود بسیار پرزحمت و پرخطر که تنها از روی ضرورت بر پشت چهار پا یا با پای پیاده در کوه و بیابان انجام می‌شد، نه در روزگار هواپیما و هتل پنج ستاره و ریزورت‌های پر از غذا و شراب؟

آیا نمی‌توان دید که حتی اخلاقیاتی به قطعیت تعهد فرزندان در نگهداری از والدین از کافرآفاده، کم‌رنگ می‌شوند به تناسب پیدایش سرویس‌های حرفه‌ای اجتماعی‌ای که جایگزین زحمت افراد خانواده می‌شوند؟ آیا امروز جامعه سرزنش می‌کند افرادی را که عزیزان ناتوان را نه در خانه خود و بدون هیچ امکانات حرفه‌ای، که در مراکز پیشرفته خدمات پزشکی نگهداری می‌کنند؟

مثال‌هایی از این قسم فراوانند که نشان دهد اخلاقیات الگوهایی هستند که جوامع برای امکان ادامه زندگی اجتماعی با کیفیت بهتر می‌سازند و به همین دلیل به تناسب تغییر نیازها و ملزومات زندگی اجتماعی دچار تغییر می‌شوند.

حالا سؤال این می‌شود که از این دیدگاه، پوشش چگونه به جوامع انسانی راه یافت و چگونه با تغییر نیازها و الگوهای اجتماعی و اقتصادی تغییر کرد؟ گویا پوشش با شکل‌گیری اجتماعات بزرگ‌تر و به‌ویژه بعد از شکل‌گیری جوامع کشاورز وارد زندگی اجتماعی انسان شده است. به نظر می‌رسد در جوامع شکارچی که در گروه‌های ۵۰ تا ۱۵۰ نفره زندگی می‌کردند حتی پوشش آلت تناسلی الزامی فرهنگی نبوده است. عده‌ای معتقدند که شاید نیاز به پوشاندن آلت تناسلی و بعدها پوشش به شکل گسترده‌تر نتیجه شکل‌گیری اجتماعات بزرگ و غیرفصلی بودن جفت‌گیری انسان‌ها باشد. این قطعاً بحثی بسیار مفصل و نیازمند متخصصین امر است.

پوشش اما، مشابه سایر رفتارهای بشر، به موضوعی برای بازی‌های ذهنی بشر تبدیل شد و در درازای زمان در زمینه‌ی فرهنگ‌های مختلف داستان‌های مختلف اطراف آن ساخته شد و شکل‌های مختلف به خود گرفت: ساری هندی، کلاه انگلیسی، کلاه کابویی، کپنک لری و کردی، کلاه پر بومیان آمریکای شمالی،

می‌شود گفت که هیچ‌کس در هیچ کجا زنی را در حال دویدن و راه رفتن با بالاتنه برهنه نمی‌بیند. در بخش‌هایی از سواحل که به علاقه‌مندان به شنای در برهنگی کامل اختصاصی داده شده است افراد بسیار معدودی حضور می‌یابند. بنابراین ناروا نیست که از مشاهده نتیجه بگیریم که اکثریت قریب به اتفاق افراد الگوهای رفتاری و پوششی خود را در مرزهای فرهنگی و اجتماعی جستجو می‌کنند و حتی اگر منع قانونی برای رفتاری که با هنجارهای اجتماعی فاصله زیاد دارد وجود نداشته باشد.

تغییر الگوهای پوشش در طول زمان بدون هیچ تغییری در قانون نشان دیگری از این است که این فرهنگ عمومی است که مقبولیت یا عدم مقبولیت الگوهای پوشش را تعیین می‌کند نه حکم حاکمان و شارعان. مثالی بهتر از این نمی‌توان ارائه کرد که نشان دهد که این فرضی غلط است که در صورت رفع منع قانونی همگان متمایل به حداکثر برهنگی هستند.

فرهنگ عمومی به‌عنوان اصلی‌ترین تعیین‌کننده مقبولیت پوشش در زوایای فرهنگی‌ای که جامعه ما با آن‌ها آشناست نیز به‌خوبی مشهود است. من در خانواده‌ای مذهبی بزرگ‌شده‌ام. گوناگونی فرهنگی نیز در خانواده گسترده ما بسیار است.

از اقوامی که هنوز به شکل بسیار سنتی در روستاها زندگی می‌کنند تا ساکنان شهرهای بزرگ‌تر و آشنا به زندگی مدرن‌تر. من در تمام زندگی شاهد این بوده‌ام که چگونه زنان و مردان فامیل گسترده ما، علی‌رغم باورهای مذهبی مشترک نوع و حدود پوشش خود را در چهارچوب محیطی که در آن هستند و افرادی که با آن‌ها معاشرت می‌کنند تغییر می‌دهند. بارها و بارها زنانی که همه آن‌ها را بسیار معتقد به اصول شرع می‌دانند مرا به دلیل اینکه حسی مادرانه راجع به من داشته‌اند در آغوش کشیده‌اند و اصرار نکرده‌اند بر رعایت حجابشان طبق اصول شرعی که خود را بدان ملزم می‌دانند. بسیار بعید می‌دانم که بسیار دیگری تجربه‌هایی مشابه نداشته باشند. باور دارم که این مثال خوب دیگری است از اینکه آنچه متر و میزان پوشش مقبول و نامقبول قرار می‌گیرد فرهنگ و توافقات اجتماعی است، نه قانون و شرع.

### ۲- اصالت پوشیدگی به‌عنوان یک اصل اخلاقی:

بگذارید از کمی عقب‌تر شروع کنیم و از خود بپرسیم اخلاقیات چیست و اصول آن چگونه شکل گرفته‌اند. سؤال دوباره اینکه آیا اخلاقیات اصولی ماورایی در کائنات هستند که باید به‌واسطه مراجع مذهبی قرابت

## ۵- سلسله مراتب اخلاقیات

نکته آخر اینکه حتی اگر از تمام اشکالات مطرح شده در پیش بگذریم و پوشش را به عنوان اصلی اخلاقی بپذیریم، موجه بودن گرفتن جان یک انسان (گزینه‌ای که عقلا باید وزن اخلاقی بسیار بیشتری از پوشش

داشته باشد) برای استقرار پوشش مناسب را در چه دستگاه اخلاقی می‌توان قرار داد؟ فرض کنیم اکثریت افراد یک جامعه با پذیرش نظر درست حاکمیت در نگاه کردن به پوشش رسمی اعلام شده از طرف حاکمیت خیرخواه مخالفت کردند. گیریم مردم خیره‌سر حتی با گرفتن جان چند صد یا

چند هزار نفر باز هم بر سر عقل نیامدند و بر غلط خود اصرار کردند. چه میزان کشتار و زندان و شکنجه است که غیر اخلاقی‌تر از برهنگی است؟ صد هزار نفر؟ یک میلیون نفر؟ هشتاد میلیون نفر؟

### محسن فرهادلو

# احمق‌ها با خوشحالی رنج می‌برند استفاده از تحریم‌های اقتصادی در بحران‌های بین‌المللی

در ابتدا قصد داشتم خود به نگارش مقاله‌ای برای روشن‌سازی اثرهای منفی بلندمدت تحریم بر مسیر توسعه کشورها بنویسم. اما بعد از جستجوی کوتاهی درباره مطالعه‌های انجام شده بر روی ارزیابی تحریم (به‌ویژه تحریم‌های هدفمند و یا هوشمند) در حوزه سیاست خارجی، تصمیم گرفتم فقط به ارائه گزارشی از نتیجه مطالعه‌های موجود در علوم سیاسی بپردازم. اگرچه تخصص نگارنده علوم سیاسی نیست، آنچه در پی می‌آید، چکیده و نتیجه‌گیری مطالعه‌هایی است که توسط محققین شناخته شده دانشگاهی در این باره انجام شده است. نگارنده سعی دارد در چند نوبت ترجمه برخی از آثار معتبر موجود را برای خوانندگان مهیا کند.

دومین مقاله، مطالعه‌ای است با عنوان «احمق‌ها با خوشحالی رنج می‌برند: استفاده از تحریم‌های اقتصادی در بحران‌های بین‌المللی» که در سال ۱۹۹۷ در فصلنامه مطالعات بین‌الملل به قلم پروفیسور کلیفتن مورگن و ولری شباخ (استاد دانشگاه نبراسکا در امریکا) چاپ شده است.

پروفیسور کلیفتن مورگن استاد علوم سیاسی دانشگاه رایس آمریکاست. پروفیسور مورگن در تحقیقات خود از تکنیک‌های مدل‌سازی رسمی برای توضیح تصمیمات سیاست خارجی و درگیری‌های بین‌المللی استفاده می‌کند. او نویسنده کتاب «باز کردن گره جنگ» (۱۹۹۴)، انتشارات دانشگاه میشیگان) و مقالات متعدد در

مجلات علمی است. آخرین کتاب او با نام «تئوری سیاست خارجی» (تألیف مشترک با گلن پالمر) توسط انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۰۶ منتشر شد. تحقیقات فعلی دکتر مورگن در مورد استفاده و اثربخشی تحریم‌های اقتصادی مورد حمایت بنیاد ملی علوم قرار گرفته است. / محسن فرهادلو

### چکیده

تعدادی از موقعیت‌های بین‌المللی اخیر بار دیگر پرسش‌هایی را در مورد سودمندی تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی مطرح کرده است. تحریم‌ها همچنان در زمینه‌های مختلف اعمال می‌شوند، باین‌حال ما درک کافی از فرآیندهای درگیر برای تعیین اینکه چه زمانی یا حتی اینکه آیا تحریم‌ها می‌توانند «کار کنند»، ایجاد نکرده‌ایم. در حالی که مطالب زیادی در مورد این موضوع نوشته شده است، نه تلاشی برای قرار دادن استدلال‌های نظری در معرض آزمایش تجربی و نه تلاش‌هایی برای ارائه توضیحات نظری سیستماتیک برای نتایج تجربی تولید شده صورت گرفته است. در این مقاله سعی بر آن است تا به این کاستی در ادبیات موجود تحریم بپردازیم. ما تئوری اثربخشی تحریم‌ها را پیشنهاد می‌کنیم که مبتنی بر مدل مکانی چانه‌زنی در بحران‌های بین‌المللی است و از این نظریه برای استخراج

تعدادی فرضیه در مورد اینکه چه زمانی تحریم‌ها باید نتایج مطلوب سیاستی ایجاد کنند، استفاده می‌کنیم. سپس برخی از فرضیه‌های به دست آمده را در معرض یک آزمون تجربی بر اساس تعداد زیادی از اختلافات بین‌المللی قرار می‌دهیم. این مدل نشان می‌دهد که اگرچه تحریم‌ها در بسیاری از موارد کارساز نیستند، اما اگر هزینه‌های تحریم‌ها نسبت به ارزش‌های مورد نظر به اندازه کافی بالا باشد، می‌توانند تأثیری جزئی بر توزیع نتایج مورد انتظار داشته باشند. به نظر می‌رسد شواهد موجود این انتظارات را تأیید می‌کند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، مدلی نظری به‌سوی انتظاراتی در خصوص اثربخشی تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری در منازعات بین‌المللی ارائه شده است. این مدل به تعدادی فرضیه منتهی شد که نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، تحریم‌ها نباید به‌ویژه ابزار مؤثر سیاست‌گذاری باشند و سایر متغیرها باید تعیین‌کننده‌های مهم‌تری برای نتایج اختلاف باشند. باین‌حال، تحریم‌هایی که برای کشور هدف بسیار پرهزینه هستند، می‌توانند تأثیر کمی بر نتایج داشته باشند. آزمون‌های تجربی انجام شده بر روی برخی از فرضیه‌ها، نتایجی منطبق با این انتظارات نظری را تولید کردند. در حالی که محدودیت داده‌ها مانع از نتیجه‌گیری



از یک جمعیت باشد. اگر این بخش‌ها روی سیاستی که کشور فرستنده می‌خواهد تغییر کند کنترل داشته باشند، ممکن است آسان‌تر از آن چیزی باشد که ما در ابتدا گمان می‌کردیم که تحریم‌ها به اندازه کافی پرهزینه باشد که تأثیر بگذارد. تحقیقات در مورد ارتباط بین سیاست داخلی و تحریم‌ها می‌تواند نشان دهد که تحریم‌هایی که به دقت طراحی شده و به خوبی هدایت شده‌اند، مؤثر هستند.

به‌طور خلاصه، استدلال نظری ما می‌تواند یافته‌های تجربی متعددی را توضیح دهد که نشان می‌دهد تحریم‌ها ابزار سیاسی ناکارآمدی هستند. اما، همچنین نشان می‌دهد که در برخی موارد تحریم‌ها می‌توانند نتایج اختلاف را تغییر دهند. اینجا هیچ تناقضی وجود ندارد. ما نمی‌گوییم که بررسی‌های تجربی تحریم‌ها را بی‌اثر می‌داند، زیرا همیشه بی‌اثر هستند. در عوض، ما می‌گوییم که شرایط نظری که تحت آن تحریم‌ها مؤثر هستند، به اندازه کافی سخت‌گیرانه و نادر هستند که توسط روش‌هایی تجربی قبلی، شناسایی نمی‌شوند. تئوری ما، که توسط شواهد پشتیبانی می‌شود، نشان می‌دهد که تحریم‌ها چه زمانی و تا چه اندازه باید بر نتایج اختلاف تأثیر بگذارد. نتایج ما نشان می‌دهد که تحریم‌هایی که با دقت طراحی شده‌اند ممکن است ابزار مفیدی برای تغییر رفتار کشورهای هدف باشد، اما همچنین اشاره می‌کنند که این برای تحریم‌کننده هزینه دارد. تحریم‌کنندگان احق ممکن است برای سود ناچیزی هزینه‌های گزافی را بپردازند، اما ممکن است تحریم‌ها منافع سیاستی را به همراه داشته باشد که از هزینه‌های تحریم‌کننده بیشتر باشد. تحقیقات تکمیلی، با تمرکز بر ویژگی‌های سیگنال‌دهی تحریم‌ها و جنبه‌های سیاست داخلی تحریم‌ها، می‌تواند درک کامل‌تری از پدیده‌ها ارائه دهد و به‌عنوان راهنمای سیاست‌گذاران در حال توسعه استراتژی‌های تحریم باشد.



**محسن فرهادلو**  
استاد مدرسه  
کسب‌وکار دانشگاه  
کنکور دیا و عضو هیئت  
علمی این دانشگاه است.

می‌گذارند. با این حال، حتی در چنین مواردی، بهبود در خروجی مورد انتظار از منظر تحریم‌کننده اندک است. در بیشتر موارد، دولتی که علیه مخالف خود تحریم می‌کند، می‌تواند انتظار نتیجه‌ای را داشته باشد که تقریباً همان نتیجه‌ای است که بدون تحریم به دست می‌آید.

وسوسه‌انگیز است که به این نتیجه برسیم که تحریم‌ها باید به‌عنوان یک گزینه سیاسی کنار گذاشته شود و تحقیقات در مورد تحریم‌ها باید متوقف شود، اما ما معتقدیم که نتایج ما نتیجه مخالف را نشان می‌دهد. ما درس اصلی را این می‌بینیم که شاید تحقیق در مورد تحریم‌ها باید بر اساس سؤالی متفاوت از آنچه که با آن شروع کردیم، پیش رود. به جای اینکه بپرسیم آیا تحریم‌ها جواب می‌دهند، باید به دنبال تعیین زمان کارآمدی آن‌ها باشیم. تحقیق در مورد شرایطی که تحت آن تحریم‌ها بر سیاست‌های دولت هدف تأثیر می‌گذارد، مبنای پیچیده‌تری برای درک و همچنین مبنای قوی‌تری برای تجویز سیاست‌ها فراهم می‌کند. حداقل سه سؤال برای آینده تحقیقات بلافاصله به ذهن می‌رسد. اول، ممکن است به نظر برسد که اعمال تحریم‌ها ضعیف عمل می‌کند زیرا تهدید به تحریم‌ها بسیار خوب عمل می‌کند. تحریم‌ها ممکن است در مواردی که صرفاً به این دلیل که تهدید به تحریم ممکن است برای دستیابی به نتایج مطلوب کافی باشد، اعمال نشوند. بنابراین، تحقیقات در مورد جنبه‌های تهدیدآمیز تحریم‌ها ممکن است مثمر ثمر باشد. دوم، تحریم‌ها ممکن است برخی از ویژگی‌های سیگنال‌دهنده داشته باشند که این تحقیق به آن‌ها نمی‌پردازد. تحریم‌ها ممکن است نشان‌دهنده حل و فصل باشد، که نتایج ما نشان می‌دهد که تعیین‌کننده مهم نتایج است. اگر چنین باشد، تحریم‌ها ممکن است سیگنال‌های مفید (یعنی ارزان) باشند، حتی اگر مستقیماً بر نتایج تأثیر نگذارند. کار تئوریک و تجربی در مورد این سؤال می‌تواند شرایطی را که تحت آن تحریم‌ها می‌تواند پیام «مناسب» را ارسال کند، مشخص کند.

در نهایت، نتایج ما نشان می‌دهد که هزینه‌های تحریم‌ها بر اثربخشی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. با این حال، ما تحریم‌ها را ابزاری نسبتاً صریح در نظر گرفته‌ایم و با هزینه‌ها به‌گونه‌ای برخورد کرده‌ایم که گویی به‌طور مساوی در سراسر کشور هدف متحمل می‌شوند. ممکن است بتوان راهبردهای تحریمی را ابداع کرد که متوجه بخش‌های خاصی

قطعی می‌شود، ما معتقدیم که این نتایج نشان می‌دهد که مدل ارائه‌شده باید به‌عنوان مبنایی برای تحقیقات بیشتر باشد.

تعدادی نتیجه‌گیری بر اساس تجزیه و تحلیل ارائه‌شده در اینجا پیشنهاد می‌شود. اول، به نظر می‌رسد یکی از نتایج مطالعه واگنر (۱۹۸۸) این باشد که تحریم‌ها به سادگی نباید با فرکانس زیاد اعمال شوند. نتایج نظری ما به انتظاری مشابه منجر می‌شود. اگر سیاست‌گذاران بدانند که تحریم‌ها به‌ندرت می‌توانند تأثیر داشته باشند (و باید بدانند)، تحریم‌ها باید فقط در مواردی اتفاق بیفتند که در آن‌ها شانس منصفانه‌ای برای «کارکرد» وجود دارد. با توجه به این موضوع، می‌توان انتظار داشت که مطالعاتی که تنها بر اختلافاتی که در آن‌ها تحریم‌ها اعمال شده‌اند متمرکزند، با مشکل جدی سوگیری انتخاب مواجه هستند. این نشان می‌دهد که تحریم‌ها حتی کمتر از آنچه در اکثر تحلیل‌های تجربی قبلی نشان داده شده است، به‌عنوان ابزاری برای سیاست مفید هستند. این مطالعه سعی دارد با گنجاندن موردهای بیشتری به این مشکل بپردازد. نتایج ما شرایط هزینه‌ای را مشخص می‌کند که تحت آن تحریم‌ها باید بیشترین تأثیر را داشته باشند. اگرچه این تأثیر در بهترین حالت، متوسط است، اما شرایطی وجود دارد که تحت آن تحریم‌ها می‌تواند یک استراتژی مفید باشد. نتایج ما همچنین نشان می‌دهد که این واقعیت ممکن است انگیزه‌ای برای برخی از دولت‌ها ایجاد کند تا حتی زمانی که شرایط موفقیت (نسبی) به‌طور کامل برآورده نشده باشد، تحریم‌ها را انجام دهند. با این حال، ظاهراً چنین تلاش‌هایی اغلب به شکست ختم می‌شوند، به این معنی که دولت‌های تحریم‌کننده اغلب بهای تحریم‌ها را به خاطر مزایای اندک یا بدون منافع سیاستی می‌پردازند.

تحریم‌ها می‌توانند تحت شرایط نسبتاً محدودکننده مفید باشند و شاید تأثیر سیاست‌های دیگر را افزایش دهند. با این حال، مگر اینکه بتوان تحریم‌های خاصی را پیدا کرد که هزینه‌های پایینی برای تحریم‌کننده داشته باشد، احتمال زیادی وجود دارد که یک تحریم‌کننده برای نتیجه نسبتاً کمی هزینه گزافی بپردازد. استراتژی‌های تحریمی که هزینه‌های سنگینی را بر کشور هدف تحمیل می‌کنند و درعین حال آسیب کمی به تحریم‌کننده وارد می‌کنند، احتمالاً در اکثر موارد طراحی‌شان دشوار است، و تنها با چنین استراتژی‌ای است که تحریم‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر نتایج اختلافات

## رژیم هوشمند یا...؟

بابک فرزانی

تعداد نیستند. پیش‌بینی سقوط سرمایه‌داری بعد از جنبش وال‌استریت، زمستان سخت اروپا و دادن امتیاز به ایران در مذاکرات هسته‌ای و بسیاری موارد دیگر.

حتی در حوزه امنیتی، نگاهی به روش‌های جنگ روانی و عملیات میدانی رژیم، نشان می‌دهد که همان الگوهای پیشین، تنها در حجم گسترده‌تر بکار گرفته می‌شوند و خلاقیتی در آن‌ها دیده نمی‌شود. ضمن اینکه نگاهی به سابقه رفتار جمهوری اسلامی بعد از هر یک از موج‌های اعتراضی سال‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ نشان می‌دهد که به‌جای به رسمیت شناختن اعتراضات و دلایل آن‌ها، تصحیح ایرادات و ایجاد فرآیندهای جذبی، نظام با رجزخوانی و تحقیر مخالفان، زمینه ریشه‌دار شدن کینه و پتانسیل اعتراضات آینده را فراهم کرده.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت علی‌خامنه‌ای جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک سیستم حکومتی از معنی و ارزش‌های اولیه‌اش (صرف‌نظر از خوب یا بد) خالی و به سیستم شخصی خود تبدیل کرده است. سیستمی که خودرأی است، حاضر به گفت‌وگو، پذیرش اشتباه و طبعاً اصلاح و یادگیری از آن اشتباه نیست. این سیستم در بهترین حالت فریبکار کم‌حافظه است، هوشمند نیست.

۴ نوامبر ۲۰۲۲



درباره بابک فرزانی  
بابک فرزانی، متولد  
۱۳۵۶ تهران و  
کارشناس ارشد

مهندسی صنایع است. او در سال  
۲۰۱۶ به کانادا و شهر مونترال  
مهاجرت کرد. پیش از مهاجرت در  
ایران در اعتراضات جنبش سبز  
شرکت داشته و به گفته‌ی خودش  
به دنبال استقرار دموکراسی در  
ایران است.

روحانیون مبارز، سپس اصلاح‌طلبان) را با اکراه تحمل کرد اما با ایجاد محدودیت‌های زیاد، بازداشت بدنه مطبوعاتی و طرد سران آن باعث از ایجاد شکاف در آن شد به طوری که اندک چهره‌های نزدیک‌تر به قدرت آن به اطلاع‌طلب بی‌اثر یا استمرارطلب بدل گشتند اما عمده نیروهای بدنه اصلاح‌طلبی با نامیدی از اصلاح تبدیل به اپوزیسیون شدند. آن نامیدی امروز به امید به تغییر از طریق براندازی تبدیل شده است. کم‌وبیش همین رویکرد در مواجهه با احمدی‌نژاد و نزدیکانش و در نهایت اعتدالیون (روحانی) و همین‌طور گروهی که به اصولگرایان میانه‌رو معروف‌اند، از جمله لاریجانی‌ها، ناطق نوری و... اتخاذ شد که در مجموع باعث خروج این نیروها از چرخه تصمیم‌گیری شده و به با خروج هر کدام، بخشی از حمایت اجتماعی نظام از دست رفت و اگر نه تبدیل به معارض، حداقل تبدیل به مخالف ساکت گردید. یک سیستم هوشمند، قاعداً باید این نمایش «پلیس خوب - پلیس بد» را حداقل برای مدتی حفظ می‌کرد، در حالی که این موضوع هر دوره یک‌بار مصرف بوده، بنابراین به نظر من اصلاحات نه‌بازارده جمهوری اسلامی، بلکه به دلیل ناتوانیش از پیش‌بینی یا کنترل پیش از وقوع آن اتفاق افتاد.

به‌طور کلی جمهوری اسلامی وارد یک چرخه معیوب ناکارآمدی-بی‌اعتمادی شده که بخشی از آن به دلیل شخصیت علی‌خامنه‌ای است. او به دلیل خود حق‌پنداری مطلق ناشی از بودن در مقام قدرت بدون پاسخگویی برای سال‌های طولانی، خود را بی‌نیاز از اصلاح دانسته و تنها کسانی را در حلقه قدرت حفظ می‌کند که نظرات خودش را انعکاس دهند. از این طریق تنها تأیید شنیده و هیچ تحلیل مستقلی را بر نمی‌تابد. استمرار این روش باعث شده که او در دنیایی غیر از دنیای واقعی سیر کند که در آن خود را در مرکز جهان در اوج اقتدار و در حال ایجاد نظامی نو در جهان ببیند. این وضعیت باعث بروز حدی از خودشیفتگی هم شده است. برشمردن محبوبیت سرود «سلام فرمانده» که در مدح وی سروده شده، به‌عنوان «یکی از دلایل دشمن برای ایجاد اغتشاشات اخیر در ایران» از سوی وی نشان می‌دهد که کیفیت تحلیل‌های سیاسی او و تیم مشاورانش در چه سطحی است. ارائه پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های نادرست از جانب وی و تیمش نیز کم

این روزها تحلیل‌های فراوانی در خصوص استفاده جمهوری اسلامی از روش‌های مختلف برای به انحراف کشاندن مسیر جنبش انقلابی، گروه‌های لابی‌گر در غرب، وجود سوپاپ‌های اطمینان داخلی برای سرگرم کردن مردم و روش‌های پیچیده برای مدیریت افکار عمومی استفاده می‌کند. سؤالی که پیش می‌آید این است: آیا جمهوری اسلامی رژیمی هوشمند است؟

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی به دلیل تجربه چندین مورد اعتراض سراسری و مدیریت میدانی (جمع‌کردن اعتراضات از کف خیابان) آن‌ها، تجربه خوبی در مقابله سخت و نرم با اعتراضات دارد. جمله «ما کارآموده‌ایم» حسین سلامی فرمانده سپاه در هفته‌های ابتدایی جنبش اخیر موید این موضوع است. سرمایه‌گذاری زیاد بر روی روش‌های سرکوب، از جمله ایجاد و تجهیز نهادهای سرکوب فیزیکی و اطلاعاتی، ایجاد و انتشار سیستم‌ها و بدافزارهای جاسوسی و کنترل اطلاعات، پاسگان سایبری و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به‌منظور اثرگذاری روی جریان‌های فکر و هم‌زمان شناسایی عوامل تأثیرگذار در آن فضا با حمایت مستقیم سپاه، بسیج و حالا قوای سه‌گانه هم، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی مطالعه و آمادگی خوبی برای برخورد با جنبش‌های اعتراضی دارد. اما آیا می‌توان این هوشمندی را به کل روش حکومت‌داری جمهوری اسلامی تعمیم داد؟

نگاهی به استراتژی کلی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این رژیم با قائل شدن نقش رهبری جبهه حق علیه باطل، خود را در پیشانی نبرد با استکبار جهانی می‌بیند. این نگاه تنها به عرصه بین‌المللی محدود نیست، بلکه در داخل هم همین نگاه حاکم است. آقای خامنه‌ای به خود حق‌پنداری، هر دیدگاه مخالفی را در جبهه باطل دیده و طبعاً با آن وارد مذاکره نمی‌شود، بلکه با آن به مبارزه برمی‌خیزد و دستور به حذف آن می‌دهد. «علف‌هرز»، «خس و خاشاک» یا «مگس» خواندن مخالفان توسط آقای خامنه‌ای و همفکرانش نشان‌دهنده بی‌مقدار دانستن آنان و این دیدگاه حذفی است. این نگاه هیچ تفکر زاویه‌دار با خط فکری مقام عظمای ولایت را بر نمی‌تابد و آن را حذف می‌کند.

حکومت ابتدا گروه‌های اصطلاحاً چپ (مجمع

**BMO**  **Bank of Montreal**

**مهرداد مرادخانی**  
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره  
و  
در سریع ترین زمان ممکن  
در سرتاسر کانادا

**514-834-8053**  
mehrdad.moradkhani@bmo.com

Top Performer  
of years  
2020 & 2021

**ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.**

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری**  
**با توجه به انتخاب شما**

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و انفرادی  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri  
(514-562-3493)  
CPA Candidate

Iraj Mohammadi  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.  
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>  
[info@elanaccounting.ca](mailto:info@elanaccounting.ca)

**دریچه مهاجرت**

**سهیل احمدی**  
مشاور رسمی مهاجرت به کانادا

عضو انجمن مشاورین رسمی مهاجرت کانادا

**CICC**  **CCIC**

کلیه خدمات مهاجرتی و شهروندی کانادا از طریق تخصص، کار،  
تحصیلی، دانش آموزی، سرمایه گذاری، پناهندگی و الحاق خانواده  
با تعیین وقت قبلی

**www.ImmigrationDoor.com**

لغات مستقیم از ایران با دفتر کانادا

ImmigrationDoor

+1 (514) 232-1326 +1 (514) 748-0949

4055 Rue Saint-Catherine, Unit 165, Westmount, Montreal H3Z 3Z6

**Century 21**  
Century 21 Unique

**نینوس گیورگیزنیا**  
مشاور ارشد املاک در کانادا

عضو دائمی کانون بین المللی مهندسان نقت

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره
- املاک مسکونی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و بیزنس
- با ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک

Ninous Givargiznia B.Sc  
Professional Real Estate Broker  
(514) 816-4080  
ngivargiznia@gmail.com

Amelie Wang  
Real Estate Broker Residential  
(514) 916-1151  
hongshan.wang@century21.ca

[www.Century21.ca/ninous.givargiznia](http://www.Century21.ca/ninous.givargiznia)  
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9





سیاست  
اقتصاد  
جامعه

## در دسر بلوک افراطی اسرائیل برای جهان غرب

قاعداً اجرای هر یک از این سیاست‌ها، تکانه‌های شدیدی در داخل جامعه‌ی اسرائیل ایجاد می‌کند و سبب صف‌آرایی گروه‌های معترض در برابر بلوک راست افراطی می‌شود.

همه‌ی این‌ها اما حمایت دولت‌ها و نهادهای ذی‌نفوذ غربی از اسرائیل را با چالش بی‌سابقه‌ای روبرو می‌کند. آیا این کشورها می‌توانند چشم بر اقدامات دولت افراطی تحت رهبری نتانیاهو ببندند و یا رفتار آن را به‌عنوان «دولتی انتخابی و برآمده از رأی آزاد اسرائیلی‌ها» توجیه کنند؟ چنین اتفاقی قطعاً مایه‌ی ننگ و رسوایی است چراکه چنین اقدامی، ادعای دفاع این کشورها از «حقوق بشر» را به‌کلی بی‌اعتبار و کاملاً ساختگی و ریاکارانه می‌کند و مهم‌تر از آن اینکه، جامعه‌ی یهودیان روشنفکر و لیبرال و چپ‌گرا در داخل و خارج اسرائیل اجازه‌ی آن را نخواهند داد.

از این‌رو، دولت‌های اروپایی و آمریکا ناچارند به‌صفت منتقدان و مخالفان دولت راست‌گرای نتانیاهو بپیوندند. پرسش بعدی اما این است که انتقاد و مخالفت آن‌ها با دولت نتانیاهو آیا در چارچوب نقدهای لفظی محدود می‌ماند و یا به اقدامی عملی نیز منجر می‌شود؟

اقدام عملی علیه اسرائیل اما به‌سادگی از کشورهای غربی برنمی‌آید. آن‌ها همیشه «حفظ امنیت اسرائیل» را تحت عنوان «خط قرمز عبورناپذیر خود»، بهانه‌ای برای چشم‌پوشی بر اشغالگری و سیاست زورگویانه‌ی دولت‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین قرار داده‌اند و عملاً دست راست‌گراها برای توسعه‌ی توقف‌ناپذیر شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه‌ی باختری و بیت‌المقدس شرقی را باز گذاشته‌اند.

با این حال، از آنجا که اقدامات بلوک راست‌گرا و مذهبی در دولت آینده‌ی اسرائیل، فقط متوجه فلسطینی‌ها و عرب‌های ساکن اسرائیل نیست و تقریباً نیمی از جمعیت یهودیان جهان را نیز هدف قرار می‌دهد، بنابراین، دولت‌های غربی امکان محدود کردن مخالفت خود با دولت نتانیاهو

آنان، کرانه‌ی باختری رود اردن که آن را «یهودیه و سامریه» می‌نامند، قلب میراث تاریخی قوم یهود است و اسرائیل در هیچ شرایطی نباید از سلطه‌ی بر آن صرف‌نظر کند. آن‌ها در درجه‌ی نخست، ترک این سرزمین از سوی فلسطینی‌ها را بر هر گزینه‌ی دیگری ترجیح می‌دهند اما چون عملی شدن این گزینه امری غیرممکن است، خواستار الحاق حدودی نیمی از کرانه‌ی باختری به خاک اسرائیل و محدود کردن فلسطینی‌ها در شهرها و آبادی‌های پراکنده و تحت محاصره‌ی شهرک‌های یهودی‌نشین، بدون برخورداری از هر درجه‌ی استقلال و حاکمیت و تابعیت هستند!

به عبارت روشن‌تر، بلوک راست‌گرا، نه به استقلال کرانه‌ی باختری تن در می‌دهد و نه خواهان اعطای حق رأی به مردم این ناحیه در کشوری از رود اردن تا دریای مدیترانه است. آن‌ها حامی اعمال یک نظام تبعیض‌نژادی رسمی یا همان آپارتاید بر فلسطینی‌ها هستند. مشخص است که نظام آپارتاید رسمی هیچ‌گونه سختی با ارزش‌های دموکراتیک ندارد هرچند که بلوک راست‌گرا می‌کوشد آن را تحت عنوان اصول دموکراسی توجیه کند!

از نگاه راست‌گرایان اسرائیلی، دموکراسی فقط در «انتخابات آزاد» خلاصه می‌شود و به زعم آنان هر نیرویی که از طریق انتخابات، اکثریت کرسی‌های پارلمان را به چنگ آورد، از حق اجرای برنامه‌های خود با هر کیفیتی برخوردار می‌شود. از همین رو، آنان نه فقط به دنبال اعمال نظام آپارتاید بر کرانه‌ی باختری‌اند، بلکه برنامه‌هایی را نیز برای محدود کردن حقوق «اعراب تبعه‌ی اسرائیل»، گروه‌های صلح‌طلب، شهروندان سکولار، جامعه‌ی یهودیان مذهبی لیبرال و محافظه‌کار و جمعیت اصطلاحاً هم‌جنس‌خواه را در سردارند. آن‌ها برای اعمال این محدودیت‌ها، تغییر «نظام قضایی» اسرائیل را لازم می‌دانند، نظامی که بر مبنای اصول سکولاریسم بنیان نهاده شده و به باور بسیاری از ناظران، مهم‌ترین ضامن حقوق شهروندی یهودیان به شمار می‌رود.

پیروزی جناح مذهبی و راست افراطی اسرائیل در انتخابات پارلمانی این کشور، دولت عبری را در موقعیت تاریخی دردسرسازی قرار داده است.

چنانچه بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود، دولت آتی خود را به ائتلاف با حزب صهیونیست مذهبی و دو حزب ارتدوکس شاس و یهودیت توراتی محدود کند، در آن صورت چه اتفاقی در انتظار اسرائیل خواهد بود؟

به نظرم نخستین اتفاق، در موقعیت بین‌المللی اسرائیل رخ خواهد داد.

اسرائیل خود را با ماهیت «دولت دموکراتیک یهود» معرفی می‌کند. گرچه این عنوان در ذات خود خالی از تناقض نیست، اما بسیاری از یهودیان اسرائیلی، آن را به معنای کشوری دموکراتیک با اکثریت قاطع جمعیت یهودی تفسیر می‌کنند و به همین علت نیز خواهان جدایی جمعیت عرب ساکن سرزمین‌های اشغالی کرانه‌ی باختری از اسرائیل، به‌منظور تضمین اکثریت جمعیت یهودی و ادامه‌ی سازوکار دموکراتیک در داخل اسرائیل هستند. به‌عبارت‌دیگر، آنان خواهان تشکیل کشوری مختص فلسطینی‌ها در کرانه‌ی باختری‌اند تا دو ویژگی موردنظر آنان برای اسرائیل تأمین و تضمین شود.

اصرار بر ویژگی دموکراتیک اسرائیل، مهم‌ترین دلیل اعلام‌شده‌ی کشورها و نهادهای جهان غرب برای دفاع و حمایت از اسرائیل است. آنان اسرائیل را تنها کشور دموکرات خاورمیانه و حافظ ارزش‌های عصر روشنگری می‌دانند و با تکیه بر همین دستاویز، با تمام قوا از «دولت عبری» حمایت می‌کنند.

به قدرت رسیدن بلوک راست‌گرا و مذهبی در اسرائیل اما تقریباً تمام آنچه را که دولت‌های غربی به‌عنوان «ارزش‌های دموکراتیک» در اسرائیل معرفی می‌کنند، به خطر می‌اندازد. حزب صهیونیست مذهبی و طیف گسترده‌ای از متحدان لیکودی آن، اساساً هیچ حقی برای ساکنان فلسطینی کرانه‌ی باختری و بیت‌المقدس شرقی قائل نیستند. از نگاه

# تشدید تنش در جامعه ایرانیان تورتو در بحبوحه تلاش برای افشای وابستگی رژیم اسلامی

« از آغاز خیزش اعتراضی مردم ایران که در پی کشته شدن مهسا امینی در بازداشت پلیس ارشاد تهران کلید خورد، شهر تورتو صحنه تظاهرات متعددی علیه رژیم ایران بوده است اما این روزها در جامعه ایرانیان تورتو، تنش بین مخالفان رژیم ایران و طرفداران جمهوری اسلامی افزایش یافته است.



در حالی که قیام مردمی در ایران با گذشت نزدیک به دو ماه همچنان ادامه دارد، در دیاسپورای ایرانی ساکن تورتو، تنش بین هواداران رژیم آخوندها و آنهایی که سرنگونی این رژیم را آرزو می‌کنند، بالاگرفته است. برخی فعالان ضد رژیم ایران در تورتو تصمیم گرفته‌اند وابستگی رژیم تهران را که با برخورداری از امکانات و امتیازات دولت کانادا با خیال راحت در رفاه و آسایش کامل در این کشور زندگی می‌کنند، در فضای مجازی معرفی و رسوا کنند.

## شکار ساحره‌ها

یک زن جوان ایرانی با نام مستعار مرجان که از بیم اقدامات کینه‌توزانه و به خطر افتادن جان خانواده‌اش در ایران هویت واقعی خود را افشا نمی‌کند، از ادامه این وضع خسته شده و خودش برای شناسایی و رسواکردن طرفداران رژیم ایران مستقر در کانادا دست‌به‌کار شده است. این زن ایرانی برای فرار از سرکوب به کانادا پناه آورده و در تورتو مستقر شده است.

مرجان می‌گوید پس از ورود به کانادا، فاصله خود را با جامعه ایرانیان حفظ کرده است. با این حال، خیزش اخیر در ایران شعله‌های امید را در دل او روشن کرده است. او در حساب اینستاگرام خود Opiran, Toronto، نزدیکان و طرفداران رژیم یا خانواده‌های آن‌ها را که به گفته او آزادانه و در رفاه کامل در کانادا زندگی می‌کنند، رسوا می‌کند.

زن جوان ایرانی می‌گوید: «ما در عرصه قانونی کار زیادی نمی‌توانیم انجام دهیم، اما با شناسایی و افشای وابستگی رژیم، می‌توانیم به گونه‌ای عمل

بهره‌مند هستند و با برخورداری از امکانات زندگی

## کانادا، بهشت هواداران رژیم ایران

محمد تاج‌دولتی می‌گوید شکی نیست که حضور هواداران رژیم ایران در کانادا از آغاز قیام مردمی در ایران، تنش‌ها را بین اعضای جامعه ایرانیان تورتو تشدید کرده است. در ایران هم خیلی‌ها می‌گویند کانادا به بهشت طرفداران جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، ۲۹ اکتبر امسال در سخنانی که دیاسپورای ایرانی از مدت‌ها پیش از او انتظار داشت، تأکید کرد اتاوا تحریم و فشار علیه رژیم ایران و رهبران آن را حفظ خواهد کرد.

ترودو تأکید کرد: «ما می‌دانیم که امروز در کانادا افرادی وجود دارند که از این رژیم ترسناک و فاسد بهره‌مند هستند و با برخورداری از امکانات زندگی

در «دایره‌ی الفاظ» را ندارند و چنانچه دست به اقدامی عملی نزنند با اعتراض جمعیت‌های یهودی بخصوص یهودیان مذهبی لیبرال که خود ۷۰ درصد یهودیان آمریکا را شامل می‌شود، روبرو خواهند شد.

با این‌همه، اقدام عملی کشورهای غربی علیه اسرائیل که بالقوه یک سلسله محدودیت‌های سطحی دیپلماتیک و یا تحریم نرم اقتصادی علیه تولیدات شهرک‌های یهودی‌نشین را در بر خواهد گرفت، شکافی بحران‌زا در بین جوامع یهودی از یک طرف و دولت‌های غربی و راست‌گرایان اسرائیلی از طرف پدید می‌آورد که آثار آن می‌تواند کل نظم موجود در روابط همه‌ی طرف‌های ماجرا را به هم بریزد و وضعیتی بی‌نهایت دشوار برای اسرائیل رقم بزند.

از همین رو، دولت آمریکا برای پیشگیری از وقوع چنین سناریویی احتمالاً در پشت‌صحنه خواهد کوشید تا سایر احزاب اسرائیلی را برای چشم‌پوشی از خطوط قرمز اعلام‌شده‌ی خود برای عدم ائتلاف با نتانیاهو متقاعد کند تا دولتی کم‌بیش قابل کنترل در اسرائیل شکل گیرد.

نتانیاهو اما ظاهراً به راه دیگری برای پیشگیری از بحران در دولت آتی خود می‌اندیشد. او درصدد پرت کردن حواس جامعه‌ی جهانی از عملکرد خود با ایجاد بحرانی سهمگین در نقطه‌ای دیگر از خاورمیانه است. نقطه‌ی موردنظر نتانیاهو بدون تردید ایران است. او امیدوار است بحران در ایران چنان ابعاد بین‌المللی گسترده‌ای به خود بگیرد که جامعه‌ی جهانی امکان کمترین توجهی به اسرائیل نداشته باشد. از این رو، او به محض ورود به دفتر نخست‌وزیری، مسئله‌ی ایران را به‌عنوان «بزرگ‌ترین تهدید جهانی» چنان در بوق و کرنا خواهد کرد و بر لزوم تشدید تحریم‌ها و گزینه‌ی نظامی چنان پای خواهد فشرد که مجالی برای پیگیری عملکرد دولت خودش باقی نماند!



درباره نویسنده

احمد زیدآبادی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر

سیاسی ساکن تهران است

که با رسانه‌های گوناگون

همکاری دارد. یادداشت‌های زیدآبادی

از آغاز سال ۲۰۲۱ به طور ثابت و یک

هفته در میان درباره مهم‌ترین مسائل مطرح

سیاسی ایران، در هفته منتشر می‌شود.





➤ کشته شدن مهسا امینی در شانزدهم سپتامبر در بازداشت گشت ارشاد تهران، موجی از اعتراض علیه رژیم به راه انداخت و موجب شکل‌گیری جنبش «زن، زندگی، آزادی» شد که شعار آن خیلی زود به سراسر جهان گسترش پیدا کرد.



➤ محمد تاج‌دولتی یک روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی است که از ۳۰ سال پیش در تورنتو زندگی می‌کند و اخبار مهاجران ایرانی را پوشش می‌دهد.

منطقه می‌گویند از شکاف‌هایی که اتفاقات اخیر در میان مهاجران ایرانی منطقه تورنتو بزرگ به وجود آورده است، آگاه هستند.

محمد تاج دولتی می‌گوید: «تنش‌ها همیشه در جامعه ایرانیان تورنتو به شکلی نامحسوس وجود داشته است. طرفداران هر دو ایدئولوژی کنار هم زندگی می‌کنند اما این بار، ترس از اردوگاه مخالفان رژیم رخت بر بسته و به اردوگاه مقابل نقل مکان کرده است.»

آقای تاج دولتی می‌گوید: «مردمی را که امروز در خیابان‌ها می‌بینید، قبلاً به علت ترس در تظاهرات ضد رژیم شرکت نمی‌کردند چراکه انتشار عکس آن‌ها در چنین رویدادهایی می‌توانست رفت‌وآمد آن‌ها به ایران را مشکل کند یا شرایط زندگی را برای خانواده‌هایشان در ایران پیچیده کند.»

این روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی تأکید کرد: «اما این روزها اوضاع در ایران آن قدر بد، آن قدر سخت و آن قدر غیرانسانی است که این افراد با خود می‌گویند دیگر بس است. من می‌خواهم در اعتراضات شرکت کنم و به‌عنوان یک انسان و به‌عنوان یک ایرانی به وظیفه‌ام عمل کنم.»

خبرنگار رادیو کانادا تلاش کرد درباره اتفاقات اخیر با مسئولان دولت فدرال و مسجد امام مهدی گفت‌وگو کند اما هیچ‌کدام به درخواست ما پاسخ ندادند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا



➤ مرجان یک حساب کاربری اینستاگرام راه‌اندازی کرده و هرروز عکس‌ها و استادی را درباره نزدیکان و وابستگان رژیم ایران و خانواده‌های آن‌ها که در کانادا زندگی می‌کنند، منتشر می‌کند.



➤ شعارهای علیه رژیم ایران بر روی دیوارهای مسجد مرکز اسلامی امام مهدی در تورن هیل نوشته شد اما این شعارها به‌سرعت با رنگ محو شدند.

ایرانی‌نشین در شمال تورنتو واقع شده است، یک قضایی هدف اقدامات خرابکارانه قرار گرفته و در فضای مجازی نیز از طرف کاربرانی که مالک آن را وابسته به رژیم ایران می‌دانند، با پیام‌های تهدیدآمیز و ارباب‌انگیز مواجه شده است. به همین ترتیب شعارهایی مثل «مرگ بر آخوند» یا «مرگ بر دیکتاتور» به زبان فارسی بر روی دیوارهای مرکز اسلامی امام مهدی در تورن هیل در شمال تورنتو نوشته شده است. مسئولان این مرکز به‌سرعت هرگونه تعلق یا گرایش سیاسی را انکار کرده‌اند.

همچنین طبق ویدئویی که در شبکه واتس‌آپ به شکلی گسترده به اشتراک گذاشته شده است، فعالان مخالف رژیم ایران در مقابل همین مسجد پلاکاردهایی با تصویر مهسا امینی گذاشته بودند که البته به‌سرعت جمع‌آوری شدند.

همین‌جا بود که یک راننده پیش از آن‌که توسط پلیس بازداشت شود، تلاش کرد تظاهرکنندگان مخالف رژیم ایران را زیر بگیرد. این فرد پیش از آن در شبکه‌های اجتماعی پیام‌هایی در حمایت از علی خامنه‌ای رهبر ایران منتشر کرده بود.

پلیس منطقه‌ای یورک که این منطقه را در حوزه استحقاقی خود دارد، می‌گوید نگران افزایش احتمالی اقدامات نفرت‌محور در ارتباط با رویدادهای ایران نیست. باین‌حال مسئولان پلیس



➤ ترودو به ایرانی‌ها اطمینان داد که اتاوا در حمایت از ملت ایران عقب نخواهد نشست.



➤ «پلازا ایرانیان» شامل چندین مغازه و سوپرمارکت ایرانی در امتداد خیابان یانگ در شمال تورنتو

کنیم که مردم روابط یا خریدوفروش خود را با آن‌ها قطع کنند. وقتی این افراد را اینجا در کانادا می‌بینم، عصبانیت و استرس همه وجودم را فرا می‌گیرد. من آن‌ها را در نزدیکی خانم یا در خیابان می‌بینم. بچه‌هایشان را می‌بینم که آزادانه در اینجا بازی می‌کنند درحالی‌که من از این نعمت در کشورم محروم بودم و این مرا به‌شدت عصبانی می‌کند.»

آقای تاج دولتی باینکه عصبانیت هم‌وطنان خود از قبیل مرجان را درک می‌کند، نگران برخی حوادث و سوءاستفاده‌هایی است که برخی اقدامات آن‌ها مثل افشاگری هویت و تقبیح این افراد در فضای مجازی می‌تواند به همراه داشته باشد. به همین علت او می‌گوید باید خیلی مراقب باشیم چراکه در یک کشور قانونمند زندگی می‌کنیم و باید بدانیم که به‌راحتی نباید به کسی اتهام و افترا بزنیم.

### تنش‌ها تشدید شده و دیوار ترس فروریخته است

اما فراتر از افشاگری‌ها و محکوم کردن‌ها در فضای مجازی، تنش‌ها در جامعه ایرانیان تورنتو نیز ملموس شده است. محله‌ای ایرانی‌نشین در شمال تورنتو که به علت جمعیت زیاد ایرانیان به «تهران کوچولو» شهرت پیدا کرده، از آغاز اعتراضات در ایران شاهد افزایش برخی حوادث بوده است. درست روبروی «پلازا ایرانیان» که در قلب محله‌ای



## آیا مونترال آمادگی و ظرفیت پذیرش مهاجران بیشتر را دارد؟

تشدید خواهد کرد. با این حساب آیا بهتر نیست جذب مهاجران ماهر و باتجربه در بخش‌های کلیدی مثل بهداشت و درمان، آموزش و ساخت و ساز را هدف قرار دهیم؟ آقای بودریات اقتصاددان و کارشناس ادغام مهاجران در بازار کار با این مسئله موافق است اما به گفته او، بین مهاجرانی که امروز انتخاب می‌کنیم و تا دو سال دیگر زودتر وارد کشور نمی‌شوند، و واقعیت‌های بازار کار که به سرعت در حال تغییر و تحول است، شکاف قابل توجهی وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بنابراین لازم است که سیستم مهاجرتی کانادا با واقعیات بازار منطبق شود و با شناسایی دقیق مهاجرانی که می‌توانند به سرعت نیازهای موجود در بازار کار را پر کنند، برای جذب و ادغام سریع آن‌ها وارد عمل شود. در این میان حفظ زبان فرانسوی نیز یکی از اولویت‌های مهم و انکارناپذیر کبک است و به همین علت گفته می‌شود دولت فرانسوا لوگو برای پذیرش مهاجران بیشتر مطابق با طرح دولت فدرال، شرط و شروطی گذاشته که محور آن را جذب مهاجران فرانسوی زبان تشکیل می‌دهد. در همین ارتباط یک منبع آگاه به ژورنال دو مترو اعلام کرد که دولت کبک در حال بررسی طرح‌ها و پیشنهادهای مختلفی در این زمینه است. یکی از این طرح‌ها، ایجاد یک مقوله مهاجرتی جدید برای دانشجویان و کارگران موقتی است که همین حالا نیز در کبک حضور دارند.

منبع: وبسایت شبکه خبری به نقل از ژورنال دو مترو

نیروی کار روبرو هستیم. مسئولان می‌گویند هدف مهاجرت رفع نیازهای بازار کار است اما نیازی که ما در بخش مسکن داریم، بسیار فوری است و ورود مهاجران جدید آن را تشدید خواهد کرد. اما برخی کارشناسان در این باره نظر متفاوتی دارند. شان استریکلند، مدیر اجرایی اتحادیه‌های مشاغل بخش ساخت و ساز می‌گوید: «تاریخ گواه است که ما به لطف مهاجرت توانسته‌ایم نیروی کار خود را تامین کنیم و زیرساخت‌های کانادا را گسترش دهیم.» شان فریزر، وزیر مهاجرت فدرال، نیز با انتشار پیامی توثیتری تاکید کرده است که کانادا برای تقویت نیروی کار و پر کردن خلاءهای مهارتی به منظور حفظ توان رقابتی خود در بازار قرن بیست و یکم، پتانسیل‌های لازم را برای جذب استعدادها از سراسر جهان دارد.

پییر فورتن، اقتصاددان و استاد دانشگاه کبک مونترال (UQAM) در گزارش جدیدی که به وزارت مهاجرت، فرانسوی‌سازی و ادغام کبک (MIFI) ارائه شده، تاکید کرده است سیاستی که دولت فدرال در زمینه مهاجرت دنبال می‌کند، نتایج اقتصادی قانع کننده‌ای را از نظر سطح زندگی، پیری جمعیت و حل معضل کمبود نیروی کار به بار نیاورده است. مارک ترموت، جمعیت‌شناس متخصص در علوم مهاجرت نیز در این باره می‌گوید بالا بردن سقف مهاجرت، می‌تواند در کوتاه مدت برخی مشکلات را در بخش‌های خاصی مانند رستوران داری حل کند اما در دراز مدت، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلات موجود را بیشتر خواهد کرد و میزان تقاضا را در برخی بخش‌ها مثل بهداشت و درمان که همین حالا نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد،

در حالی که دولت فدرال به منظور «تامین نیازهای اقتصاد کشور» سقف مهاجرت را بالا برده و برای پذیرش ۵۰۰ هزار ساکن دائمی جدید در سال ۲۰۲۵ برنامه ریزی کرده است، سوال این است که آیا مونترال به عنوان یکی از اصلی‌ترین مقاصد مهاجران جدید، آمادگی و ظرفیت‌های لازم را برای تغییر این سیاست دارد؟

مارتین هیلر، سخنران و فعال فرهنگی در سازمان «زمان یک وقفه» که در امور مربوط به پذیرش مهاجران نیز تجارب زیادی دارد، می‌گوید اولین مسئله نگران کننده در این بحث، مسئله کمبود مسکن است. خانم هیلر با استناد به گزارش اخیر انجمن متخصصان ساخت و ساز و مسکن کبک (APCHQ) تاکید کرد در کلانشهر مونترال فقط برای رفع نیازهای فعلی باید دست کم ۶۰ هزار واحد مسکونی ساخته شود.

براهیم بودریات، استاد دانشگاه مونترال، اقتصاددان و کارشناس ادغام مهاجران در بازار کار، می‌گوید: «افزایش پذیرش مهاجران چالشی بزرگ برای بخش مسکن مونترال ایجاد خواهد کرد. پذیرش شمار زیادی از مهاجران بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر در سال که معادل جمعیت یک شهر متوسط است، قطعاً بحران بخش مسکن مونترال را که همین حالا نیز وضعیت وخیمی دارد، تشدید خواهد کرد. عرضه مسکن باید با آهنگ ورود مهاجران جدید همخوانی داشته باشد در غیر این صورت شاهد انفجار تقاضا در این بخش خواهیم بود و این مسئله نیز به نوبه خود بر قیمت خانه و همچنین اجاره بها تبعات منفی زیادی خواهد داشت. همین حالا نیز در مونترال در بخش ساخت و ساز با کمبود



» به نظر تیف مک‌کلم، زمستان سختی در پیش است و روند افزایش نرخ بهره تا سه‌ماهه دوم سال آینده ادامه خواهد داشت.

## زمستان سختی در راه است!

جاری \_ در ماه دسامبر \_ تنها بیست‌وپنج صدم درصد به نرخ کنونی اضافه کند. به دنبال افزایش مجدد نرخ بهره، بانک مرکزی تخمین می‌زند اقتصاد کانادا در سه‌ماهه اول و دوم سال ۲۰۲۳ رشد نکند و نرخ رشد اقتصاد صفر باشد. به همین ترتیب، پیش‌بینی می‌شود نرخ بیکاری نیز در خلال این مدت افزایش پیدا کند ولی شاید نه به اندازه یک رکود شدید و بزرگ. بانک مرکزی این هفته در تاریخ ۱۶ نوامبر گزارش مربوط به تورم ماه اکتبر را منتشر خواهد کرد. بنا بر نظر کارشناسان، احتمالاً در این گزارش، تورم ماه اکتبر نسبت به ماه سپتامبر اندکی بیشتر ثبت خواهد شد ولی این مقدار از اوج تورم یعنی هشت و یک دهم درصد در ماه ژوئن کمتر خواهد بود. یکی از دلایل افزایش تورم ماه اکتبر افزایش بهای سوخت بود. پس از مشاهده این تورم، بانک مرکزی درنگ نخواهد کرد و باز هم نرخ بهره با بالاتر خواهد برد. ممکن است میزان افزایش نرخ بهره این بار بالا نباشد ولی همان مقدار کم نیز بر میزان بازپرداخت وام‌های مسکن \_ با نرخ متغیر \_ تأثیر خواهد گذاشت.

مردم ایجاد کنند چرا که بانک مرکزی که با اجرای سیاست‌های دولت مشغول کار کردن در جهت منافع مردم است به یک‌باره با اتخاذ چند تصمیم سخت بتواند زندگی آن‌ها را از حالت طبیعی خارج و حتی فلج کند. از ماه مارس تا امروز، بانک مرکزی شش بار نرخ بهره بانکی را افزایش داده و این مقدار را از بیست‌وپنج صدم واحد به سه و هفتادوپنج درصد رسانده است. اما این انتهای کار نیست و احتمالاً تا آخر امسال یک‌بار دیگر شاهد رشدی کوچک در نرخ بهره بانکی باشد.

با وجود اینکه دلیل افزایش نرخ بهره کاهش و مهار تورم است \_ که در نهایت ضروری و به نفع اقتصاد و همه مردم است \_ اما خود در حال حاضر برای خانواده‌هایی که از وام‌هایی با بهره متغیر استفاده می‌کنند فشاری مضاعف، به‌ویژه در میزان بازپرداخت بدهی‌هایی با سود متغیر ایجاد کرده است. به نظر آقای مک‌کلم و بانک مرکزی، با توجه به شرایط حال حاضر اقتصاد کشور باید باز هم اندکی نرخ بهره را افزایش داد و انتظار می‌رود این تغییرات نسبت به دفعات پیشین ناچیزتر باشد و بانک مرکزی در سال

یکی از کاربردهای اصلی بانک مرکزی کمک به اقتصاد، شهروندان و کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ در پیچ‌وخم بحران‌ها و مشکلات مالی است. در شرایط سخت و بحرانی، یکی از کارهای بانک مرکزی کاهش نرخ بهره با هدف رونق دادن به اقتصاد و بازار است. همچنین بانک مرکزی در برخی موارد با برقرار کردن تعادل میان خرید و فروش اوراق قرضه دولتی و حتی چاپ اسکناس به اقتصاد کشورها در شرایط بحرانی یاری می‌رساند و باعث تند شدن موتور رونق اقتصادی یک کشور می‌شود. اما نباید این نکته را فراموش کرد که این روند ممکن است پس از اتمام بحران و با هدف بازگشت به شرایط نرمال معکوس شود و بانک مرکزی که تاکنون در خدمت رشد و نمو اقتصادی در بازار بوده بنا به دلایلی همچون افزایش نرخ تورم تصمیم به معکوس کردن شرایط بگیرد. در این حالت، بانک مرکزی که برای کنترل تورم مجبور است نرخ بهره را بالاتر ببرد عملاً موتور حرکت اقتصادی را از حرکت بازمی‌دارد. این کار به گفته تیف مک‌کلم رئیس‌کل بانک مرکزی کانادا ممکن است احساس متناقضی در ذهن



متفاوت است و نباید نسخه پنجاه سال گذشته را برای مشکلات امروز تجویز کرد. در آن زمان همزمان با افزایش تورم و گران تر شدن کالاها دستمزدها نیز افزایش می‌یافتند. این در حالی است که دستمزدهای امروز از رقابت با روند سریع و رو به رشد تورم عاجزند. از سوی دیگر درآمد شرکتها در دهه هفتاد میلادی رو به کاهش بود و در اقتصاد امروز شاهد رقمها و رکوردهای عجیب سود و درآمد در میان شرکتها هستیم. بنابراین به نظر این دسته از کارشناسان، شرایط امروز نسبت به دهه هفتاد میلادی کاملاً متفاوت و حتی بالعکس است و نمی‌شود \_ و نباید \_ از فرمول مهار تورم آن زمان برای اقتصاد امروز استفاده کرد. به نظر کارشناسان منتقد بانک مرکزی، تورم در موارد اصلی مهار شده و روندی کاهشی به خود گرفته است. این در حالی است که زنجیره عرضه کالا نیز بحران همه‌گیری را پشت سر گذاشته و در حال بازیابی و ترمیم است. از سوی دیگر قیمت جهانی بسیاری از کالاها شکسته شده و کاهش پیدا کرده است. بنابراین در چنین شرایطی که احتمالاً تورم در سراسری سقوط قرار گرفته است باید کمی درنگ کرد و شرایط را سنجید. نه اینکه پشت سرهم و بدون مطالعه و بررسی آثار افزایش نرخ بهره کماکان به این کار همت گماشت!

### کاهش تورم در آمریکا

طبق آخرین گزارش تورم در آمریکا دوباره به هفت و هفت دهم درصد رسید که با وجود اینکه نسبت به داده‌های پیشین کماکان مقدار بزرگ و قابل توجهی است اما کمترین مقدار از ماه ژانویه ۲۰۲۲ تا کنون است. با این وجود بهای کالاهای بسیاری در آمریکا با شدت زیاد در حال افزایش است. به‌عنوان مثال قیمت مواد غذایی در این کشور تنها در سال گذشته حدود ۱۱ درصد و قیمت بنزین و سوخت حدود ۱۷ درصد افزایش یافته است. اگر به نمودار رشد تورم در آمریکا بنگریم و آن را با نمونه کانادایی مقایسه کنیم به شکل شگفت‌آوری این دو نمودار به‌ویژه در دوران کرونا به یکدیگر شبیه هستند. به همین دلیل است که سیاست‌های اتخاذ شده و افزایش نرخ بهره در بانک مرکزی کانادا نیز تا حد زیادی با هم‌تای آمریکایی مشابه است. منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا



➤ به نظر برخی کارشناسان اقتصادی، بانک مرکزی در حال اجرای همان روشی است که در مورد رکود و تورم دهه هفتاد و هشتاد مورد استفاده قرار گرفته بود.

### مردم از وضعیت اقتصادی خسته شده‌اند.

با خروج از بحران همه‌گیری و آسیب‌های روحی، جسمی و اقتصادی که این بحران به جامعه وارد کرد، اکنون مردم با بالا رفتن تورم و رشد سریع نرخ بهره مواجه شده‌اند که موجب شده گذران زندگی برای بخش مهمی از جامعه دشوارتر از پیش باشد. حال اخبار بد مربوط به رکود پیش رو یا بالا رفتن نرخ بیکاری را نیز به این مجموعه اضافه کنید. طبیعی است که باعث دلسردی و نگرانی خواهد شد. اما رئیس‌کل بانک مرکزی آقای مک‌کلم نظر دیگری دارد. به نظر وی رکودی ملایم در پیش است و نرخ بیکاری در چند ماه آینده با شیب کم افزایش خواهد یافت و روند افزایش نرخ بهره نیز با کاهش نرخ تورم به‌زودی متوقف خواهد شد. وی به این نکته اشاره کرد که از سخت‌تر شدن شرایط برای خانواده‌های کانادایی آگاه است و به اقتصاد کشور در آینده نزدیک خوش‌بین است. بنا به نظر تحلیلگران بانک مرکزی اگر با روند

صعودی نرخ بهره نشود به‌زودی جلوی تورم را گرفت تمام زحمات و افزایش نرخ‌ها ممکن است بی‌اثر شود. بنابراین حالا که تا میانه کار جلوآمده‌ایم باید با شدت تورم را مهار کرد وگرنه ممکن است آینده برای این کار دیر باشد و حتی مجبور به افزایش نرخ بهره تا حدی غیرقابل‌باور شویم. پس بهتر است به‌زودی نتیجه بگیریم تا زحمات و سختی‌هایی را که کانادایی‌ها در این دوران تحمل کرده‌اند بی‌اثر و خنثی نشود.

### انتقاد برخی کارشناسان اقتصادی به روند کنونی

برخی از کارشناسان اقتصادی رویه‌ای را که بانک مرکزی در پیش گرفته است موردانتقاد قرار می‌دهند. این دسته از اقتصاددانان معتقدند بانک مرکزی در حال پیاده کردن یک استراتژی خروج از تورم است که در دهه هفتاد و هشتاد از آن استفاده شد. به نظر این کارشناسان شرایط امروز اقتصاد با آن دوران



## اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات  
در کوتاه‌ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.autoshemiran.com



## Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نظر گرفته  
شده است.

### خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099

8660 Jeanne Mance,  
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

## رکسان صمیم مشاور املاک مسکونی

RE/MAX Platine  
Agence Immobilière  
Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترآل و حومه  
خدمات کامل را برای خریداران  
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی  
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش

**Roxanne Sameem**

Residential Real Estate Broker

Remax Platine  
1850 Av. Panama #110  
Brossard, QC J4W 3C6

Rokchan.sameem@remax-quebec.com  
www.rsameem.com

## Pharmacie Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان  
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600  
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 600 3691

www.riahipharma.com info@riahipharma.com

نوشتن نسخه

درمان داروهای خاص با دقت بالا

واکسیناسیون

تست‌های پزشکی

مشاوره درمانی

دریافت نسخه

از طریق سیستم تلفن همراه یا اینترنت

دسترسی آنلاین

به پرونده پزشکی، نسخه و سایر مدارک

انتقال پرونده

بازرسی و تایید مدارک



سیاست  
جامعه





# انتخابات آمریکا برای کانادا چه پیامدهایی خواهد داشت؟

در حالی که انتخابات میان دوره‌ای آمریکا می‌تواند آینده سیاسی این کشور را دگرگون کند، کارشناسان بر این باورند که این موضوع تأثیر چندانی بر روابط کانادا و آمریکا نخواهد داشت، هر چند که ممکن است برخی اولویت‌ها را تغییر دهد.

در انتخابات میان دوره‌ای یک سوم سنا و کل مجلس نمایندگان برگزیده می‌شوند که هر دو هم‌پایه تحت کنترل دمکرات‌ها هستند.

در این انتخابات هر چند دمکرات‌ها قوی‌تر از آنچه انتظار می‌رفت ظاهر شدند، اما از آنجاکه شمارش آرا پایان نگرفته است، این احتمال هست که جمهوری خواهان در نهایت کنترل مجلس نمایندگان و سنا را در اختیار بگیرند.

با این حال مهم نیست که کدام حزب پس از شمارش کامل آرا قدرت را به دست بگیرد، چون هرگونه دگرگونی در قدرت تأثیر کمی بر روابط واشنگتن و اتاوا خواهد داشت.

کریس ساندز، رئیس مؤسسه کانادا در مرکز ویلسون که اندیشکده‌ای در واشنگتن است، می‌گوید که شکاف حزبی در زمینه کانادا وجود ندارد. هر دو حزب خواهان روابط خوب با کانادا و حل مسائل و گاهی هم گفت‌وگوهای جدی‌اند و با تغییر ترکیب کنگره تغییری احتمالاً رخ نخواهد داد.

ماریسکوت گرین‌وود، رئیس شورای بازرگانی کانادا-آمریکایی، هم خاطر نشان می‌کند که پیمان تجاری آمریکا-مکزیک-کانادا با حضور یک جمهوری خواه در کاخ سفید و مجلس نمایندگان که تحت کنترل دمکرات‌ها بود به تصویب رسید.

صرف نظر از این که کدام حزب کنترل کنگره را در اختیار بگیرد، ساندز و گرین‌وود، هر دو، هم‌نظرند که شماری مسائل مهم در آینده روابط کانادا و آمریکا هست که باید به آن‌ها توجه داشت.

## تورم و اقتصاد

مانند کانادا، آمریکا هم در سالی که گذشت درگیر تورم بی‌سابقه‌ای بوده است. بر پایه نظرسنجی‌ها، اولویت نخست رأی‌دهندگان آمریکایی هزینه زندگی است.

بانک‌های مرکزی هر دو کشور در ماه‌های اخیر، برای کنترل تورم، نرخ بهره را افزایش داده‌اند. این افزایش‌ها البته به کاهش فعالیت اقتصادی منجر شده تا جایی که بسیاری از اقتصاددانان سخن از رکود اقتصادی در سال ۲۰۲۳ می‌رانند.

گرین‌وود می‌گوید که با توجه به روابط اقتصادی دو کشور، همکاری در زمینه مسائل اقتصادی در سال‌های آینده بسیار مهم خواهد بود.

او می‌افزاید که راه‌هایی است که این دو کشور با همکاری یکدیگر می‌توانند ضربات اقتصادی را کاهش دهند.

## محیط زیست

آمریکا به تازگی قانون کاهش تورم را تصویب کرده که یکی از بخش‌های آن سرمایه‌گذاری ۳۶۹ میلیارد دلاری آمریکا در برنامه‌های تغییرات آب و هوایی در دهه آینده است - از جمله مشوق‌های انرژی پاک که اتاوا آن را تهدیدی برای سرمایه‌گذاری آینده در کانادا می‌داند.

در پاسخ، دولت کانادا طرحی برای مطابقت با برخی از این مشوق‌ها در بیانیه اقتصادی پاییز خود گنجانده است.

ساندز می‌گوید که اگر جمهوری خواهان نفوذ بیشتری در کنگره به دست آورند، احتمالاً تغییراتی در این قانون اعمال خواهند کرد. او توضیح می‌دهد که البته فکر نمی‌کنم که همه چیز در آن لایحه حذف شود.

گفتنی است که پس از تصویب این قانون، جاستین ترودو هشدارها مبنی بر جا ماندن کانادا از آمریکا در زمینه اقدامات زیست‌محیطی را با اشاره به مالیات کربن کانادا کم‌اهمیت جلوه داد.

ساندز می‌گوید که اگر آمریکا نیز در این مسیر مالیات ملی کربن حرکت کند، این به موضوع داغی در کانادا بدل خواهد شد.

## خطوط لوله

یکی دیگر از مسائل داغ بین واشنگتن و اتاوا در این سال‌ها بحث خطوط لوله برون‌مرزی بوده است.

با روی کار آمدن بایدن، به انجام رسیدن خط لوله کیستون که قرار بود روزانه ۸۳۰ هزار بشکه نفت خام را از آلبرتا به آمریکا منتقل کند، ناکام ماند.

گرین‌وود می‌گوید که در این میان، حتی اگر جمهوری خواهان که طرفدار این پروژه هستند کنترل مجلس نمایندگان را در دست بگیرند، نخواهند توانست جانی تازه به این طرح بدهند و کلاً تا زمانی که دولت بایدن در کاخ سفید است احیای این خط لوله شدنی نیست.

ساندز ولی می‌گوید که مجلس تحت کنترل جمهوری خواهان دست کم می‌تواند موضوع ارزیابی مجدد این پروژه را مطرح کند.

همچنین موضوع خط لوله ۵ هم هست که از میشیگان تا اونتاریو می‌گذرد و کشاکش بر سر سرنوشت آن از سال ۲۰۲۰ آغاز شده است.

## سفر

یکی از مسائل مهمی که بدون توجه به اینکه کدام حزب در نهایت کنترل کنگره را در اختیار بگیرد باقی خواهد ماند، مربوط به سفرهای برون‌مرزی است - به‌ویژه، برنامه نکسوس (NEXUS) که سفر را در سراسر مرز کانادا و آمریکا آسان می‌کند.

در هفته‌ای که گذشت، یک گروه دو حزبی از اعضای کنگره آمریکا نامه‌ای به همتایان کانادایی خود فرستادند و از آن‌ها برای حل مسئله‌ای که مورد نگرانی دوجانبه است و آن عقب‌ماندگی نکسوس و ادامه بسته شدن مراکز خدمات کانادایی است، یاری خواستند.

مراکز نکسوس در آمریکا در آوریل و پس از توافقی در زمینه بیماری همه‌گیر بازگشایی شدند، ولی کانادا تاکنون تن به این بازگشایی نداده است.

کانادا نگفته است که این دفترها چه زمانی دوباره فعال خواهند شد، اما ترودو در اواخر ماه گذشته گفت که خواهان راه‌اندازی آن‌هاست.

گرین‌وود خاطر نشان می‌کند که موضوع نکسوس مایه نگرانی هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات است.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری رادیو کانادا و سیتی‌نیوز



## جمهوری اسلامی چرا نشنال پست را تحریم کرد؟

اول این روزنامه همراه با تصویری از دو یهودی در سال ۱۹۳۵ که نشان‌های زرد رنگی به دستور نازی‌ها داشتند، منتشر شد. هرچند از همان روز کارشناسان به جعلی بودن این خبر اشاره کردند، ولی انتشار این خبر بی‌اساس موجب اعتراض‌های خشمگین بسیاری از مقام‌های کانادا، آمریکا و استرالیا شد، تا آن جا که اظهار نظر استفان هارپر، نخست‌وزیر وقت کانادا، درباره این ماجرا باعث شد ایران سفیر وقت کانادا در تهران را برای ارائه توضیحات احضار کند.

در ۲۴ مه ۲۰۰۶، سردبیر روزنامه، داگ کلی، با انتشار عذرخواهی به خاطر این داستان‌پردازی، اذعان به نادرستی آن کرد و نوشت که در جریان انتشار این مطلب احتیاط و تردید لازم خبری انجام‌نشده بود و برای تأیید آن با منابع کافی تماس نگرفته بودیم.

### پشتیبانی از انقلاب ۱۴۰۱

با خیزش ایرانیان، نشنال پست از همان آغاز به این اعتراضات توجهی ویژه نشان داد و کوشید تا آن را از ابعاد مختلف تحلیل و در این زمینه آگاهی‌رسانی و توجه افکار عمومی کانادایی‌ها را به این اعتراضات ملت ایران جلب کند. این اقدام چنان به مذاق جمهوری اسلامی ناخوشایند آمد که این رسانه را با اتهام «حامی تحریم‌ها» بودن و «ایران‌ستیزی» در فهرست تحریمی خود جای داد - فهرستی که ممنوعیت‌هایش چنین برشمرده شده است: «ممنوعیت صدور روایید، عدم امکان ورود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران، مسدود شدن حساب‌های بانکی در نظام مالی و بانکی و نیز توقیف اموال و دارایی در قلمرو تحت صلاحیت جمهوری اسلامی ایران».

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری رادیو کانادا، نشنال پست، همشهری آنلاین، shadowproof، theglobeandmail و ویکی‌پدیا

### رویکرد سیاسی

درباره‌ی سیاست روزنامه نیز باید گفت، زمانی که روزنامه در تورنتو راه‌اندازی شد، مشی محافظه‌کارانه در پیش گرفت و منتقد دولت لیبرال ژان کرتین بود.

در سده بیست‌ویکم نیز هرچند تغییراتی در مالکیت روزنامه رخ داد، با این حال این روزنامه سیاست محافظه‌کارانه‌اش را نگه داشت، هرچند که در این میان تغییر اردوگاه نیز داد و حامی لیبرال‌ها و منتقد محافظه‌کاران نیز گشت.

### اتهام اسلام‌ستیزی

از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳، کنگره اسلامی کانادا (CIC) که اکنون منحل شده است، مدعی شد که نشنال پست اسلام‌ستیز است، چراکه از عباراتی همچون «چریک‌های اسلامی»، «شورش اسلامی» و «ستیزه‌جویان مسلمان» استفاده کرده است و این کنگره مدعی بود که باید نام اسلام و مسلمین از کنار این واژه‌ها برداشته شود.

در برابر، برخی از نویسندگان پست پاسخ دادند که میل کنگره به سانسور بوی همان اقتدارگرایی را می‌دهد که مردم را در مصر، عراق، ایران و عربستان سعودی سرکوب می‌کند. آنان همچنین اشاره کردند که «این مضحک است که پیشنهاد کنیم به دین نپردازیم، زمانی که جنایاتی به نام آن دین توسط مردان و زنانی که بخشی از آن دین‌اند انجام می‌شود».

### نشنال پست و ایران

#### انتشار خبر کذب درباره ایران

در ۱۹ مه ۲۰۰۶، نشنال پست دو مطلب منتشر کرد و در آن‌ها مدعی شد که مجلس ایران قانونی را تصویب کرده است که اقلیت‌های مذهبی را ملزم به استفاده از نشان‌های شناسایی ویژه می‌کند. یکی از این دو مطلب خبری بود که در صفحه

۱۰ روز پیش، جمهوری اسلامی روزنامه «نشنال پست» را به همراه هشت مقام کانادایی، مانند وزیر امنیت عمومی، رئیس ستاد ارتش و فرماندهان نیروی هوایی و دریایی این کشور، تحریم کرد.

به گزارش هفته، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در اعلامیه صادرشده برای این تحریم‌ها، مدعی شد که نشنال پست را به این خاطر تحریم کرده که «رسانه حامی تحریم‌ها و با رویکرد ایران‌ستیزانه» است.

### نشنال پست از دیروز تا امروز

نشنال پست روزنامه‌ی انگلیسی‌زبان کانادایی است که نشریه اصلی مجموعه پست‌مدیا به شمار می‌رود. نشنال پست هر هفته از دوشنبه تا شنبه منتشر می‌گردد، البته دوشنبه‌ها فقط نسخه‌ی دیجیتال‌اش منتشر می‌شود.

این روزنامه در استان‌های انتاریو، کبک، آلبرتا و بریتیش کلمبیا پخش می‌شود و نسخه‌های آخر هفته‌اش هم در منیتوبا و ساسکاچوان توزیع می‌گردد.

نشنال پست را کنراد بلک در رقابت با «گلوب اند میل» در سال ۱۹۹۸ راه‌اندازی کرد و از آن سال تا به امروز پست فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است که از آن جمله می‌توان به توقف انتشارش از سال ۲۰۰۶ در آتلانتیک کانادا اشاره کرد یا انتقال مالکیت روزنامه به پست‌مدیا در سال ۲۰۱۰ و نیز جهت‌گیری به‌سوی دیجیتال شدن بیشتر از همین سال.

پست، مانند رقیبش گلوب اند میل، برای تورنتو که بزرگ‌ترین شهر کانادا و چهارمین مرکز بزرگ رسانه‌ای انگلیسی‌زبان در آمریکای شمالی پس از نیویورک، لس‌آنجلس و شیکاگوست نسخه‌ای جداگانه منتشر می‌کند که این محتوای تورنتو محور در دیگر نقاط کانادا توزیع نمی‌شود.



## اتاوا پس از تورنتو، دومین مرکز قاچاق انسان در کشور

آقای فروتن افزود: «ما باید در هر یک از استان‌ها برای مقابله با جرائم و جنایات مرتبط با قاچاق انسان یک راهبرد مشخص داشته باشیم و مهم‌تر از همه، برای پایان دادن به این پدیده، برنامه منسجمی برای همکاری بین استان‌ها تدوین کنیم. مسئله تأسفبار و نگران‌کننده این است که ما در سال ۲۰۲۲ قرار داریم اما نمی‌توانیم از همه زنان و دختران کانادایی در برابر قاچاق انسان محافظت کنیم.»

طبق گزارش وزارت امنیت عمومی کانادا، زنان بومی تنها ۴ درصد از جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند با این حال آن‌ها نزدیک به ۵۰ درصد از قربانیان قاچاق انسان را تشکیل می‌دهند.

وندی جی می‌گوید ما به مرزهای آمریکا نزدیک هستیم و این یکی از دلایلی است که جوانان بومی ما در تله قاچاقچیان انسان گرفتار می‌شوند. علاوه بر کارمندان فدرال و دانشجویان خارجی، هر هفته دیپلمات‌های متعددی از کشورهای مختلف به اتاوا می‌آیند که وضعیت مالی مناسبی برای خرید خدمات جنسی دارند و این مسئله به گسترش بازار خدمات جنسی در منطقه کمک می‌کند.

همچنین هر ساله ده‌ها جشنواره در پایتخت فدرال برگزار می‌شود و این رویدادها هر بار سیلی از گردشگران و مشتریان خدمات جنسی را روانه اتاوا می‌کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

ازای یک کالا یا برخی خدمات مثل پول، غذا، مواد مخدر، الکل یا مسکن است.

در اتاوا نیز جرائم مرتبط با قاچاق انسان با اهداف بهره‌کشی‌های جنسی به شدت افزایش یافته است. عوامل متعددی موجب شده است که پایتخت فدرال کانادا به منطقه‌ای مناسب برای شکل‌گیری و فعالیت شبکه‌های قاچاق انسان و گروه‌های فساد و فحشا تبدیل شود.

اولین عامل مهم موقعیت جغرافیایی پایتخت فدرال است. اتاوا به واسطه قرار گرفتن در دالان مونترال-ویندزور به مقصدی برای قربانیان جرائم جنسی در مناطق شمالی تبدیل شده است.

متیو گیلبو، محقق اداره پلیس گتینو و مدیر «تیم یکپارچه مقابله با فحشا» می‌گوید: «موقعیت جغرافیایی منطقه ما بین مونترال و تورنتو موجب شده است، این منطقه به شدت مورد توجه شبکه‌های قاچاق انسان قرار داشته باشد.»

عزیز فروتن از مسئولان مرکز کانادایی مبارزه با قاچاق انسان، می‌گوید اتاوا یکی از اولین مقاصد برای بومیان مناطق شمالی و اینوئیت‌هایی است که گرفتار شبکه‌های قاچاق انسان می‌شوند. بزرگراه ۴۱۷ که مونترال و اتاوا را به هم متصل می‌کند، درست همانند بزرگراه شماره ۴۰۱ بین مونترال و ویندزور مسیرهایی هستند که قاچاقچیان انسان برای انتقال قربانیان بین استان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند.

بر اساس اطلاعات و آمار و ارقامی که رادیو کانادا جمع‌آوری کرده است، پایتخت فدرال در سال‌های اخیر به یک مرکز عمده قاچاق انسان برای مقاصد جنسی تبدیل شده و از این نظر پس از تورنتو در رده دوم قرار می‌گیرد.

وندی جی، مدیر سازمان «یک روز جدید» Une nouvelle journée، که رسالت خود را کمک به جوانان قربانی قاچاق انسان تعریف کرده، زنگ هشدار را درباره افزایش جرائم مرتبط با تجارت و قاچاق انسان در اتاوا به صدا درآورده و اعلام کرده است که زنگ تلفن‌های این سازمان در اتاوا خاموش نمی‌شود و سه برابر بیشتر از قبل از همه‌گیری درخواست کمک دریافت می‌کند. جوان‌ترین قربانی که شش ماه اخیر از حمایت‌های سازمان «یک روز جدید» برخوردار شد، تنها ۱۲ سال داشت.

بر اساس گزارش اداره آمار کانادا که ژوئن ۲۰۲۲ منتشر شد، پس از تورنتو، اتاوا دومین شهر کانادا با بیشترین تعداد جرائم قاچاق انسان است. طبق اعلام اداره پلیس شهر گتینو (SPVG)، تعداد پرونده‌های جرائم قاچاق انسان بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ بیش از صد درصد افزایش یافته است.

قاچاق جنسی رایج‌ترین شکل قاچاق انسان در کانادا است. قاچاق انسان با اهداف بهره‌کشی جنسی، مبادله جنسی اجباری یا فریبکارانه در





## نظام درمانی کبک فلج شده؛ بیماران ویزیت نشده به خانه برمی گردند

ریشه بدواند. اکنون مدیریت اوضاع دشوار است و هزینه بیشتری نیز خواهد داشت.»  
در منطقه لورانئید Laurentians، کمبود شدید پرسنل، در چند مرکز درمانی وضعیتی بحرانی به وجود آورده است. طبق اعلام «ائتلاف درمانی لورانئید»، زیرساخت‌های بخش بهداشت و درمان منطقه همان زیرساخت‌های ۳۰ سال پیش هستند، این در حالی است که جمعیت منطقه دو برابر شده است.

دکتر مارک لورو، رئیس ائتلاف درمانی لورانئید، نیز می‌گوید: «نگرانی من این است که نمی‌توانیم بیماران را درمان کنیم. بیماران اگر مجبور باشند به مراکز درمانی دورتر بروند، از پیگیری درمان خود صرف‌نظر می‌کنند و در این شرایط ممکن است بیماری آن‌ها وخیم‌تر شود و این اتفاق هزینه‌های بیشتری هم برای سیستم بهداشتی استان به بار خواهد آورد.»

دکتر پلوتیه معتقد است که هنوز هم در این مرحله بدون نیاز به ایجاد زیرساخت‌های جدید، می‌توانیم فقط با جذب نیروهای جدید بخش زیادی از مشکلات موجود در شبکه درمان را حل کنیم. او می‌گوید: «ما امکانات لازم را داریم اما باید شرایط کار را بهتر کنیم تا بتوانیم نه تنها نیروهای موجود را حفظ کنیم بلکه نیروهای جدیدی هم جذب کنیم.»

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

بیمارستان‌های منطقه فعال است. دکتر لیور بیبا، متخصص قلب و عروق که در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان پیر-بوشه Pierre-Boucher در لونگوی Longueuil کار می‌کند، می‌گوید: «ارائه خدمات مناسب و به موقع به بیماران، به حضور و تلاش پرسنل زیادی وابسته است درحالی‌که ما این روزها به پزشک، پرستار، درمانگر تنفسی، مددکار و... نیاز داریم. این یک زنجیره است و هر حلقه‌ای از آن که نباشد، همه‌چیز به هم می‌ریزد. من به‌عنوان یک پزشک از این وضعیت دلسرد هستم و واقعاً نمی‌دانم چگونه می‌توانیم از این وضعیت خارج شویم.»

در این شرایط مدت‌زمان انتظار بیماران هر روز رکورد جدیدی بر جا می‌گذارد. در حال حاضر ۱۶۰ هزار و ۶۸۴ نفر در استان کبک در نوبت عمل جراحی هستند. ۱۷ هزار و ۶۹۱ سالمند امیدوارند مراقبت‌های خانگی دریافت کنند و ۴ هزار و ۳۸۱ سالمند منتظر پذیرش در مراکز اقامتی و خدمات مراقبتی درازمدت هستند.

«گروه پزشکان کبکی بخش عمومی» (MQRP) با اذعان به دشواری شرایط بخش درمان استان اعلام کرده که شبکه بهداشت و درمان به بن‌بست رسیده است.

دکتر کارین پلوتیه Karyne Pelletier می‌گوید: «در وضعیت بی‌سابقه‌ای قرار گرفته‌ایم و این وضعیت نتیجه غفلت خود ماست چراکه اجازه دادیم مشکلی که ابتدا چندان بزرگ نبود، رشد کند و

در کنار همه مشکلاتی که در زمینه ارائه خدمات درمانی در شبکه بهداشت و درمان کبک وجود دارد، اکثر اورژانس بیمارستان‌ها مجبور شده‌اند بیشتر از ظرفیت خود پذیرش کنند و در این میان بسیاری از بیماران بدون این که توسط پزشک ویزیت شوند، پس از انتظار طولانی بیمارستان را ترک می‌کنند. پزشکان کبکی می‌گویند فشارهای فزاینده و کمبود پرسنل، شبکه بهداشت و درمان استان را در آزمون سخت قرار داده است.



جمع شدن بسیاری از تخت‌ها، کندشدن یا حتی تعطیلی اتاق‌های عمل برخی مراکز درمانی، انتقال زنان باردار به مراکز دیگر و رشد انفجاری فهرست انتظار بیماران برخی از مهم‌ترین مشکلاتی است که این روزها کمبود شدید پرسنل در شبکه بهداشت و درمان استان کبک به وجود آورده و ارائه خدمات درمانی را برای بسیاری از بیماران غیرممکن کرده است.

بااینکه پائیز معمولاً فصلی است که شبکه بهداشت و درمان کبک با ظرفیت کاملاً و سرعت بالایی کار می‌کند اما کمبود پرسنل درمان سرعت ارائه خدمات درمانی در بیمارستان‌های استان را به‌شدت مختل کرده است.

در بیمارستان سن-ژروم ۸۱ تخت در دو واحد درمانی تقریباً از یک سال پیش بسته شده‌اند.

در بیمارستان لاشین، از هر سه اتاق عمل، دو اتاق بسته است.

در اوتاوه تنها ۳۴ درصد اتاق‌های عمل

Académie de Piano TwinMuse  
**(514) 814-1749**  
[twinmuse.ca](http://twinmuse.ca)

**استاد شیدا قره چه داغی**  
**اهنگساز پیانیست**

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد  
 جهت آماده شدن برای امتحان های  
 دانشکده ها یا مدارس عالی  
 موسیقی و کنسرت



**514 484 8748**  
[sheida.g@hotmail.com](mailto:sheida.g@hotmail.com)



**نماشوم**  
 هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹  
 از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

**ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!**

Ottawa Persian Radio  
**Namaashoum**  
 Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001  
[www.PersianRadio.net](http://www.PersianRadio.net)

رادپونماشوم  
 اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است  
[www.PersianRadio.net](http://www.PersianRadio.net)  
[@namaashoum\\_radio](https://t.me/ottawaradio)

**صابر جلیل زاده**

**آموزش سنتور**

ابتدایی  
 مقدماتی  
 ردیف



**saberjalilzadeh@yahoo.ca**    **514-549-4697**



آریانا  
مقاله  
گزارش





## بسته ماندن مکاتب دختران از صنف ۶ تا ۱۲ چرا؟ گزارشی از وضعیت آموزش دختران زیر سلطه طالبان

نجیب الله پوپل به این عقیده است: «اگر یک دختر باسواد باشد یک فامیل باسواد می‌شود و اگر یک دختر باسواد باشد یک جامعه باسواد است. پس هراس طالبان این است که زنان آگاه نباشند تا فرزندان‌شان آگاه نشود و استبداد و اختناق‌شان دوام بیابد.»

شریف الله امید می‌گوید: «یگانه راهی که می‌تواند مانع آگاهی، رونق، ترقی و پیشرفت جامعه افغانستان شود بسته ماندن دروازه‌های مکاتب طبقه‌ی اناث است و هدف اصلی طالبان هم این است که جامعه‌ی افغانستان را کور و جاهل نگهدارند.»

خانم هاشمی به این نظر است: «به نظر من این کار طالبان صرف صبغ‌های سیاسی و گروه‌گانی‌گری دارد و در ضمن یک عده از متعصبین در جمع ایشان است بالای نظر خود پرفشاری دارد که جهت جلوگیری از دامن زدن اختلافات هم در این زمینه جدیت بخرج می‌دهند ورنه دلایل مقنع ندارند.»

عبدالخالق کاشفی گفته است: «ولا حساب این

فعالیت آموزگاران زن راه‌اندازی کرده‌اند. آنان تصاویرشان را با شعارهایی در اعتراض به این تصمیم در صفحات اجتماعی فیس بوک و تویتر نشر کرده و خواستار بازگشایی مکاتب دختران در سال ۱۴۰۲ گردیده‌اند چون سال تعلیمی در افغانستان رو به ختم است و بجز دو سه هفته‌ای دیگر بخاطر سردی هوا و نبود امکانات تعطیل خواهد شد.

### یک دختر باسواد یک خانواده را باسواد می‌کند

اینکه چرا طالبان درهای مکاتب را فقط برای دختران صنف شش تا دوازده بسته‌اند سوالی بود که در صفحات اجتماعی مطرح کردیم. عده‌ای به این نظراند که این کار طالبان برای تاریک نگه‌داشتن اذهان جامعه و مردم افغانستان است و عده‌ای هم آن را دلیل پول گرفتن از امریکا دانسته و گفته‌اند طالبان به شکلی از اشکالی دختران مکاتب را در گروشان قرار داده‌اند.

یک ماه پس از تصرف افغانستان توسط طالبان، وزارت معارف طالبان در اعلامیه‌ای از آغاز دروس دانش‌آموزان ذکور مکاتب دولتی، خصوصی و مدارس خبر داد، اما از باز شدن مکاتب دختران و تدریس معلمان زن چیزی نگفت.

بازگشایی مکاتب تنها برای دانش‌آموزان ذکور واکنش‌های تند ملی و جهانی را برانگیخت. تاکنون چندین بار سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) از طالبان خواستار بازگشایی مکاتب به دختران و آغاز فعالیت آموزگاران زن در این کشور شده‌اند. این سازمان گفته است که محروم شدن دختران از آموزش پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

ممنوعیت رفتن دختران بالاتر از صنف ششم مکاتب به مکتب با انتقاد شماری از کاربران افغان و خارجی شبکه‌های اجتماعی نیز همراه است. شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی به شمول دختران دانش‌آموز مکاتب کمپاین اعتراض‌آمیزی را برای بازگشایی مکاتب به روی دختران و آغاز

داکتر بصیرسرگند در این مورد به این عقیده است: «دختران امروز افغانستان دختران بیست سال قبل نیستند و هیچگاهی خاموش ننشسته و از طریق صفحات مجازی و رسانه‌ها دادخواهی کرده و حق‌شان را می‌خواهند.»



نجیب الله پوپل به این عقیده است: «اگر یک دختر باسواد باشد یک فامیل باسواد می‌شود و اگر یک دختر باسواد باشد یک جامعه باسواد است. پس هر اس‌طالبان این است که زنان آگاه نباشند تا فرزندان‌شان آگاه نشود و استبداد و اختناق‌شان دوام بیابد.»

آمریکا هم دشوار است و به این منظور نیست که امریکا کمک ۴۰ میلیون دلاری را انسان‌دوستانه به افغانستان فرستاده باشد و امیدوار کننده اینست که فشارهای جهانی و سازمان ملل متحد و یونسکو باعث خواهد شد تا به زودی در سال ۱۴۰۲ مکاتب دختران فعال شود.»

قابل یادآوریست که در دو دهه اخیر و قبل از آمدن طالبان به افغانستان پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای در بخش آموزش و تحصیل دختران در افغانستان صورت گرفت. تعداد مکاتب در این کشور سه برابر شد و شمار دانش‌آموزان از یک میلیون به ده میلیون آموزگار افزایش یافت که به این ترتیب شمار آموزگاران زن به ۵۸ درصد رسید. افزون بر آن میزان زنان با سواد از ۱۷ درصد به ۳۰ درصد رسید.

بر بنیاد آمار یونیسکو در سال ۲۰۱۸ شمار دختران دانش‌آموز از صفر در سال ۲۰۰۱ به ده اعشاریه پنج میلیون دانش‌آموز ارتقا نمود و تنها در سال ۲۰۲۱ از هر ده دانش‌آموز در تعلیمات ابتدایی، چهار دانش‌آموز دختر بودند.

و در زمان حاکمیت نخست طالبان در افغانستان در سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱، زنان به گونه گسترده از حضور در انظار عمومی منع بودند و برخلاف امروز، نبود امکانات و عدم دسترسی مردم به اینترنت مانع پخش و نشر آن می‌شد.

و کتب مکتب را کتب شیطانیه و افراد مکتبیه یا متعلم را کافر خطاب کرد و گروه‌هایی را بنام جهاد تقویه نمودند. در همین زمان انگلیس بعد از چندی پاکستان را در کره زمین تشکیل نمود و استقلالش را از هند به دست آورد و بعد از یک ماه از ساختن پاکستان در روی نقشه جهان مدرسه اکویری خ‌پک و دیگر مدارس دینی ساخته شد. در حالیکه هدف انگلیس ساختن پاکستان اسلامی نه بلکه تطبیق نمودن پلان‌ها و سیاست‌هایش در آنجا بود و سیاست پاکستان هم ساخته شده‌ی انگلیس که در همسایه‌گی افغانستان تشکیل شد و پاکستان از همان ابتدا تا اکنون یگانه نماینده خاص انگلیس است تا در کشوری‌های آسیای میانه بنام اسلام پروژه‌های خود را تطبیق نمایند و این سلسله تا اکنون ادامه دارد.»

### نقش پاکستان در مشکلات افغانستان

داکتر سرگند ادامه داد: «تا پاکستان در روی نقشه جهان است؛ افغانستان روز خوبی را نخواهد دید چون ساختار پاکستان به خاطر پروژه‌های تخریب‌کننده بر علیه افغانستان بنا یافته است.» فخرالدین احمدی چنین ابراز عقیده نمود: «باید متوجه بود که آغاز دروس مکاتب دختران صنف ششم به بالا به ضرر کشورهای همسایه بوده یک تیغ به سر دختران افغانستان است. شناختن

مردم را کسی پیدا نمی‌تواند. خداوند می‌داند که چه مفکوره‌ی باطل در سردارند.»

داکتر بصیرسرگند در این مورد به این عقیده است: «طالبان می‌خواهند تا نسل دختران در تاریکی و جهالت بمانند و هیچ دختر که حق و حقوق‌شان را خداوند برایش داده از آن آگاه نشود و بالاخره در تاریکی زندگی کنند ولی ناخبر از اینکه دختران امروز افغانستان دختران بیست سال قبل نیستند و هیچگاهی خاموش ننشسته و از طریق صفحات مجازی و رسانه‌ها دادخواهی کرده و حق‌شان را می‌خواهند.»

او همچنان می‌افزاید: «دلیل دیگری نیز وجود دارد که اصل عقده‌گیری از کجا شروع شد. اگر به تاریخ افغانستان نظر ببندیم؛ از آغاز جنگ انگلیس و شکست آن‌ها در افغانستان که ابرقدرت همان وقت در کشور کوچکی بنام افغانستان شکست خورد و امان‌الله خان اعلان استقلال نمود و در ضمن اولین بار خانمش ملکه ثریا را بدون چادر در محضر عام آورد و دختران افغان را جهت تحصیل به خارج فرستاد. در آن زمان کسی که مانع امان‌الله خان گردید؛ بچه سقاو بود که بنام اسلام قذعلم نمود و همین پروسه جهاد و مقاومت ادامه یافت و بعدها تنظیم‌های جهادی پیدا شدند و از سوی دیگر نماینده‌ی ارشد انگلیس بنام پیرصاحب (پیر بغدادی) شروع به فعالیت نمود که مکتب را حرام

## اشک رئیس جمهور بخش ۲ و پایانی

سایت‌های خبری رو می‌آوردم. دیدن قربانیان قلب هر سخت‌دلی را به لریزه در می‌آورد و اشک از چشمان هر سنگ‌دلی را جاری می‌ساخت. من بارها گریه کرده بودم، گریه از عمق دل و از ورای احساسات انسانی‌ام. آیا همه انسان‌ها این طوراند. غافل از همه چیزو. ؟ لانزای که غوغای درونی‌اش را پنهان می‌کرد، نمی‌توانست خشم‌اش را نیز پنهان کند. اوی که در خاموشی همه فریادهای درونی‌اش را فریاد می‌زد و دم نمی‌زد، نمی‌توانست خودش را نگه دارد؟ واقعاً باور نکردنی است. حالا می‌دانم که او چرا از تنهایی می‌ترسید. چرا دو دسته به من چسپیده بود و هرگاه رنجشی مرا آزرده می‌ساخت به طُرق مختلف خاطر مرا می‌خواست و راضی‌ام می‌کرد. رویم را می‌بوسید، با گردن پت که عالمی از تضرع و التجا در نگاه‌های ریز ریزش موج می‌زد، مقابلم می‌نشست و مرا خوشحال می‌ساخت. دستی به پشتم می‌کشید و وعده ملاقات فردا را به خوشی خوشی از من

هیچ وجه مشترکی با وی نداشتند. معصوم و بی‌آزار. ، مادرش را شیرین‌ترین فردی را که همیشه به او خیلی وابسته بود. کشته و ما هیچ نفهمیدیم. واقعاً دیوانگی آشکار است. از جایم بر می‌خواستم به مادرم خیره خیره نگاه می‌کردم. محبت سرشاری او بدنم را گرم می‌ساخت و لانزا بیشتر بدم می‌آمد. مادر لانزا را دیده بودم. خیلی لانزا و برادرش را دوست داشت. زن دلسوز و مهربانی بود. عجیب است قابیل‌ها همیشه می‌کشند بدون اینکه بر عمل شنیع خود بی‌اندیشند. پرنده افکارم از سرم می‌پرید. بخصوص وقتی می‌خواندم که لانزا پلان شده آدم نی که آدم‌ها را کشته است، مادرش را کشته، اطفال و بزرگان را کشته و خون برایش چون دریای خروشان می‌گردیده بود که مانند آنکه در آب بازی می‌نماید. بیشتر به تعجبم می‌افزود؛ گاهی که وسوسه می‌شدم و مقابل خانه‌شان می‌رفتم و چیزی دستگیرم نمی‌شد و برمی‌گشتم و باز هم به

در تحقیقات هر لحظه‌ام که از رساله‌ها داشتم نوشته بودند که: «اطرافیان و استادان لانزا از ذکاوتش توصیف کرده‌اند» من مثل همه در تعجب بودم که پس منظر آن‌همه ذکاوت این کار احمقانه‌اش بود، یعنی چی. ؟ برایم باورکردنی نبود. باورم نمی‌شد که او به چی مهارتی سر من و سر همه اطرافیان‌ش را شیریه مالیده بود. شاید آن هم از ذکاوتش بوده. چه می‌دانم. همین حالا وقتی باهم بودن با او را به یاد می‌آورم مو بر اندامم راست می‌شود. تصور می‌کنم چشمان ریز ریزش بزرگ می‌شوند و مرا می‌بلعند. ترس در رگ‌هایم مستولی می‌گردید و با خود می‌گویم:

آیا من با دشمن معصوم‌ترین آدم‌ها، دوست بوده‌ام؟ واقعاً تکان‌دهنده است. وسوسه برم می‌دارد. طبق معمول به سایت‌های خبری سری می‌زدم و منتظر می‌مانم که در جایی بخوانم. لانزا روی چی حسی آدم کشت؟ ، آن‌هم آدم‌های که هیچ ضرری به او نرسانده بودند.



می‌گرفت. وقتی مطمئن می‌شد که کدورتی از او ندارم چون آهوی مستان می‌خرامید و با خنده از پیشم دور می‌شد. یک روز دلم برای لانزا بسیار سوخت. تازه مادر و پدرش از هم جدا شده بودند. با تمنا از من خواست که به کسی نگویم و بعد اشک‌هایش را پاک کرد و گفت:

«من چقدر دیوانه هستم وقتی ترا دارم چی غم دارم.» سنگی را از زمین برداشت و به شدت به طرفی پرتاب کرد. نمیدانم سنگ به کجا خورد، خیلی دست پاچه شد، رنگش پرید و عضلات رخسار استخوانی‌اش به اهتزاز درآمد، سرش را محکم گرفت، خودش را در آغوش من انداخت و زار زار گریست. من هم همراهش گریستم. بعد فاتحانه سرش را شور داد و سعی کرد نگاه‌هایش را از من ببرد، مثل آدمی که تصمیم‌اش را گرفته باشد و یا درخشش امید بخشی قلب‌اش روشن نموده باشد. لبخندی شادی آفرینی زد و به من نگاه کرد. من بازهم؛ مثل همیشه معنی نگاه او را نفهمیدم.

پولیس با صدای عرشه‌آور در مقابل خبرنگاران شرح واقعه را چنین داد: «کالبدشگافی لانزا نشان می‌داد که قبل از فیرمی لت و کوب خورده بود و مصمم به سوی مکتب رفته و به زور تفنگ وارد صنوف درسی شده بود او بعد از کشتن بیست کودک، دو محافظ، مدیره مکتب و معلمین، خودش را به ضرب گلوله از پا درآورده و نفس عمیقی کشیده بود. پولیس استناد می‌کرد که: طفلی که زنده بود و خودش را در عقب میزی پنهان کرده بود، این‌همه ماجرا را به پولیس بازگو نموده است. البته قبل از رسیدن به مکتب مادرش را نیز به ضربه سه گلوله از پا درآورده بود. برادرش که مورد ترصد پولیس است. گفت: «لانزا به خاطر گرفتن تنگچه مادرم همراهش

دعوا داشت که من از خانه برآمدم و به طرف کلپ رفتم.» برای نخستین بار هوس کردم که ای کاش مادرش زنده می‌بود که علت سرزدن به مکتب و قصد کشتار دسته جمعی اطفال را ازش می‌پرسیدم.

بعد از شنیدن اظهارات پولیس، با قلب غمین و سرپرشور به رخت خوابم رفتم. افکار واهی دوره‌ام کرد و بعد از چرت و فکر طولانی چشمانم روی هم قرار گرفت. نیمه‌های شب بود، احساس کردم تخت خوابم را کسی شور می‌دهد. آهسته چشمانم را باز کردم با تعجب دیدم لانزا مقابلم ایستاده و با تنگچه دست داشته‌اش بسویم نشانه گرفته است. مثل همیشه چشمان ریز ریزش را به طرفم تنگ‌تر نموده گفت:

حتمن ملامتم می‌کنی. . ها...همینطور نیست...؟ مثل کالبد بی‌روح به طرفش نگاه کردم. باورم نمی‌شد که لانزا باشد. او بازویم را گرفته به شدت تکان داد و گفت:

بیا بجیش چی چرت می‌زنی این‌هم تفنگ و. . با دیدن تفنگ تکان خورم. از جایم برخاسته خودم را کنار لبه‌های تخت چسپاندم. بدنم می‌لرزید، گلویم خشک شده بود. با لکنت برایش گفتم:

لانز. . لطفاً. . لطفاً تفنگات را کنار بکش... من... آدم نمی‌کشم، من آدم نمی‌کشم. . خنده بلندی نموده به طرفم خیز زد و گفت:

تو کشته نمی‌توانی. . تو. . تو یک آدم بزدل و ترسو هستی. . هاها راست می‌گویم تو کشته نمی‌توانی. . اگر می‌توانی بیا... بیا مرا بکش دستات رو می‌شود. منکه مادرم را کشتم، مادری را که روح و روانم بود. کشتن برایم آسان شد. . بیا. . رفیق خوبم بیا. . لانزا چون شکارچیان خپ گیره طرفم میامد.

چشمانش سرخ شده بود، سرخ به رنگ خون. قیافه‌اش ترسناک شده بودمثل هرجانی وقاتل دیگر. ناگهان با یک خیزبه طرفم دوید. خون دررگ‌هایم منجمد شد، سخت ترخودم را به دیوار چسپاندم به تضرع گفتم:

لانز عزیزا! لطفاً. . لطفاً تفنگ را از دستات بی‌انداز. بنشین و برای من بگو که چرا. . ؟ فریاد زده میان حرفم دوید و تنگچه‌اش را به شقیقه‌ام گذاشت و گفت:

تو آخرین شاهدهی هستی که هرگاه دهنات را بسته نکنم، سرم را به دار می‌بری. صدایش به گوشم طنین انداخت و بدنم را لرزاند. هر حرکتی باعث از بین رفتنم می‌شد.

بناءً با توسل به حرف‌های عاطفی خواستم او را سرد بسازم تا مگر موقعی پیدا شود که فرار نمایم و به پولیس بگویم او زنده است. سخت هراسان بودم. مادرم را یک نگاه دیدم که از عقب پنجره گذشت تا خواستم فریاد بزنم لانزا ترق ترق تفنگ‌اش را کشیده فریاد زد:

شور نخور ورنه مغزت را به هوا می‌سپارم. بگو برای آخرین بار رفیق شفیقات را چی وقت دیدی؟ شکام به یقین تبدیل شد. اولانزا نبود. به تضرع افتاده گفتم:

آیا تو رفیق‌ام نبودی و نیستی. . ؟ چون جادوگران دوری خورده خندید و آهسته گفت: خدا را شکر، این‌هم مرا عوضی گرفته و نشناخته است. بار دیگر همچو فتری خیز زد و تنگچه‌اش را به پیشانی‌ام گذاشت. برای لحظه خودم را مثل اطفال دیگر غرقه به خون دیدم. صدای فیرگوش‌هایم را پرکرد و خودم را فراموش کردم. با تعجب دیدم که برادر لانزا به شدت به زمین خورد. سرم دور خورد و چشمانم سیاهی کرد. تکان خورده و خودم را در آغوش پولیس یافتم.



**خاطره تعویلداری یکتا**  
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
**Commissioner for Oaths**  
 در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
**حتی در روزهای تعطیل**

(438) 390-0694 (514) 675-0694  
 khaterehyekta@yahoo.ca

**تدریس خصوصی Trading**

• فارکس  
 • بورس  
 • ارز دیجیتال  
 • میندی - حرفه‌ای  
 جلسه اول رایگان

**سازنگ (438) 220-1204**

**Spa Illusion**

ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

**514 694-3735**

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511  
 Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

هر روز هر روز

**مونترال <> تورنتو <> مونترال**

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

**Montreal: 514-887-0432**

**Toronto: 647-822-2529**

**حسابداری و مالیات** **XL-ON TAX SERVICES INC**  
**SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC**

**Income Tax Services For:**

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

**خدمات مالیات برای:**

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکت‌ها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...

**با مدیریت عباس شفیعی**  
 لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل  
 (ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا  
 با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,  
 Montréal, QC, H4B2Y9  
 email: INFO@XLONTAX.COM

**(514) 806 0060**

**سرور صدر**  
**خدمات حسابداری و دفترداری**

**Accounting & Bookkeeping Services**  
**With appointment**

- ✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها
- ✓ امور دفترداری و حسابداری
- ✓ تاسیس و ثبت شرکت‌ها

**(514) 777-3604** loyale.accounting@gmail.com

5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



خانواده  
آشپزی  
سرگرمی





5			7			3
	2	6	1			
8		3	2		5	1
4		8		1	7	2
	6					5
2	9		5		4	6
		4	3		6	5
				9	2	3
3			4			9

▲ نرمال

	1		3		8		4	
						2	5	3
	3		6	9				
		9		6				8
		6		4		1		
1				8		5		
				5	9		7	
7	9	2						
	4		2		7			3

▲ متوسط

				4			6	
6				2			4	8
	7		5			3		
		3			5	6		1
1								7
7		6	1			4		
			7			3		9
8	1			9				2
	3			5				

▲ سخت

					4		7
7			9			8	1
3				6			
				1	9		6
		5		3		2	
	3		8	2			
				7			1
	7	4			2		8
9		3					

▲ خیلی سخت

## مهسا عباس پور



## آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

## چیز کیک نیویورک



«چیز کیک نیویورک» یکی از اصیل ترین دسرهای خوشمزه و محبوب ترین چیز کیک ها است که اصالت آن به شهر نیویورک آمریکا بازمی گردد.

### مواد نان:



سپس قالب را به مدت ۱۰ دقیقه در فریزر قرار دهید.

پنیر خامه ای و خامه را با هم مخلوط و با دور متوسط همزن بزنید تا کاملا یکدست شود. تخم مرغ، آرد، شکر و وانیل را به مواد اضافه کرده و مجدد مخلوط کنید.

مواد را در قالب بریزید و در فر از قبل گرم شده با دمای ۱۶۵ درجه سانتیگراد به مدت ۴۰ دقیقه قرار دهید. برای تست پخته شدن چیز کیک کافی است با خلال دندان آن را تست کنید.

توجه داشته باشید بعد از پخت چیز کیک، فر را خاموش کنید ولی آن را از درون فر خارج نکنید. کمی درب فر را باز بگذارید تا چیز کیک شما کم کم درون فر سرد شود. اگر به یکباره چیز کیک را از فر خارج کنید، روی آن ترک خواهد خورد.

بعد از سرد شدن چیز کیک درون فر، آن را در محیط قرار دهید تا کاملا خنک شود و سپس داخل یخچال قرار دهید و بعد از چند ساعت آن را سرو کنید. نوش جان

۱. آرد سفید
  ۲. شکر
  ۳. کره گیاهی
  ۴. بیسکویت شیری
  ۵. تخم مرغ
  ۶. پنیر خامه ای
  ۷. خامه
  ۸. وانیل
- ۳ قاشق غذاخوری  
۲ قاشق مرباخوری  
۱۲۵ گرم  
۲۵۰ گرم  
۳ عدد  
۳۰۰ گرم  
۲۰۰ گرم  
نصف قاشق چایخوری

### طرز تهیه:



ابتدا بیسکویت را آسیاب کنید تا کاملا نرم شود. سپس آن را با کره آب شده مخلوط کنید. یک قالب کمر بندی به سایز ۲۴ سانت را برداشته و کف آن کاغذروغنی بیندازید. ترکیب بیسکویت و کره را درون قالب ریخته و کف آن پرس کنید.

توضیح: خانه های جداول روبه رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

## جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

## سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۱۷ تا ۲۳ نوامبر / ۲۶ آبان تا ۲ آذر

ترجمه: خاطره تحویل‌داری یکتا

### متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



بیشتر شما چشم بر چهار هفته‌ای با شادی و تفریح می‌گشایید! اکنون بهترین زمان برای سفر و لذت از ارتباطات اجتماعی است. فعالیت‌های ورزشی و شاد با بچه‌ها انتخاب خوبی است. در این زمان عشق هم خود را به شما نشان می‌دهد. باید بدانید عادت‌های قدیمی به کار نمی‌آیند. مراقب باشید به خود شک نکنید و به خاطر فردی که هستید، خوشحال و قدردان باشید.

### متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



در چهار هفته آینده خورشید از بخشی از موقعیت شما عبور می‌کند که برای متولدین آبان حکم خانه را دارد. این حالت به مریخ انرژی بیشتری می‌دهد و به همین دلیل شما به شکلی غیرمعمول احساس اشتیاق و هدفمند بودن برای انجام همه کارها را دارید. حتی می‌توان گفت چیزی ذهنتان را به خود مشغول کرده است. علیرغم مصمم بودن شاید تعجب کنید که متقاعد کردن دیگران برای موافقت با شما و دنبال کردن نظرات‌تان بسیار سخت است.

### متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



در چهار هفته آینده تمرکز شما بر خانه، خانواده و زندگی شخصی است. بسیاری از شما درگیر پروژه‌های تغییر دکوراسیون و تغییر خانه هستید، زیرا می‌خواهید محیط زندگی‌تان جذابیت بیشتری داشته باشد. بعد از اتمام کار دوستان و آشنایان را دعوت می‌کنید تا آنچه را انجام داده‌اید، ببینند. با ماه‌گرفتنی و خورشیدگرفتنی این ماه فرصتی برای تغییرات بهتر خواهید داشت. از این فرصت استفاده کنید.

### متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



ماهی که در پیش رو است، پررمزوراز است. برای تازه کارها باید بگویم خورشید در چهار هفته آینده در مقابل موقعیت شما بوده و باعث می‌شود همه انرژی شما گرفته شود. به استراحت بیشتری نیاز دارید. از طرفی اتفاقی رخ می‌دهد که ارتباطات نزدیک را برای شما روشن‌تر می‌کند. این بسیار مهم است، زیرا وضوح بیشتر به شما کمک می‌کند روابط ارزشمندتری برقرار کنید. ایده‌های پول‌ساز و انرژی شما ممکن است به دلایلی کمتر شوند.

### متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



سرعت روزهای شما در چهار هفته آینده بیشتر می‌شود. می‌خواهید با همسایه‌ها، خواهر و برادر و اقوام صحبت کنید! به عبارتی از گپ و گفت با آن‌ها لذت می‌برید! البته از محیط اطراف هم لذت برده و قدردان هر آنچه دارید، خواهید بود. شاید به‌آسانی بتوانید به کسی بگویید چقدر برایتان مهم است. بلندپروازی شما قطعاً بیشتر می‌شود و به این می‌اندیشید که چه چیزهایی را می‌خواهید و باید دنبال کنید.

### متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



این هفته دو نیروی متضاد در موقعیت شما به کار مشغولند. عقبنشینی مریخ در آخر هفته در موقعیت شما اتفاق می‌افتد و به ناگهان کمی سردرگم می‌شوید. ممکن است انرژی کمتری هم داشته باشید. در ذهن خود به چگونگی انجام کاری می‌اندیشید. باین‌وجود در چهار هفته آینده، خورشید برای شما پیام مخالف می‌فرستد و شما را تشویق می‌کند که سخت تلاش کرده و کارآمد باشید. می‌خواهید از عهده همه کارها به‌خوبی برآید.

Agence immobilière  
GROUPE IMMOBILIERE  
**LONDONO**  
REALTY GROUP INC

# شهرام والقان

## کارشناس املاک مسکونی

**خانه شما، خانه ما**

- ✓ خرید، فروش، اجاره، پیش فروش و پیش خرید هوشمندانه
- ✓ کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
- ✓ مشاوره جهت سرمایه‌گذاری مطمئن املاک
- ✓ ارزیابی رایگان ملک شما
- ✓ تسلط به زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ترکی

(438) 402-9363

📍 Shahram.alamshahi  
📧 Shahram\_realtor  
📧 shahram@londonogroup.com

### متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



چهار هفته خوبی را با محبوبیت در پیش رو داریدانه تنها از هم نشینی با دوستان، خصوصاً افراد خلاق و هنرمند، لذت می‌برید، بلکه تعامل با گروه‌ها و کلوپ‌ها هم برایتان جذاب است. بسیاری از متولدین دی با انجام کارهای داوطلبانه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، به دیگران کمک می‌کنند. باید بگویم ماه‌های نوامبر و دسامبر برایتان چالش‌هایی را به دنبال دارد و موانعی باعث می‌شوند برای انجام کارهای زیادی، ناگزیر کمی سخت‌تر عمل و تلاش کنید.

### متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



در چهار هفته آینده بسیار قدرتمند خواهید بود، زیرا این تنها زمانی است که خورشید در بالای موقعیت شما قرار گرفته و با تابش مستقیم، شما را در مرکز توجه همگان قرار می‌دهد. اما فقط این نیست. در این زمان دیگران، خصوصاً روسا، والدین، معلمان و افراد مهم، حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، شما را می‌ستایند. قطعاً می‌توانید از این شرایط به نفع خود استفاده کنید. آنچه را می‌خواهید در برنامه کاری خود قرار داده و درخواست کنید.

### متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



شما اکنون در جهان جدیدی هستید و این بسیار هیجان‌انگیز است. شاید دلیلش آن است که بیشتر از همیشه می‌توانید سفر کرده و به ماجراجویی بپردازید. ممکن است قدم در کوچه‌های جدیدی در رابطه با چاپ، مطبوعات، پزشکی، حقوق و یا تحصیلات عالی بگذارید. زندگی برایتان چالش‌های بسیاری به همراه دارد. سعی کنی برای جلوگیری از هر سوءتفاهمی، سخنان خود را واضح مطرح کنید. مسائل را در خانه و خانواده بدون فشار حل کنید.

### متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



مسائل مالی در این زمان ذهن شما را به خود مشغول می‌کند، زیرا ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی در خانه پول شما اتفاق می‌افتند. این بدان معناست که به جریان نقد و درآمد خود می‌اندیشید. از طرفی بیشتر به این فکر می‌کنید که برای شاد بودن به چه چیز احتیاج دارید و چه چیزهایی برایتان مهم است. علاوه بر آن در چهار هفته آینده با اندیشیدن به پول، ایده‌های پول‌ساز هم به ذهن شما می‌آیند. برنامه‌های سفر فعلاً به تعویق می‌افتند.

### متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



در هر سال خورشید یک‌بار به مدت چهار هفته در موقعیت شما قرار می‌گیرد و آن زمان اکنون فرا رسیده است. با حضور خورشید، از انرژی بیشتری برخوردار می‌شوید. از طرف دیگر خورشید فرصت‌ها و افراد خوب را هم جذب شما می‌کند. اکنون زمان بسیار خوبی برای خرید و ارتقاء شغلی است. بحث در مورد اموال مشترک، ارثیه و مسائل مالی برطرف می‌شود. بیشتر تمرکز خود را بر بهتر کردن شرایط خانه و تثبیت مسائل خانوادگی معطوف می‌کنید.

### متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



در چهار هفته آینده می‌خواهید در علف‌ها دراز بکشید و توجه کمتری را به خود جلب کنید. متولدین این ماه آینده‌گرا هستند و به همین جهت اهدافی در ذهن دارند و می‌توانند احساس کنند در چه مسیری باید قدم بردارند. خوشبختانه می‌توانید در چند هفته آینده به تعیین اهداف خود بپردازید. اهداف به شما امکان می‌دهند تمرکز بهتری بر آنچه برایتان مهم است، داشته باشید. اهداف شما را یاری می‌کنند بهتر بتوانید آینده خود را در کنترل داشته باشید.



# Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار و انواع مواد غذایی ایرانی و خارجی در شعب

## فروشگاه ایرانی بازار

Downtown: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3 (514) 846 1617  
Westmount: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8 (438) 771 8778

www.bazaarfood.ca | bazaar.epicerie | superbazaar | bazaairaniansuper

## We Make Your Dreamy Building a Reality

### طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک  
R.B.Q #: 5773-7520-01



- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و برآورد رایگان (514) 942-9969  
www.amajco.ca



## شعر هفته

### شاعر ما نیز هم!

دستک ما شد ز دست و دفتر ما، نیز هم  
باد برد از سر کلاه ما، سر ما، نیز هم!  
گوش ما بشنید بس، از «گوش بازان» وعده‌ها  
صبر ما از کف برفت و باور ما، نیز هم  
داس بی‌پولی درو کرد آنچه بود اطراف ما  
رنجه شد از ما رفیق و همسر ما، نیز هم!  
شد گرانی، سیل سخت و، تا که ما آگه شویم  
کند از جا خانه‌ی ما را در ما، نیز هم!  
بس هوا آلوده شد، افسرد سار و بدبده  
شد قناری زار و نالان، کفتر ما، نیز هم  
اندر این آشفته‌بازاری که کم‌کم رخ نمود  
یار ما شد خصم جان و، یاور ما نیز هم  
بود کنکوری و ما هم خویشتن را جا زدیم  
اول ما گشت «رد» و آخر ما، نیز هم!  
هر که را دیدیم بهر خویشتن شد دکه‌دار،  
هم محقق، هم مؤلف، شاعر ما نیز هم!

### بلای جان!

ز روزگار کهن، بوده شکوهی فقرا:  
که تا بچند و به کی، حسرت غذا بخوریم؟  
به ما، ز روی ظرافت به طعنه می‌گفتند:  
هوای پاک بود رایگان، هوا بخوریم!  
کنون که گشته هوا هم، بلای جان همه،  
هلا! ز لطف بگوئید، پس چه ما بخوریم؟  
منبع: (مشکل حکایتی‌ست، محمد صالحی آرام،  
تهران: مروارید، ۱۳۹۶)

## تمساح

## حکایت هفته

بعد از سال‌ها، یکی از دوستان خوب دوارن مدرسه‌ام را در مغازه‌ی بستنی‌فروشی دیدم. متأسفانه، این آقا همان سال‌ها مجبور شد به‌خاطر حافظه‌ی ضعیفش درس را ول کند و دنبال کار برود. حدود یک ساعت پیش دوست بستنی‌فروشم نشستیم و نشانی دادم تا مرا شناخت. اما در این مدت، هیچ‌کس پایش را داخل مغازه نگذاشت.

دوست عزیزم، چرا مغازه بستنی‌فروشی تو مشتری ندارد؟ «الآن خودت می‌بینی.» ناگهان یک تمساح بسیار بزرگ و خطرناک از زیر یخچال بیرون آمد و دهانش را حدود یک متر باز کرد. دوستم ران گوسفندی را جلو تمساح انداخت و با ناراحتی و غصه، سری تکان داد. «ده سال پیش یک نفر آمد توی مغازه و گفت: می‌شود این بچه تمساح را ده دقیقه برای من امانت نگه دارید؟... من قبول کردم. اما دیگر صاحب تمساح را پیدا نکردم. بچه تمساح اندازه یک باتری قلمی بود. بنابراین دلم نیامد به باغ‌وحش تحویلش بدهم. الآن ده سال از آن روز می‌گذرد. به نظرت من چه کار کنم؟»

الآن دیگر باید به خانه سالمندان تحویلش بدهی!... «سال‌های بسیار سختی بود. خودت کاسی را می‌بینی. همه از تمساح می‌ترسند.» یعنی صاحب تمساح هیچ‌وقت دنبالش نیامد؟ «یک آقایی هست که هر روز می‌آید. اما من از همان روز اول قیافه صاحب تمساح را فراموش کرده بودم... بنابراین گفتم اگر نشانی‌های تمساح را درست بگوئی، می‌توانم باور کنم که مالک واقعی‌اش هستی و جانور را تحویل می‌دهم.»

با هیجان از دوست بستنی‌فروشم پرسیدم: یعنی آن آقا می‌تواند نشانی‌های درست تمساح را بدهد؟ دوستم گفت: «نشانی‌هایی که می‌دهد درست است. اما من آن قدر احمق نیستم که باور کنم... همه تمساح‌ها شبیه همدیگرند... از کجا معلوم که راست بگوئید؟» منبع: (بگو با هم بخندیم، شهرام شفیع‌ی. تهران: پیدایش، ۱۳۸۹)

## نکته هفته

موفقیت پایان کار نیست، شکست هم نابودکننده نیست؛ فقط یک چیز اهمیت دارد و آن شجاعت ادامه دادن است.

## نقل قول هفته

انیشن: هرگز کاری را بر خلاف وجدان خود نکنید، حتی اگر قانون از شما بخواهد.

## ضرب‌المثل هفته

پارسی: انسان نقطه‌ایست بین دو بی‌نهایت: بی‌نهایت لجن و بی‌نهایت انسان! ... بنگر به کدام طرف می‌روی.

ارمنی: بلبل حتی اگر در قفس طلا باشد باز هم آرزوی برگشتن به جنگل را دارد.

## لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

FUN  
HAFTEH

- ☺ چرا میگن پول بی زبون؟ ... الآن که تنها زبونی که همه سرشون میشه زبون پوله!
- ☺ دلار داره میشه چهل تومان ولی آخوند قیمتش ثابت مونده ... آخوند دوزاری!
- ☺ به‌جایی رسیدیم که قیمت لپ‌تاپ این قدر رفته بالا که با پراید برابری می‌کنه ... آدم می‌مونه پراید بگیره یا لپ‌تاپ!
- ☺ داشتم خرید اینترنتی می‌کردم ... یه جوروی قیمت‌ها بالا بود که تو قسمت انتخاب درگاه بانکی باید دنبال درگاه الهی می‌گشتم!
- ☺ زنها ثابت کردند اگر چیزی را نخواهند برای همیشه تمامش می‌کنند. حالا می‌خواهد یک عاشقانه باشد یا یک سیاست...
- ☺ امام جمعه رشت: دشمن قصد داشت قیمت دلار رو به ۵۰ تومن برسونه ولی درایت مسئولین این فتنه رو خنثی کرد...
- ☺ به دلار آرزو دارم و به ریال توان...

SHARIF EXCHANGE  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم  
 www.sharifexchange.ca  
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★  
**Five Star I.P.M Inc.**  
**صرافی پنج ستاره**  
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و  
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut  
 by Sirous  
 متخصص  
 مدل های هنری  
 برای آقایان  
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و  
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو  
 فقط با وقت قبلی

**STUDIO PHOTOBOOK**  
 (514) 984-8944  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

**فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران**  
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،  
 انواع برنج، چای، عرقس، سبزی خشک و ....  
 (514) 369-3474  
 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montréal QC, H4A 1X1

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

# استخدام

## TRUCK DRIVER

PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A  
 FULL-TIME JOB FOR MONTREAL. PLS. SEND YOUR  
 CV TO:

ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-  
 کره ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می کند:

ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی  
 است.

نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...  
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوگی  
 مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی های متمول  
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)  
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملا منعطف

Hiring by: Family Care Services

Please contact Ms. Anna Lee

514-690-7005

Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

# جای آگهی شما

بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	۵۵۳-۰۹۷۸
مهدی امانی	۲۹۶-۹۰۷۱
علی پاکزاد	۶۹۰-۶۱۸۱
متین تیره‌دست	۲۹۶-۷۳۰۶
مرژگان رجبی	۴۶۷-۸۴۹۱
عبدالله صفوی	۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶
فریبا علیزاده	بیمه - خودرو - خانه - سفر
متین تیره‌دست (بیمه سفر)	۶۹۰-۶۱۸۱
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰
مهرداد ملک جمشیدی	۸۶۶-۲۴۶۳
محمد تائبی	بیمه - ویزیتوری و دانشجویی
متین تیره‌دست	۶۹۰-۶۱۸۱
امین طاهری	۷۴۶-۹۳۹۹
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	۸۴۶-۸۸۷۲
حسین ترکپور	۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴
لاله رهبین	۴۳۱-۲۸۲۶
الهام گرامی	ترجمه و دعوتنامه رسمی
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹
آرزو تحویل‌داری یکتا	۷۳۰-۷۴۶۲
خاطره تحویل‌داری یکتا	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴
رضا داوودی	۶۹۱-۴۳۸۳
حمید شورکایی	۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲
سارا کیانی	۸۸۴-۱۰۱۶
فیروزه مسیحا	۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵
چاپ و کپی	
فتوکپی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳
حسابداری	
حجت رستمی	۵۴۹-۱۳۴۴
مهديه سلیمی	۸۸۶-۷۴۷۱
عباس شفیعی	۸۰۶-۰۰۶۰
سرور صدر	۷۷۷-۳۶۰۴
اردشیر معین افشاری	۴۵۸-۷۵۹۹
Elan Accounting	۲۲۵-۳۵۰۰

مینو اسلامی	۹۶۷-۵۷۴۳
مهدی انصاری	۵۸۸-۰۶۰۹
مهرک ایرانفر	۸۱۳-۱۰۰۰
بهار ایزدی	۶۵۱-۴۸۲۶
کاظم پرتوتهرانی	۹۷۱-۷۴۰۷
آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱
نادر خاکسار	۹۶۹-۲۴۹۲
محمود رحیمزاده	۶۷۷-۳۹۰۰
نازک سلیمان‌پور	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳
آرش شکور	۷۳۰-۳۹۰۹
شهره شهریان	۲۹۰-۲۲۱۰
سحر صمدایی	۶۲۵-۲۵۲۵
رکسان صمیم	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲
هلیا عارفی‌دوست	۹۹۶-۱۰۶۵
آرزو گتمیری	۵۶۱-۳۵۶۱
نینوس گیورگینیا	۸۱۶-۴۰۸۰
حامد ملکی	۵۵۷-۱۹۲۹
الهام نیاجامی	۹۶۶-۹۶۸۱
مانیا نیازی	۲۲۲-۲۲۹۳
شهرام والقان	۴۳۸-۴۰۲-۹۳۶۳
هایک هارتونیان	۵۷۴-۶۱۶۲
فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴
املاک - تعمیرات ساختمان	
شرکت آماج	۹۴۲-۹۹۶۹
شرکت بن	۴۴۱-۴۲۹۵
لوله‌کشی پتانسیل	۴۶۳-۳۰۱۴
Pars Construction Group	۲۹۰-۲۹۵۹
املاک - بازرسی ساختمان	
محمودرضا اسکندری	۹۷۱-۱۳۵۹
علیرضا شریفزاده	۶۶۳-۷۲۱۵
حسین فرهمند	۵۰۸-۳۸۱۱
املاک - وام مسکن	
صبا المعی	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵
بهروز باباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶
هومن بصیر	۹۶۲-۸۸۳۰
آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱
مریم رضانلو	۴۳۸-۹۲۶-۵۶۲۶
کتی کرکچی (Desjardins Bank)	۵۷۶-۵۰۲۳
مهرداد مرادخانی	۸۳۴-۸۰۵۳

اتومبیل (فروش)	
Auto Highlander	۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶
www.autohighlander.com	
1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7	
اتومبیل - تعمیرگاه	
اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
6000 saint jaque H4A 2E9	
شمیران	۴۸۷-۶۲۶۲
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
سیروس	۲۴۰-۱۴۹۳
فریبا	۴۸۷-۰۸۰۰
مهرناز	۲۰۹-۷۳۰۴
Spa Illusion	۶۹۴-۳۷۳۵
آرز و صرافی	
آپادانا	۷۳۱-۸۸۳۹
بیستی	۸۰۶-۰۰۲۰
پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
Expert FX	۸۴۴-۴۴۹۲
آژانس مسافرتی	
سلطان تراول	۴۸۴-۴۰۰۰
آموزش - مدارس و موسسات	
کالج فنی و حرفه‌ای اویرون	۷۳۹-۳۰۱۰
انجمن خوشنویسان	۴۷۶-۷۲۵۹
مدرسه دهخدا	۲۵۸-۸۱۸۶
مدرسه فردوسی	۵۰۲-۴۳۷۸
کالج فنگی	۹۰۷-۵۰۷۳
مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰
آموزش - موسیقی	
استاد بیان‌بست قره‌چه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
پیانو / فخاریان	۹۹۶-۱۶۲۰
TwinMuse / پیانو	۸۱۴-۱۷۴۹
سنتور / صابر جلیلزاده	۵۴۹-۴۶۹۷
آموزش - زبان	
دکتر رضا یاوریان	۶۵۳-۳۰۵۰
املاک - مشاور املاک	
محمد اجزایی	۹۲۴-۵۰۵۵



کتاب فروشی - کتابخانه	کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲
نوروززمین	محرر رسمی	۷۸۷-۸۸۴۰
مونا صالحی	مراکز مذهبی	۹۰۳-۸۵۶۰
انجمن بهایی	موسسه خوبی	۸۴۹-۰۷۵۳
مشاور مهاجرت	روادید	۳۴۱-۲۲۳۵
معصومه علی محمدی	کنجی	۶۳۸-۸۲۵۸
www.GanjiCo.com	علی مختاری	۲۸۹-۹۰۴۴
۹۰۳-۴۷۲۶	سهیل ملاحمدی	۷۴۸-۰۹۴۹
نان و شیرینی	سنک آنر	۶۳۴-۶۳۶۳
کندم	وکیل	۸۳۶-۵۵۵۳
نیوشا ریاحی		۹۵۳-۳۵۷۰

کباب سرا - اتواتر	کباب سرا - نانزآیلند	۹۳۳-۰۹۳۳
755 Atwater Ave.	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	۷۶۶-۲۸۵۵
سی دی - ویدیو	تپش	۲۲۲-۳۳۳۶
عکاسی و فیلمبرداری	استودیو رز	۴۸۸-۷۱۲۱
استودیو فتوبوک	عکاسی مهناز	۹۸۴-۸۹۴۴
۶۶۰-۸۲۶۰	فرش و موکت	۷۳۹-۴۸۸۸
فروشگاهها	بازار	۸۴۶-۱۶۱۷
دانیکا	Exo Fruits	۹۰۳-۹۹۹۳
کامپیوتر و خدمات	بیژن جلالی	۷۳۸-۱۳۸۴
۲۵۸-۸۱۸۶		

حمل و نقل	المپیک	۹۳۵-۳۳۰۰
قربان	Loadex Transport	۸۸۷-۰۴۳۲
داروخانه	پروکسیم	۲۳۴-۳۳۹۹
گل نسیم ریاحی	فارماپری لاوال	۲۸۸-۴۸۶۴
۵۱۹-۳۰۶۰	فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰
دندانپزشک	راضیه رضوی	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷
۶۳۴-۷۲۸۱	شریف نائینی	۷۳۱-۱۴۴۳
فریدون هرنیدیان	رسانه‌های گروهی	۹۳۳-۶۸۰۰
بازار	پیوند	۸۴۸-۹۵۹۹
۹۹۶-۹۶۹۲	ر-می	۹۹۶-۱۶۲۰
هفته	رستوران - کیتترینگ	۸۳۴-۷۲۵۴
پوشاپ (هندی)		۷۳۷-۴۵۲۷

# جای آگهی شما

تمام مشتریان من تبدیل به دوستان صمیمی من شده اند. اجازه بدهید به شما نیز خدمت کنم. ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

## محل‌های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا  
508 Gladstone Ave  
۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶

فروشگاه شیراز  
725 Somerset St W . K1R 6P7  
۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷

فروشگاه کابل  
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1  
۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶

رستوران دونرما  
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7  
۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱

افغان کباب اکسپرس  
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2  
۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰

محل جدید پخش هفته در اتاوا  
دفتر مهاجرتی روادید  
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

## 16. Histoire de couverture

Quels hauts responsables de la République islamique ont été sanctionnés par le Canada?  
 Quel a été le rôle des autorités sanctionnées dans la répression des manifestants ?

■ Aarsam Arani



Cover  
NO.705

**12 Reportage:** Pegah Niaki  
**Iraniens à Toronto : pourquoi l'UNICEF ne lève pas la voix**



**31 Littérature:** Mariam Hosseini  
**L'amant démon, une histoire courte d'Elizabeth Bowen**

**36 Critique de livre:** Mostafa Azizi  
**Une critique du film canadien "Le Déclin" réalisé par Patrice Laliberte**



**46 Point de vue:** Ali Mohajerani  
**Tabou de la nudité : trucs des dirigeants et doutes des gens**

**63 Afghanistan:** Nargis Hashimi  
**Un rapport sur la situation de l'éducation des filles sous le régime des talibans**



Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

17 nov 2022, numéro 705

Hafteh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th  
 July 7th October 13th

(514) 834-7254  
 • www.hafteh.ca  
 • info@hafteh.ca  
 • news@hafteh.ca  
 • ad@hafteh.ca  
 • ISSN 1918-4379 Hafteh

Siège social:  
 1980 Rue sherbrooke O  
 Suite#: 900  
 Montreal H3H 1E8

**Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie**

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.  
 Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.





## ساختمان جدید پریا

با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی و مردمی در حال ساخت می‌باشد



Parya Construction Site - September 2022



بنیاد پریا  
Parya Trillium  
Foundation

## بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا  
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer  
به [admin@parya.org](mailto:admin@parya.org) و یا به ایمیل

[www.canadahelps.org/en/charities/  
parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد  
برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید

[www.parya.org](http://www.parya.org)



Your \$2000 gift will be recognized  
as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000  
will be permanently recognized  
on the **Recognition Wall**  
at the building entrance.



2010



2011



2023



صرافی  
بِیستی  
مونترال



Montreal  
BISTI  
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | [www.bisti.ca](http://www.bisti.ca) | [bisti@bisti.ca](mailto:bisti@bisti.ca) | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

عبدالله صفوی  
مشاور مالی  
بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

**(514) 467-8491**

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

**ABDOLLAH SAFAVI**

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

[www.safavifinancial.com](http://www.safavifinancial.com)

scan me for  
free ebook!







**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 année écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس  
• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود

**Service de Placement Disponible**




## روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais  
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

**دوره های حضوری**

- Soudage-montage
- جوشکاری و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Électricité
- برق کاری
- Soutien Informatique
- پشتیبانی کامپیوتر

**دوره های آنلاین**

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری یا آنلاین (بسته به نیازهای شما)




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane [www.avirontech.com](http://www.avirontech.com) 514-739-3010

**à vendre**



566, Rue De La Noue, Montréal (Verdun/Île-des-Soeurs),  
Neighbourhood Île-des-Soeurs

Centris No. 23335223  
\$499,000

**à vendre**



1808, Rue de Beaulac,  
Chambly

Centris No. 10936619  
\$859,000

**à vendre**



6315 - 6317, Rue Gamier, Montréal (Rosemont/La Petite-Patrie),  
Neighbourhood La Petite-Patrie

Centris No. 221688739  
\$919,000

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

514-588-0609

